

مَكَاثِبُ عِبَادِ اللَّهِ

جِلْدُ هَفِيمٍ

مؤتسه ملی مطبوعات امری

۱۳۴ بدیع

بسم الله الرحمن الرحيم

در این زمین است که در این زمین است
در این زمین است که در این زمین است

در این زمین است که در این زمین است
در این زمین است که در این زمین است

در این زمین است که در این زمین است
در این زمین است که در این زمین است

در این زمین است که در این زمین است
در این زمین است که در این زمین است

در این زمین است که در این زمین است
در این زمین است که در این زمین است

در این زمین است که در این زمین است
در این زمین است که در این زمین است

در این زمین است که در این زمین است
در این زمین است که در این زمین است

توجه

درموقع تعیین وتنظیم الواح مبارکه برای کتاب " مکاتیب عبدالبهاء " جلد هفتم توفیق زیارت تعدادی از الواح نازل به افتخار امام‌الرحمن دست داد ، و جلد هفتم بدرج قسمتی از این آثار مبارکه اختصاص یافت .

گرچه تعدادی از این الواح منیعه مبارکه جنبه خصوصی داشته ومنحصراً اظهارعنایت والطف حضرت مولی‌الوری نسبت بمخاطبین الواح میباشد ، معذک از تمامی آنها وظائف وتکالیف خطیره امام‌الرحمن در این دور مبارک استنباط میگردد .

لجنة ملی انتشارات ومطالعات

هُوَ الْإِلَهِيُّ

الهِىَ الْهَىٰ أَنْتَ الرَّحْمَنُ أَنْتَ الرَّحِيمُ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ قُوَّةً مَلَكُوتِيَّةً
لَأَقُومَ بِهَا عَلَىٰ عِبُورِيَّةٍ عَتَبْتِكَ الْمَقْدَسَةَ وَالْفَنَاءَ فِي فَنَاءِ
بَابِ أَحَدِيَّتِكَ الْمَنْزُوعَةِ الْهَىٰ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ آمَالِي مَتَوَجِّهَةٌ
إِلَىٰ هَذِهِ الْمُنْحَةِ الْعَظْمَىٰ وَالْمَوْهَبَةِ الْكُبْرَىٰ وَأَنَا خَاضِعٌ خَاشِعٌ
مَتَذَلِّلٌ مَنكُوسٌ إِلَيْكَ مَتَوَكِّلٌ عَلَيْكَ مَتَضَرِّعٌ لَدَيْكَ فِي كُلِّ
صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ أَنْ تَوْفَّقَنِي عَلَىٰ مَا عَتَبْتَ وَتَرْضَىٰ أَيْرَبَ سُدَّةِ
أَمْتِكَ الَّتِي آمَنْتَ بِكَ وَبِآيَاتِكَ وَأَيَقُنْتَ بِبِرِّهَا نَكَ وَمِثَاقِكَ
وَصَدَّقْتَ بِكَلِمَاتِكَ وَطَافَتْ حَوْلَ مَطَافِ الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَتَوَجَّهْتَ
إِلَى الْمَلَكُوتِ الْإِلَهِيِّ أَيْرَبْ وَفَقِّهْ عَلَىٰ رِضَاكَ وَأَنْظِرْ إِلَيْهَا بِنَظَرِ
الرَّحْمَةِ وَأَنْظِقْهَا بِثَنَائِكَ وَأَحْفَظْهَا فِي كَهْفِ حِفْظِكَ وَكَلَامِكَ أَنْتَ
أَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْوَهَّابُ وَالْبَهَّاءُ عَلَىٰ أَهْلِ الْبَهَاءِ ع ع

هُوَ اللَّهُ

نامه ات رسید و سبب سرور گردید تا بحال خدمت بملکوت الهی نمود
و موفق گردیدی امیدوارم که مزید بپیشروی بیشتر خدمت نمائی الحمد لله
ملفوظ نظر عنایتی مشمول الطاف بنهایت روز بروز قدم پیشتر نهی و بخلق
خوی و درویش و سلوک خوشتر گردی تا سبب هدایت جمعی شوی باعث روشنایی اقلیمی گردی و
علیک البهاء الالهی ع

هُوَ اللَّهُ

الهی الهی هذه امتك الموقنة بآياتك المشتعلة بنا رحمبتك قد
صعد شقيقها الى العالم الاعلى ورجع اليك حافيا عرتا باد
الفقر والفناء وقصد باب رحمتك الكبرى والتجأ اليك يا
مجير الضعفاء مستجيرا بكهفك الاوقى وملاذ رحمتك التي
سبقت الأشياء ايرب انت العفو وانت الغفور فاغفر له
بفضلك ياربى الودور وكل خطيئة وكل زلة وذنوب انك
انت الرحمن وانت المتان ومنك العفو والغفران أجر
يا الهى فى جوار عفوك واوردته على مورد فضلك وارخله فى

قباب رحمتك و ارزقه من نعمك و آلائك انك انت الكريم
 الرحيم و انك انت البر الرؤف العلی العظيم ای امة الله
 فراموش نشده و نخواهی گشت همیشه در خاطر هستی از فضل
 جمال الهی چنان امیدوارم که در کمال انجذاب و اشتعال
 بازاری در بین اماء رحمن محشور گردی که نفحات تقدیس
 و تنزیه مشام طلعات نور آیرا معطر نماید شب و روز بکوش
 و تضرع و ابتهال نما که قوه انقطاع احاطه نماید و فیوضاً
 تضرع و ابتهال متتابع و مستمر شود قلب مانند آفتاب
 گردد و روح مستبشر بمواهب رب الارباب نفس مطمئنه
 گردد و حقیقت قلب راضیه و مرضیه تا روح قدسی جلوه
 نماید و جمال بیهثال پرتو نماید افشاند اینست صفت
 نفوس منجذبه الی الله از فوت متصا عدالی الله اخوی
 محزون و متأثر و متکدر نباشید این پرواز آزادی او بود
 و این انتقال کامرانی او از جمیع بلایا و محن و رزایا آزاد
 شد و بجوار رحمت کبری شتافت و علیک

التحیة و الشاء ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

اللَّهُمَّ هَذِهِ أَمَّتِكَ الَّتِي آمَنْتَ بِمَشْرِقِ شَمْسٍ فَوْرَانِيَّتِكَ
 وَمَطْلَعِ نَيْرٍ وَوَحْدَانِيَّتِكَ وَشَاهَدْتَ آيَاتِكَ وَصَدَّقْتَ
 بِكَلِمَاتِكَ وَخَضَعْتَ بِسُلْطَانِكَ وَاهْتَرَزْتَ مِنْ نَفْحَاتِكَ
 وَنَطَقْتَ بِثَنَائِكَ بَيْنَ أُمَّائِكَ وَانْتَسَبْتَ بِأَحَدٍ مِنْ أُمَّائِكَ
 الَّذِي أَحْتَمِلُ كُلَّ مَصِيبَةٍ فِي سَبِيلِكَ وَأَصْطَبِرُ عَلَى كُلِّ رِزِيَّةٍ
 فِي طَرِيقِكَ وَزَاقُ كُلَّ مَرَارَةٍ طَلِبًا لِلرِّضَائِكَ وَشَرِبُ نَقِيعَ
 كُلِّ مَرِيرٍ فِي قَضَائِكَ فَثَبَّتْ فَنَسَبْتَ وَاسْتَقَامَ وَقَامَ عَلَى عِلَاقِ
 كَلِمَتِكَ جَهَارًا وَنَشَرَ نَفْحَاتِكَ وَأَضْحَى بِحَضْرَةِ الْأَمْرَاءِ وَمَحْضَرِ
 الْوُزَرَاءِ فِي مَمْلَكَتِكَ أَيْرَبَ أَيْدِيهَا عَلَى مَا تَحِبُّ وَتَرْضَى وَأَشَدُّ
 أَرْهَابًا بِشَدِيدِ الْقُوَى ثَابِتَةً عَلَى عَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ أَسْخَةً
 عَلَى جَبْهَاتِكَ بِكَلِمَتِكَ مَتَمَسِّكَةً بِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى إِنَّكَ أَنْتَ الْفَعَالُ
 لِمَا تَشَاءُ إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

أَيُّ إِخْوَاتِ حَقِيقِي جَنَابِ زَائِرٍ خَوْشَا جِبَالِ شَمَا كِهْ دَرَعْتَبُهُ

مقدسه مذکورید خوشابحال شما که در قلوب صافیه
 معروفید خوشابحال شما که مورد الطاف جمال
 قدمید خوشابحال شما که مظاهر عنایت رب قدیمید
 ایمان و ایقان و اطمینان الطاف و عنایت اوست پس
 ای ورقات وقت خرق حُجُبَات صمت و سکوت است
 و هنگام شعله میثاق در قلوب اهل ملکوت شوری
 برافکنند و شعله بزنید قدم ثبوتی بنمائید و باهنگ ملکو
 الهی مناجات نمائید و بشکرانه زبان بگشائید و البهَاء
 علی کلامه ثابتة ع

هو الله

ای اماء الرحمن از الطاف و عنایت جمال قدم روحی له
 الفداء امید است که هر یک از آن اماء الرحمن بنار موقده
 الهیه چنان شعله برزند که بجزارت محبت الله جهانی را
 روشن نماید و بنطق فصیح و لسان بلیغ و تأییدات روح
 القدس چنان از جوهر تبیان بیان نماید که فصحا و حکما

و عرفای من علی الارض حیران بمانند و لیس ذلك علی
 الله بعزیز ای اماء الله توجه بملکوت الهی نمائید و
 انقطاع از ماسوی تثبث بذیل تقدیس کنید و توسل
 بعهد و پیمان رب مجید شما اوراق سدره هداایتید و
 اثمار شجره عنایت در ظل کلمه توحید مستظلیلید و در
 بحر موهبت حضرت احدیت عین رحمت ناظر بشماست
 و سحاب مرحمت فائز بر شما تجلی غفور است که چون
 شعله طور است موج عظیم است که از بحر قدیمست
 نسیم عنایت است که از مهبت لطف حضرت احدیت است
 رشحات ابر احسان است که در نزول است طفحات حیا
 رحمن است که در ظهور و بروز است پس همتی نمائید
 تا از فیض ملکوت محروم نگردید و در ظل کلمه رحمانیت
 محشور شوید و در فضای حب و عشق جمال قدیم و نور

عظیم اسب برانید تا گوی سبقت

و پیشی از میدان بر بایید

و البهآ علیکن یا اماء الله

هُوَ الْإِبْهِيُّ

ای امة الله توجه بملکوت صدق الاهی نما و بگوای مقصود
 من فی الوجود ای معبود من فی الغیب والشهود کنیز
 نا چیز را عزیز نما و در هر چیز تمیز بخش و شورانگیز فرما
 تا در سبیل عزیز مصر بقا یوسف ملکوت
 جمال ابهت جان رایگان فدا
 نماید و در اشتیاق رویت
 بدلات نفحة قدس خویت
 بکویت شتابد و رخ
 از بیگانه بتابد و به
 یگانگیت بپرستد
 توئی مقتدر
 و توانا
 ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امّاء رحمن الحمد لله درگاه احدیت را کنیزان عزیزانند
 و آستان مقدّس را خادمه های مقرب و پاسبان دیگر
 چه فخر و مباهاتی اعظم از آن حال قدر و مزیتش مجهول
 ولی عنقریب آثار قبول مشتهر لهذا باید زبان بشکر
 مستمر بگشاید تا شجره وجودش مرغشده و لثن شکرش
 لازیدتکم تحقق یابد و علیکن البهّاء الابهی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امّاء رحمن الحمد لله و رقات سدره رحمانیتید و
 ازهار حدیقه هدایت و روحانیت از چشمه حیوان
 نوشیده اید و از ماء معین و عین تسنیم ایقان نشو و
 نما نموده اید حال باید همواره بنسیم موهبت از مهبت
 عنایت در اهتزاز و حرکت آئید و یوما فیوما طراوت و
 لطافت و روحانیت تازه حاصل نمائید تا جنت ابهی را

بنفحات قدس بیارائید هر يك آیت موهبت شوید و نار
 موقده هدايت شب و روز بذكر جمال الهی ملا اعلیٰ را
 محظوظ و مسرور کنید و بنعرة یا بهاء الالهی ملائکه سمارا
 مشعوف و ممنون نمائید از شعله محبتش دی خمورت
 نجوئید و از یاد جمالش نفسی فراغت نخواهید ای امام
 رحمن و کنیزان جمال الهی آیا میدانید در چه عهد و روز
 و در چه قرن و عصر این دور حضرت کبریاست و این
 قرن عصر جمال الهی یا بشری یا بشری یا طوبی یا طوبی یا
 فرحا یا فرحا یا سرور یا سرور یا من هذه الموهبة الكبرى
 و من هذه المنحة العظمیٰ قد اشرقت انوارها علی الارض
 شرقها و غربها و انتشرت نفحاتها علی الآفاق جنوبها و
 شمالها و علیکن التحية و الشاء ع

هو الله

ای امام رحمن تلاوت آیات و مناجات مورت را بخندابست
 و محدث التهاب بنا رحبت رب الارباب پس در انجن

اماء الرحمن چون ترتیل کلمات الهیه گردد آذان ملا
 اعلى استماع کند و فریاد بر آرند که طیب الله الأنفاس
 طوبی لکن یا اماء الرحمن والورقات المنجذبة بمحبة
 البهاء المهترزة من نسائم رياض ملكوت الالهى المستبشرة
 ببشارات الله المتأججة الأحشاء بنا رحبت الله الهامعة
 المدامع فى مناجات الله الشاخصة الابصار توجهها الى
 جبروت الاسرار فعليكن الشاء وعليكن البهاء وعليكن
 النعوت من الملاء الأعلى وعليكن الرأفة من الرب الكبير
 ع

هو الله

ای اماء رحمن چون ورقات طیبات ثابتات راسخات
 تمسک بشجره مبارکه دارند از فیض ابر عنایت و رشحات
 سحاب موهبت همواره در نهایت طراوت و لطافتند
 و در جنت الهی در غایت سبز و خرمی از فضل قدیم
 رب کریم مستدعیم که آنورقات را بنفحات گلشن الهی در
 جمیع اوقات روح و ریحان افزایش و چنان مشتعل فرماید

که شعله نار عشق بعنان ملا اعلیٰ رسد و علیکت
التحیة والثناء ع

هُوَ اللهُ

ای اماءِ رحمن در این دم که عبد البهَاء در نهایت تضرع
و ابتهالست و ساجد عتبه مقدسه حضرت رحمن بذکر
شما مشغول شدم و انشاء الله بالنیابه از شمار روقی
پر روح و ریحان مقابلاً للبقعة المبارکه زیارت تلاوت
می نمایم و استدعای الطاف بینهایت میکنم تا نجات
روحانیة ملکوت البهی قلوب شمارا متأثر نماید و از
این عالم فانی بیزار کند و بجهان الهمی مشتاق فرماید تا
بکلی منجذب جمال باقی گردید و شب و روز بمحبت جمال
البهی افروخته و جان سوخته و روش تقدیس و تنزیه آموخته
بنار محبت الله بگدازید و علیکن التحیة والثناء ع

هُوَ الْإِبْهِيُّ

ای ورقه موقنه غفران مادرخواهی و آمرزش آن مغفور
 جلیل اکبر جوئی ای امة الله چون آن ورقه متصاعده
 منتسب حضرت اسم الله الاصدق شهید مجید بود و
 در ظل کلمه وحدانیت مقرر داشت و یا آتش محبت لبر
 الیه روحی لعتبة المقدسة الفداء مشتعل بود البته در
 بحر غفران مستغرق است و در فردوس عفو و احسان
 مخلد رویش بنور رضا روشن است و خویش چون مشک
 و عبیر منتشر در آفاق کرم مطمئن باش و راحت که سر
 مست جام عنایت است و مسرور از الطاف حضرت
 احدیت و البهاء عليك و علیها ع

هُوَ الْإِبْهِي

ای اماء رحمن دست عجز و نیاز بدرگاه حضرت بی نیاز
بر آرید که ای پروردگاری انباز مقدسی و منزّه رحیمی
و مهربان مجیری و دستگیری این بیچارگان را در پناه
خود منزل ده و این افتادگان را در کف حفظ و حمایت
خویش از شرّ اهل نفاق محفوظ دار انت الحافظ المقتدر

العزیز القدير ع ع **هُوَ اللَّهُ**

ای اماء الرحمن شکر کنید حضرت حیّ قیوم را که بجد
موفق گردیدید و در سبیل الهی کوشیدید خدمات
مشکوره شما در درگاه احدیت مقبول طوبی لکن یا اماء
الرحمن من هذا الفضل العظيم بشری لکن من هذا الفوز المبين

ع ع **هُوَ اللَّهُ**

ای اماء رحمن فضل و موهبت حضرت یزدان تاجی

از موهبت کبری برهامه شما نهاد که گوهر درخشنده اش
 هدایت الله و جواهر رخشنده اش محبت الله است
 لهذا باید در هر نفس صد هزار شکرانه نمائید و سجده
 دوگانه بدرگاه خداوند یگانه بجا آرید تا پر تو این فیض
 جلیل روز بروز مزید گردد و درخشندگی آن گوهر تابان
 از دیار یابد همواره باستان خداوند یگانه نماز آرام
 و عجز و نیاز نمایم که تأییدی در پی رسد و انوار توفیق از
 افق غیب بتابد و علیکن التَّحِيَّةُ وَالشَّاءُ ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای اماء رحمن محفل رحمانی که در آن مدینه نورانی
 تأسیس نمودید بسیار بجا و مجری بود فی الحقیقه همتی نمودید
 و گوی سبقتی ربورید و بعتبه کبریا عبودیتی قیام نمودید
 و بموهبتی رسیدید حال باید بکمال همت و روحانیت
 در آن محفل نورانی جمع شوید و ترتیل آیات کتاب مبین
 نمائید و بذکر حق مشغول گردید و بیان حجج و براهین

نمائید و در هدایت نساء آن دیار بکوشید و بتربیت
 بنات و اطفال پردازید تا امهات از صغرسن اولاد را بترتیب
 تام تربیت نمایند و حسن اخلاق بیاموزند و بفضائل
 عالم انسانی دلالت نمایند و از صد و در حرکات مذمومه
 منع کنند در آغوش تربیت بهائی پرورش دهند و تا آنکه
 طفلان نورسیده از ثدی معرفت الله و محبت الله شیر
 بنوشند و نشو و نما نمایند و حسن سلوک و علو فطرت
 و همت و عزم و جزم در امور و استقامت در هر کار و
 علویت افکار و حبت ترقی و بلندی همت و عفت و عصمت
 آموزند تا هر کاری که شروع نمایند از عهدہ برآیند زیرا در
 خصوص تربیت اطفال امهات باید نهایت اهمیت
 بدهند و همت بگذارند زیرا شاخه تا تر و تازه است هر
 نوع تربیت نمائی تربیت شود پس امهات باید طفلان
 خورد سال را مانند نهالها که باغبان می پرورد پرورش
 دهند شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایقان
 و خشیت رحمن و محبت دلبر آفاق و فضائل اخلاق و

حُسن صفات تأسس یابد مادر اگر از طفل حرکت
 ممدوحی ببیند ستایش کند و تحسین نماید و تطیب
 خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بیفایده صدور یابد
 طفل را نصیحت کند و عتاب نماید و بواسطه معقوله
 حتی زجر لسانی جزئی اگر لازم باشد مجزی دارد ولی ضرب
 و شتم ابدًا جایز نیست زیرا بکلی اخلاق اطفال از ضرب
 و شتم مذموم گردد و علیکن البهَاء الالهی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای همدم عزیز مکاتیب جوف را برسانید و بفرستید
 همواره در نظرید جمیع را تکبیر ابدع الاهی ابلاغ دارید یک
 سبد پر توغال ارسال گردید شب چون احباً جمع شوند
 تقدیم یاران نمائید و تحیت محترمانه مشتاقانه من برسانید
 ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای اماء رحمن و ورقات سدره عرفان شکر کنید حضرت

مقصود را که در کور بدیع بوجهی نورانی و قلبی رحمانی
 و حقیقی وجدانی و کینونتی روحانی در ظل کلمه الهی محشور
 شدید و بفیض اعظم محیی عالم مؤید و مشرف گشتید
 و انوار مبین را از صبح یقین مشاهده نمودید و در گلشن
 معرفت الله بارُخی روشن داخل شدید آنچه را طلعاً
 قدس و ورقات سدره اُلس آرزوی نمودند شمارا یگان
 یافتید و رُخ از غیر حق تا فتید و محبوب خویش را شناختید
 و بکوی دوست شتافتید و لمثل هذا الترتب المجلیل
 یرتفع صوت التّسبیح والتّهلّیل و لهذا الجمال المنیر
 یلیق التّحمید والتّوحد و حده لا شریک له فی عزّه و سلطانه
 و قدرته و عظمته و برهانه انا کل عبادہ و ارقائه و نستنصر
 من ملکوتہ الالهی جنوداً لن تروها و نبتهل علی تراب الذل
 و نتضرع فی ساحت الفقر و الفنا رب ایتدنا علی
 عبوریة باب احدیتک بقدرتک المحیطة
 علی الاشیاء انک انت الکریم
 الرحیم ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ام‌آء جمال الهی کنیزان آن یار مهربان عزیزانند و
 الیوم زبان پاکان در بارگاه قدس بستایش کنیزان جمال
 مبارک ناطق حتی پرده نشینان حجاب عزت حسرت و
 غبطه میبرند و طوبی لهن و بشری لهن بزبان میرانند
 از وجد و سرور چون طيور شکور در حدائق قدس بثنای
 رب غفور زبان بگشایید و بگوئید و بسراشید پاک یزدانا
 خداوند مهربانا شکر ترا که این ام‌آء را عزیز نمودی و این
 ناچیزان را تاج موهبت بر سر نهادی در بخشایش گشودی
 و رخ بنمودی و دلها بر بودی ای رب و در دستایش نتوانیم
 و از عهد نیایش بر نیائیم عاجزیم و ناچیز قاصریم و بی تمیز
 ولی روی تو جوئیم سوی تو پوئیم ثنای تو گوئیم اسیر زنجیر
 محبتیم و دستگیر امیر کشور موهبت شکر ترا که شاهد و شکر
 بکام هارنجی و این کنیزان را کامیاب نمودی الحمد لك
 والشکر لك والفضل لك والموهبة منك انک انت المقتد

العطوف الرّوفع ع

هو الله

ای امّاء جمال الہی ملاحظہ نمائید کہ مورچہ عنایتی
 شدید و موفق بچہ موہبتی در زمانی بعرضہ وجود قدم
 نہارید کہ یوم موعود بود و ظہور جمال مقصود و طلوع
 شمس حقیقت از افق شہود از نور بشارت صبح ہدیٰ حضرت
 اعلیٰ روحی لہ الفدا روشن گشتید و از پرتو عنایت آفتاب
 ملّا اعلیٰ جمال الہی بہرہ و نصیب یافتید بنفحات قدس
 زندہ شدید و از نسیم مہبت عنایتش تروتازہ در درگاہ
 احدیتش کنیزان ممتازید و در بارگاہ رحمانیتش امّاء مقبولہ
 حضرت یزدان این چہ نعمت بی پایاست و این چہ
 موہبت جاودان حقا کہ سزاوار شکرانیت است قدر
 این فوز عظیم را بدانید و بایکدیگر در نہایت ملاطفت
 و مہربانی سلوک نمائید ہر یک دیگر را غمگسار شوید
 و مہربان و مفتون در جمیع احیان حکم یک بحر جوئید زیرا

سبزه يك چمنيد و شكوفه يك گلشن اوراق يك شجريد و
 شعاع يك اختر در نشر نجات الله بكوشيد و در اعلاء كلمة
 الله روز بروز بر تقدیس و تنزیه بیفزائید تا نجات عصمت
 کبری خطه غبارا معطر نماید و علیکن التحيّة والثناء ع

هُوَ اللهُ

ای امة البهآء اسم و لقبی اعظم و اشرف از این نیافتم که ترا
 بآن بستایم اليوم اعظم اسماء و القاب و صحامد و نعوت
 اسمی بود که دلالت بر عبودیت آستان مقدس نماید
 پس بجان بکوش تا حقیقت این لقب در تو مجسم گردد و
 شواهدش از روح و جان و اعضا و ارکان ظاهر و باهر شود
 همیشه در نظری و در مقابل منظر از عنایاتی که جمال قدم
 در حق آن سرور شهداء و سید ابرار و سالار احرار متصاعد
 الی الله داشت امیدوارم که تو موفق بخدمت درگاه احدیت
 در جمیع احوال گردی و الحمد لله همیشه منظور نظر عنایتش
 بوده و هستی و در آستان ربوبیتش کنیز مقرب ممتازی

اینست فضل خاص و البهآء علیک ع ع
 امآء الہی راتحت و تکبیر برسان جناب آقا سید محمود و سید
 آقا جان راتحت مشتاقانہ برسان دائما در نظرند و در عقبہ
 الہیہ ارجمند و ہذہ بشارۃ تنہلل بہا الوجوہ و تقر بہا
 الابصار و البهآء علیک ع ع

هو الله

ای امۃ البهآء این عنوان فخر ہر عنوانست و جوہر
 ہر لطافی الحمد لله بمقتضای این عنوان جلیل قاشمی
 و در سبیل جمال قدیم ساعی و مجاہد از قرار معلوم خدمت
 لامر الله بخراسان توجہ نمودی احسنت احسنت از تأییدات
 روحانیہ جمال الہی امید وارم کہ موفق بخدمت کبری گری
 و طوید بموہبت عظمی امآء رحمن را بشور آری و ورقات
 موقنات را بوجد و طرب اندازی کل را انقطاع و انجذاب
 آموزی و تشویق بمعرفت الله و موہبت الله نمائی آداب
 کنیزی در گاہ کبریا تعلیم دہی و رسم انتساب بعقبہ نوراء

درس دهی مختصراً اینکه در دبستان امر بدیع اماء رحمن را
 ارباب دانا گردی تا کل بر تربیت اطفال خویش چنانکه در
 نامه های پیش تعلیمات مرقوم شده حفظ و تربیت نمایند
 و در صغرسن کورکان را در آغوش محبت الله پرورش دهند
 و آداب دین الله بیا موزند و شب و روز نصیحت کنند و
 از جمیع شئون مخله با آداب محافظه و صیانت نمایند تشویق
 نام بر فراشت و کتابت کنند و تحریص عظیم بر تحصیل معارف
 نمایند و آنچه بتوانند از تعلیم آداب و تهذیب اخلاق
 و تقدیس صفات در حق اطفال کوتاهی نمایند زیرا امری
 اطفال امهاتند و تا امهات در بدایت تأسیس ادب و
 تربیت نمایند من بعد هر قدر همت و غیرت شود ثمره
 و نتیجه کلیه حاصل نگرورد حال البتہ صد البتہ شما امهات را
 پیام من برسانید و بگوئید که اطفال شما اطفال منند باید
 بقسمی تربیت نمائید که سبب حیرت گردد این خدمت عظیمه
 است در این خصوص باید جانفشانی نمائید تا جمیع کورکان خراسان
 اطفال تو گردند و عليك التحية والثناء ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امامه البهاء این عنوان مفخرت و رفات رحمانیه است
 در ملکوت ابھی لهذا ترا باین خطاب ندایکم سفر شه میر
 و سنگر و سمنان بسیار موافق و اگر چنانچه ب راحت و آسایش
 و رفاهیت سفر خراسان نیز ممکن گردد آن نیز موافق و الا
 توکل بر حق کن در هر جا باشی موفق و مؤید میگرددی مقصود
 اینست که آرام مجو و سکون مطلب همیشه مهتر و منجذب
 و متذکر و متفکر و سبب روح و رحمان اماء رحمن باش و
 عليك التحية والثناء ع ع

هُوَ الْإِبْهِيُّ

ای امامه البهاء دمبدم بیاد توأم و از حق میطلبم که آیت
 تقدیس گردی و سبب روحانیت جمیع اماء رحمان در آن
 جهات مکتوب استدلالی که از جناب آقا سید مرتضی سید
 بود جوابی از برای ایشان ارسال گشت تا حال خبری نرسیده

و همچنین مناجات مفصلی در ذکر آیت هدی المتصاعد
 الی الله جناب آقا سید محمد رضا مرقوم شد نسخش بجمع اطراف
 ارسال گشت منجمله بمازندران از وصول آن نیز خبری نرسید
 باری متعلقین آنمتصاعد الی الله را دلالت نما که باید شمع
 او را روشن کنند و کشت زارش را گلشن شب و روز در صد
 ایقاد نار محبت الله افتند و وطن جمال قدم را غبطه گلزار
 جنت فر دوس کنند ای امة البهَاء ایام بگذرد و انفاس منتهی
 شور باید احب اهریک نهالی در حدیقه وجود نصب نمایند
 و آیتی از آیات باهرة جمال قدم در صوامع ملکوت ترتیل نمایند
 و عليك التحية والثناء ع

هو الابهی

ای امة البهَاء مکتوب مرسل و اصل گشت و از تبطل
 و تضرع آن امة الهی آگاهی حاصل شد مضمون اظهار فنای
 بخت و محویت صرف و نیستی تام و خضوع و خشوع بدرگاه
 احدیت بود انشاء الله همیشه بر این شیم مرضیه و صفات

حمیده موصوف باشی و حقیقت انقطاع از ماسوی الله
از آن ورقه نورآء ظاهر و باهر باشد ملاحظه فرما که حضرت
شهید مجید در این مراتب چگونه ثابت و قائم بود از جبین
منیرش انوار تذلل و انکسار و خضوع و خشوع و انقطاع
ظاهر و باهر بود لهذا در افق توحید چون کوکب منیر ساطع
ولایح و در رخشنده گشت احتبای الهی را تکبیر ابدع اعلی از
قبل عبد البهآء برسان و بگوای ثابتان بر پیمان الحمد لله
مظاهر لطاف و عنایت الهیه هستید و مطالع موهبت
رحمانیه حق در بین خلق آن نفوس زکّیه را انتخاب فرمود
بفضل مخصوص در ایام الله اختصاص داد الیوم از ملکوت
غیب انوار توجهات الهیه بر مفارق آن عبار پرتوا فکنده
لهذا باید بشکرانه این عطارد میان خلق با آثار تجلیات
رحمانیه جلوه نمائید و سبب اعلاء کلمة الله گردید و علت
ارتفاع رایت رحمان نصرت این علم بشئون و صفات فائز^{نصه}
از نیر اعظمست چون باین موهبت ظاهر و باهر شوید ناصر
امر اللهید و حامی دین الله و خادم کلمة الله و علیکم البهآء ع

مکاتیب شمارسید مطمئن باشید جمیع اماء رحمن را تکبیر برسانید
ع ع

هو الاهی

ای امة البهآء هر چند مدتیست که خبر و اثر آنجذاب
باین دیار از آنورقه پراشتهاب نرسیده ولی عبدالبهآء
در نهایت اشتعال بنا رحمت اللہ بذکر شما مشغول زیرا
مواهی از ملکوت یزدان در حق آن خاندان و رودمان
مقدر گشته که تصور نتوان چه که پرده امتحان را بشعله
سوختند و در انجمن پیمان رخی افروختند آیات میثاق را
در مجمع نساء آفاق با نغمه و ترانه و چنگ و چغانه بنواختند
دمبدم ذکر تان در این انجمن رحمانی و در زبان اماء رحمن
لهدا باید جوش و خروشان هر دم بگوش ملا اعلیٰ برسد
و جذب و وله تان باستان ملکوت الاهی و اصل گردد و
بسرو و حبوری محشور گردید که فرح و نشاط سرایت
بقلوب اماء آفاق نماید و رقه منجذبه والده را تکبیر ابداع
الهی ابلاغ نماید و بفضل عظیم بشارت دهید و همچنین

ورقه موقنه امة الله همشیره را بالطف الهیه مستبشر
 گردان و كذلك اخوان پرو فارا از قبل این عبد کاس عطاء
 بنوشان و نهال نورسیده باغ هدایت یعنی نخل امجد را
 محامد و قصائد بدیع بیاموز بلکه روزی در محفل مشتاقان
 بخواند جناب نصر الهی را بگو کو آن ساز و نوازت و کو آن نغمه
 و آوازت تو از آنجا بخوان تا مادر این جا بشنویم زیرا اگر اصوات
 نرسد اهتزاز او تار معانی بسمع یاران الهی در آید و البهائ
 علیکم وعلیکن مستمرًا من الملکوت الالهی یا عباد الله و اما ^{الترجمین} _ع _ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة موقنه در ظل جمال قدیم و نبأ عظیم امائی ^{بیت} تر
 گردند و نشو و نما نمایند که هر یک بلسانی صفت ستایش
 او نمایند و در جهان آفرینش چنان طلوع و جلوه نمایند
 که ذکر نساء او ائیل را منسوخ نمایند آن اماء فی الحقیقه
 و رفات سدره منتهی گردند چه که در کمال بضارت و فصاحت
 و بلاغت مبعوث گردند _ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة موقنه فضل جمال قدم بمثابه بحر پر موجست
 ولی رشحاتش بساحل امکان متصل اگر لؤلؤ لؤلؤ و درآرک
 نوراء خواهی غرق در این دریا شو و غوطه در غور بی منتهی
 خور آنوقت نصیب او فریابی و شمع انور بر افروزی و
 البهَاء عليك یا امة الله ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة المقربه نامه خواندم و بر معانی اطلاع یافتم مضمون
 مشحون تبتل الی الله بود و تضرع بملکوت الهی من نیز با تو
 همدم گشتم و مناجات بدرگاه احدیت نمودم تا تو در ملکوت
 خویش مذکور فرماید و الطاف بی نهایت مشمول دارد
 ای امة الله المقربه عبد البهَاء از درگاه الهی رجا نموده
 که نفوسی از آماء رحمن در ایران مبعوث شوند که گوی
 سبقت و پیشی را از آماء الهی در امریکا بر بایند و سبقت گیرند

حال در آمریکا اکثر مبلغین از اماء رحمانند فی الحقیقه
 بر رجال تفوق جسته اند امیدوارم که تونیز در آن مدینه
 سبب انتشار دین الله و اعلاء کلمة الله و نشر نجات الله
 گردی و عليك المحیة والثناء ع

هُوَ اللهُ

ای امة الله از الطاف جمال قدم امید است که در بین
 اماء الرحمن چون بشمع بر افروزی و حجابات او هام نساء
 موسوسات بسوزی و چشم از عالمیان بدوزی و بنشر
 نجات محبت الله بین الورقات پردازی ع ع

هُوَ اللهُ

ای امة الله اگر بدانی این خطاب چه قدر مبارک است
 البته پیر برافرا موش نمائی و خود را در نهایت قوت و طراوت
 و لطافت جوانی مشاهده نمائی زیرا در درگاه الهی حکم بارواح
 است نه اجساد چون جان جوان و تروتازه شد غبطه

حوریات جنان گردد و لوتن از بقایای سفینه نوح باشد
ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله اگرچه بظا هر در این آستان حاضر نشد
ولی از فضل و موهبت حی قیوم امید وارم که از فائزین محسوب
گردد و از اثرات معدود چه بسیار اعمال ناگردد مقبول
گردید و بسا اعمال مجرئی گشته غیر مقبول واقع شد
يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله اگر ظل ظلیل جوئی در سایه شجره انیسار آری
اگر فردوس باقی خواهی در حدایق میثاق استقرار یاب
اگر چشمه حیوان جوئی از سلسبیل پیمان بنوش قسم
بنور یزدان که خیر عظیم و حظ و فیر و عز قدیم در این است
الیوم روح میثاق در شریان آفاق نباضت و سحاب پیمان
برد و جهان فیاض هنیئاً المزمستک به والبهاء علیک ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله اگر نفسی فی سبیل الله نفسی برآرد و خد^{مت}
بنماید در ملکوت الاهی مذکور آید هرگز فراموش نشود
اماء رحمن مظهر عنایتند و مطلع نور موهبت این الطائفة
در عالم الاهی ظاهر گردد نه این خاکدان ترابی ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله افق عالم بانوار عنایت اسم اعظم روشن
و از فیض ملکوت جمال قدم جمیع آفاق گلزار و چمن
عنقریب بسط غبار اجنت الاهی مشاهده نمائی و عرصه
خاک را رشک افلاک ملاحظه کنی در آن کشور عظیم نور
مبین بتابد و ندای یابهاء الاهی را یاران در مشارق اذکار
بذروه علیین رسانند تا توانی در تشویق و رفات بکوش
تا سروش افق الاهی تأییدت نماید و البهَاء علیک و کل
ورقة ثبتت علی الميثاق ع ع

هو لاهی

ای امة الله الآن در کاشانه جناب زین حاضر و بمجرد
 دخول ذکر آن امة الله را از زبان پاک جاری نمودند و خواهش
 این نگارش فرمودند این عبد نیز قلم برداشته و فوراً این
 نسیقه نگاشته که ای ورقه موقنه چشم بگشا و ریذ سائر
 اماء الرحمن را باز کن و بافق ملکوت توجه نمائید و هر
 تأیید و توفیقی را از فضل و عنایت جمال مبارک روحی لاجبانه
 الفداء بطلبید قسم بآن روی منور و خوی معطر و موی
 مشکبوی که فیوضات مقدسه اش از ملکوت غیب چون
 غیث هاطل است اگر نفسی ثابتاً علی عهده و میثاقه
 چه زکوره اناث قیام بر نشر نفعاتش نماید بجنور ملکوتش
 موفق و مؤید گردد پس تو در انجمن اماء الله چنان بآتش عشق
 دلبر الهی برافروز که محفل آستخانه نمائی و مجلس را آزر کده
 و البهاء علیک و علی **هو الله** جمیع اماء الله ع ع
 ای امة الله المبارکه اشعار بدیع ملاحظه گردید که بابدع

الحان از حنجر روحانی آنورقه نورانی صادر فی الحقیقه ما
 طیور فردوس و آهنگ مرغان حظیره القدس در نهایت
 جذب و وله صد و ریافته عبد البهاران نهایت سرور
 در آنست که ملاحظه نماید و رقاقی چند از کنیزان جمال
 مبارک تربیت شده اند که جواهر مجرّدند و مطلع بر سرائر
 وجود در ستایش و نیایش و پرستش اسم اعظم آهنگی بلند
 نمایند که اهل جوامع و صوامع ملکوت را بوله و انجذاب
 آرند منظوما و منشورا ترتیل مناجات کنند و ترنیم نغمات
 آیات بقیات امیدوارم که تو یکی از آنان باشی و در پاشی
 و همواره بغزلخوانی مشغول گردی و در محامد و نعوت الهیه
 ترانه آغاز کنی و عليك التحية والثناء ع ع

هو الله

ای امة الله المقربه از الطاف حضرت مقصود امیدوارم
 که ترا موفق بخدمت عتبه مقدسه ملکوت فرماید و چنان بنابر
 محبت الله بگدازد که محو و فانی در امر الله گردد و عليك التحية والثناء
 ع ع

هُوَ الْإِجْبِي

ای امة الله المقربه در این یوم ولادت اسم اعظم عبدالبها
مظلوم عالم بتهنیت پرداخته تا مسرور گردی و محظوظ شوی
و بشکرانه الطاف حضرت بهاء الله پردازی ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله المقربه درگاه احدیت را کنیز عزیز و آستان
مقدس را منتسب قدیم همیشه نظر عنایت شامل بود
و پرتو رحمت کامل فراموش نشده و نخواهی شد مطمئن
باش و عليك التحية والثناء ع

هُوَ اللَّهُ

یا امة الله المقربه نامه ثی مرقوم نموده بوردید که یکروز اقلأ
باید صرف قرائت آن کرد با وجود آنکه فرصت قرائت یکسطر
ندارم مجبور شدم نصف شب خواندم در خصوص اینکه

شمارا مفتش معارف بجهت مدارس بنات نمودند بسیار
 موافق بلکه انشاء الله سبب شوی که مدارس بنات منتظم
 گردد تأسیس محفل اماء بجهت ترویج معارف بسیار موافق
 اما باید حصر در مذاکره معارف باشد زیرا باید نوعی نمود
 که اختلاف روز بروز زائل شود نه اینکه منتهی بآن شود
 که در میان رجال و نساء معاذ الله بمجادله انجامد مثل
 مسئله حجاب بی حکمت سلوک نمائید حضرات نساء باید
 الیوم بامری تشبث نمایند که سبب عزت ابدیه عالم نساء
 گردد عالم نساء روشن شود و آن صحافل درس تبلیغ است
 و مجالس ترتیل آیات و تضرع بملکوت رب البیتات و
 تنظیم تحصیل بنات ملاحظه نمائید که جناب طاهره چگونه
 بتبلیغ میپرداخت و از هر فکری آزاد بود این بود که جلوه
 داشت حال عالم نساء باید عالم روحانی باشد نه سیاسی
 تا جلوه نماید و الانساء جمیع ملل در سیاسی غرقند چه
 فایده و ثمر تاوانید بروحانیات بپردازید تا سبب اعلاء کلمه
 الله و نشر نجات الله شوید روش شما باید سبب اختلاف

گردد و رضایت عموم باشد باری حال مختصر موقوف گردید بلکه بعد مفصل محرر خواهد شد حضرات نساء نوعی بود که میدانید حال بقوت میثاق چنان شده است که شما مشهور و معروف و چهارا رسماً از طرف حکومت مفتش مکاتب و معارف بنات عموم شده اید قدر این موهبترا بدانید و شکرانه نمائید تا نعمت روز بروز از دیار یابد و

عليك البهاء الالهي ۲۴ ربيع الاول ۱۳۳۸ حيفا

من در سعی و کوششم که عالم نسا را بعون و عنایت جمال مبارک چنان ترقی دهم که کل حیران مانند یعنی در روحانیت و فضائل و کمالات انسانیت و معرفت ممالک امریکا که مهد حریت نساء است هنوز نساء انجمن سیاسی ندارند زیرا هم در میافتند هنوز در مجلس امت عضوی ندارند و همچنین جمال مبارک خطاب میفرماید یا رجال بیت المقدس حال شما باید قدری سکون و قرار داشته باشید تا کار بخت پیش رود و الا چنان مغشوش و درهم شود که خود شما بگذرید و فرار نمائید این طفل يك شبهه ره صدساله می رود باری

حال شما بروحانیت صرفه پردازید و بارجال اختلاف نما
 عبدالبهاء جمیع امور را بحکمت ترتیب میدهد مطمئن باشید
 عاقبت خود شما خواهید گفت ما هذه الحکمة العظمی من
 از خود شما میخواهم که این اختلاف بین رجال و نسا را محو نماید
 ملاحظه نماید که کلاس هشتم مدرسه چگونه ترتیب شد
 باری از شما من منتظر آنم که خبر خوشی زود برسد در خصوص
 قبور معطره جناب ابن ابهر و جناب ادیب مجاجی غلامرضا
 مرقوم میشود عبدالبهاء عباس هیچ نفسی بسعی خود
 کاری از پیش نبرد عبدالبهاء باید راضی باشد و امداد نماید
 عبدالبهاء عباس

هو الاهی

ای امة الله المنتسبه الی من شرفه الله بجواره فی الملكوت
 الاهی والرفیق الاعلی در این انجمن رحمانی ذکرت مذکور
 شد و یارت معروف گشت بدرگاه حضرت زوالجلال
 عجز و نیاز گردید که در کل حین و اوان مشمول عنایت حضرت

رحمن باشید و در ظل سدره منتهی مستظل الطاف حق
 باماء خویش برون از حد و تعریف و بیان است و عنایات
 جمال مطلق چون دریای بی پایان لکن الیوم اماء رحمن
 هر یک در نهایت قوه ایمان و اطمینان باید مبعوث و ظاهر
 گردند و بروش و سلوک و حسن اخلاق و شور و انجذاب بی بین
 اماء ارض حرکت نمایند که نفس گرمشان در اشجار رطبه
 شعله افروزد و بن و بنگاه خود پرستی و ریشه غفلت از خدا
 پرستی، بسوزد و البهاء علیک ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله الناطقه جوهر محامد و نعوت و ستایش بهر
 این عبد بیان عبودیت باستان مقدس است اگر عبد
 البهارا عبودیت محضه چنانکه باید و شاید حاصل گردد
 این تاج مباحث است و اعظم آیات و ارفع رایات و سفینه نجات
 پس اگر قریحه الهام صریحه داری و طبع روانی نطق را با این
 حقائق و معانی بگشا و دار سخن ده من بنده بهاء هستم

و تو کنیز بها من تور ابا نساب بان آستان بستایم و تو مرا
بعبودیت آن عتبه ستایش نما تا جان تو و من هر دو خوش
شور و مانند گلشن الهی لطافت و طراوت بیفزاید و علیک

التحیة والثناء ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله الورقة النورانیة هر چند تا بحال نامه های
متعدّد در روحانی بنام نامی شما ارسال گشت ولی در ایندم
باز بیاد تو افتادم و احساسات روحانیّه از شهادت حضرت
شهید حاصل گشت و بی محابا و بی اختیار مجبور بنگارش
این ورقه گردیدم ای اخت شهید آن نور مجید در ملکوت
الهی عنایتی جدید بتو دارد و همواره آیات توحید در ملامت
اعلیٰ ترتیل میفرماید ای امة الله حال بتحریر این مکتوب
مشغول بودم که آقا سید محسن حاضر و مکتوب شمارا الان
در بین نکاشتن این نامه تسلیم نمود از جمله مضمون نامه
جزیاد تو خیالی ندارم چرا یادم نمیکنی زیادم نمیروی اتفاق

چنین افتاد انصاف بده. شکایت بناحق مکن زیرا من
 بیاد تو مشغول بودم که این مکتوب تسلیم نمود جمال الهی
 روحی لأحبائه الفداء دانا و بیناست که همیشه بیاد تو هستم
 ابدًا فراغتی ندارم و از حق میطلبم که تو را بین اماء رحمن
 جوهر تقدیس فرماید و لطیفه تنزیه نماید آیت هدی
 گودی و امة الله المقدسة الثوراء و کنیز عزیز جمال الهی و
 شبهه نیست که عجز و نیاز این عبد در درگاه کبریا مقبول
 خواهد شد ای امة الله اماء رحمن را بشور و وله آر و
 بجدب و انقطاع بر تربیت اطفال دلالت کن زیرا اول مرتبی
 اطفال امهاتند باید از سن رضعی از ثدی محبت الله کودک^{نوا}
 پرورش دهند و در آغوش معرفت الله نشو و نما بخشند
 و با خلاق حمیده و روش و سلوک پسندیده تشویق و تحریص
 نمایند تا این نهالهای ریاض موهبت الله در جنت الهی
 بنسیم جانپرور هدی طراوت و لطافت بی منتهی یا بند
 و اماء رحمن را در آن سامان محبت روحانیه از قبل عبدالبهاء
 ابلاغ نما و عليك التحية والثناء ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله اليوم امانی در ملکوت الہی مذکورند کہ سرادق
عزت قدیمه را بر اعلی الجبال در اقلیم جلال بلند نموده اند
و در قطب عالم بمحبت اسم اعظم علم افراختند و بقسمی
شعله بر افروختند کہ کبد آفاق را بسوختند این اماء اوراق
سدرۃ الہیہ اند و ازهار شجرۃ رحمانیہ بل اثمار زیتونہ
لا شرقیة ولا غربیة یکا دزیتها یضئ ولولم تمسه نار یهدی الله

لِنُورِهِ مِنْ لَيْشَاءِ ع ع

اللَّهُ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله ای ورقه موقنه در این قرن عظیم و عصر بدیع
و کور جمال قدم روحی لأحبائہ الفداء امانی مبعوث کردند
کہ حجبات اهل امکان را بقوۃ برهان عظیم بردرند و
چنان قدم ثبوت و رسوخ بنمایند کہ جبال را سیات حیران
مانند و انک انت یا ایئہا الورقة الموقنه تشبثی بذیل رداء

الكبرياء وتمسكى بالعروة الوثقى وانجذبى بنفحات الله و
 اذكرى الله بالعشى والاشراق وتوجهى الى الملكوت الالهى
 وقولى الهى الهى انت تعلم سرّ قلبى وحفيف فؤادى انى ابتهل
 اليك وانّضرع بباب احديتك ان تجعلنى آية توحيدك
 وجوه رحبتك بين امانك وسازج عرفانك بين الورقات
 وروح الانجذاب بين الموقنات انك انت الكريم الرحيم الوهاب
 ع ع

هو الالهى

ای امة الله ای ورقه موقنه فضل وجود سلطان وجوداً
 ملاحظه کن که جمیع ممکنات را در ظلّ شجره انیسا بکلمه میثاق
 خواند تا کلّ چون کواکب نورانی از افق ثبوت بر عهد ربّانی
 طالع و لائح گوردند و چون جبل را سخ متین و ثابت باشند
 حیف صد حیف که بعضی چوا و هن بیوت نسج عنکبوت
 بکلی لغزیدند و از بنیان بر افتادند ع

هو الله

ای امة الله بلطف قدیم ربّ کریم امیدوار باش که در این یوم

عظیم فیوضات عفو از ملکوت البهی چون غیثها طل در نزل
 پدیر مغفور و خودت در درگاه رب و درود مقبول دیگر چه خواهی
 ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله بمليك سریر ملکوت باجی بده و خراجی تقدیم
 کن باج و خراج محبت حضرت قویم المنهاج است و مشاهدت
 شمع و هاج از فضل حضرت دوست امید است که از عالم
 باجی گیری و خراجی پیری یعنی ملک کائنات بفضل رب الآیات
 مستخر نمائی و عليك التحية والثناء ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله توجه بملکوت البهی کن و توصل بذیل اطهر حضرت
 اعلی جو کاری کن که چون نور لامع در انجمن اماء رحمن بر افروزی
 ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله چند روز پیش محترری بشما مرقوم شد حال

باز نگاشته میگذرد ملاحظه نما که چه عنایتی در حق تو بوده
 و هست آنچه استدعا نموده بوردی از درگاه احدیت رجاشد
 مطمئن بفضل و موهبت حق باش و جمیع دوستان را از رجال
 و نساء تحت ابداع الهی ابلاغ نما ضیاء الله و میرزا عباس را
 کمال اشتیاق برسان ع ع

هُوَ اللهُ

ای امة الله چون افواج نساء عالم نگری چون امواج پیایی
 باین عالم پی نهند و جوقه جوقه بدیار عدم راه برند نه شمر و
 اثری نه فائده و خبری مگر ورقاتی که در ظل سدره رحمانیت
 درآیند و بنور صبح هدایت افق قلب بیارایند این ورقات
 از افق عزت طالع گردند و چون سُرُج نورانیّه در زجاجه
 ملکوت برافروزند ع ع

هُوَ اللهُ

ای امة الله حضرت اسم الله نهایت نعت و ستایش از شور

ووله و جذب و شوق و اشتعال آن و رقه روحانیه مینماید
 که فی الحقیقه شعله ربانیه است و جذبه روحانیه بمحبت
 اسم اعظم رخی افروخته و جان و دل سوخته شب و روز آرام
 نگیرد و صبر و قرار نپذیرد و راحت و آسایش نجوید و جز در
 راه حقیقت نپوید و از ما سوی الله دست و دامن بشوید
 و راز معرفت الله گوید و در سببش پوید این اوصاف انشاء
 الله در امانه رحمن مشهور و آشکار مشاهده خواهد شد و
 امید است که چنین است الحمد لله خوان نعمت رنگین است
 و این بساط پرتوزین است و دوره بهشت برین است طوبی
 للفائزین بشری للواصلین و یاطرباً للمستاقین یخجج للثابتین
 و علیک التّحیة و الشّاء ع

هُوَ اللهُ

ای امة الله حمد کن جمال قدم را که در ظل سدره منتهی
 داخل گشتی و از شجره طوبی نابت شدی و رقه سبز خرمی
 بودی و شبی از سحاب فیض لطافت و طراوت یافتی و الیوم

مستفیض از بحر رحمتی و مقتبس از نار موقده در شجره موهبت
امید از رب مجید آنست که نیز به از این گودی ع

هو الاهی

ای امة الله حمد کن خدا را که بر شریعه بقا وارد شدی و
از سر چشمه هدایت نوشیدی و از حلاوت محبت جمال قدم چشیدی
و از دام غفلت و ضلالت رهیدی و در ظل سدره المهیه آرمیدی و
بذیل عنایت تو تسل نمودی و بعروة الوثقای حضرت احدیت
تسبث کردی فقیره بودی بکنز اعظم دلالت فرمود زلیله بودی
بعزت قدیمه هدایت نمود در ظلمات نفس و غفلت مبتلا
بودی بانوار انبیا و هدی موفق گرد تشنه بودی بسلسبیل
فضل مؤید نمود برهنه بودی بقمیص الطاف مخلم فرمود
اذا فاشکری مولاک علی هذا الجود العظیم و هذا الفضل
المبین و قولى لك الحمد و لك
الشکریا محبوب العارفين

هُوَ الْإِبْهِيُّ

ای امة الله خدمات آستان الهی بسیار ولی اعظم خدمت
 و اتم مشوبات تربیت اطفال و صبا یای احباء الله است و تعلیم
 ایتام و صغار اصفیاء الله الحمد لله تو باین خدمت موفق و
 معززى و باین موهبت متوج و مکلل در تربیت اطفال
 و بنات احتبای الهی نهایت همت و غیرت را بنما و منتهی
 قوت و قدرت را مبذول کن تا آن مکتب سر رشته سایر
 مکتبها شور و بنات دوستان امات رحمن گردند و البهَاء
 عليك وعلى كل خادم وخادمة لأمر الله ع ع

اللَّهُ الْإِبْهِيُّ

ای امة الله خدماتت در درگاه احدیت مقبول و محبوب
 حوریات فردوس در غرفات قدس بتحسین تو مشغول
 الحمد لله که ذکر تو در ملکوت ابھی مذکور و مظهر تلطف
 ملا اعلائی و مطلع الطاف جمال بیمثال فاطمینی ما تو بدین

من فضل مولاك القديم والبهاء عليك وعلى كل ثابت مستقيم
على ميثاق الله العظيم اذن طواف كعبه مقصود رادار يدع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله خدمات در درگاه الهی واضح و مشهور و زحمت
در بساط رحمانی آشکار چون نار موقود در لیالی بود خوشا
بجالت که بخدمات احتباء الله عمر گرانمایه را صرف نمودی
و در زحمات اسراء و مسجونین مشقت کبری کشیدی چه که
خدمت احتبای الهی خدمت حقست و مشقت دوستان
رحمانی عین موهبت شکر حضرت احدیت را که در بین اماء
رحمن و رقاتی مبعوث شده اند که بزحمات بندگان الهی
مفخوت دارند و مشقات خدمات را راحت و نعمت می شمردند
ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله خدمات در عتبه مقدسه مقبول افتاد
و زحمات محبوب یزدان مهر بانواستایش کن که بکمال فضل

وعنايت زحمت و خدمت را در درگاه احدیت قبول فرمود
 و انشاء الله مظهر الطاف رحمانیت خواهی شد و البهاء عليك
 ع ع

هُوَ اللهُ

ای امة الله خوش باش که هدایت یافتی و نور حقیقت
 دیدی و وصایای عبد البهاء شنیدی این موهبت هر چند
 در این عالم فانی قدر و قیمتش ظاهر و آشکار نه اما در جهان
 الهی این موهبت بسی رخشنده و درخشنده است البته مشا^{هده}
 خواهی نمود من ترا فراموش ننموده و نخواهم نمود و همواره
 از خدا خواهم که روز بروز بر محبتت بیفزائی و قلبت روشنتر
 گردد و عليك التحيّة والثناء ع ع

اللهُ الهی

ای امة الله در امر حضرت پروردگار استقامت عین کرامت
 است و ثبوت و رسوخ از فیوضات عنایت پس تا توانی قدم ثبوت
 بضا تا در فردوس ملکوت حوریات قدس بنعت و ثنایت زبان
 گشایند و ندای تحسین بر آرند ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله در این دور که منتهی آمال عباد مخلصین و منتهی آرزوی اماء موقنات بود در ظل کلمه جامعه الهیه محشور شدی و از موائد سمانیه مرزوق گشتی از کاس ایمان نوشیدی و حلاوت عرفان جمال رحمن چشیدی پس نجات تقدیس جانرا زنده کن و بانوار توحید قلب را روشنی بیا^{زه}ند بخش بر امر جمال قدم ثابت و راسخ باش و بر محبت حضرت احدیت مستقیم و متمسک جانرا بشارتی ده و قلب را لطافت بخش تا آثار عنایت و الطاف از ملکوت الهی مشاهده نمائی
والبهاء علیک ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله در این کور بدیع که جمال قدیم و نور مبین روحی لاحبائه الفدا از مطلع آمال اشراق فرمود نساء در استقامت بر امر الله حکم رجال یافتند و شجاعت و قوت

أبطال نمودند سمند در میدان عرفان تاختند و علم بر
 آتلال ایقان افراختند تو نیز همتی کن و قوتی بنما جهدی
 بکن شهدی بچش زیرا حلاوت محبت الله چنان مذاق
 شکرین نماید که تا ابد الآبار باقی ماند ع ع

هو الأبهی

ای امة الله در این کور اعظم و دور و قرن ملک
 قدم حدودات بشر مرتفع و احکام عوالم کون منسوخ
 و منسوخ است ذکوریت و اناثیت و مردانگی و فرزانگی
 بلحیه و سبلیت و یال و کوپال نبوره بلکه بهمت و قدرت
 و معرفت و ثبات و استقامت و اشتعال و انجذاب بوده
 چه بسیار ربات حجال بقوت اعظم رجال مبعوث
 شدند و بسا مردان که در تحت مقنعه ذل و هوان
 محشور شدند پس نظر بصفه است و شرط و مناط
 سمت و سیرت نه نقش و صورت و چون کمالات معنویه
 و فضائل روحانیّه و انوار رحمانیّه در قمیص اناث ظاهر

گردد و در زجا جه نساء با هر جلوه اش بیشتر با شمع ع

هُوَ الْإِبْهِيُّ

ای امة الله در این کور عظیم و دور بدیع امائی مبعوث شدند که آیات توحید بودند و رایات تفرید زیوا تجلی مواهب نوع واحد بر رجال و نساء واقع وان اکومکم عند الله اتقاکم ثابت چه رجال و چه نساء و چه عباد و چه اماء کل در ظل کلمة الله و کل مستمد از فیوضات الله پس خود را حقیر مبین که امة از اماء در پس پرده حجاب چه تواند نمود رب ربیبة الخدور و رببت الحجال فاقت علی اعظم الرجال پس با قلبی ثابت و قدمی راسخ و لسانی ناطق بر خدمت کلمة الله قیام نما و بگوای پروردگار هر چند در پس پرده عصمت پرده نشینم و با حجاب عفت همدم و قرین ولی مرا آرزو چنانست که علم خدمت بر افرازم و به کنیزی آستان مقدست پردازم و اسبی بر اندازم و بر سپاه جهل هجوم نمایم صفوف الوف را در هم

شکنم و بنیاد ضلالت و نقض را براندازم توئی معین
ضعفا توئی نصیر فقرا توئی ظهیر اماء انک انت القوی القدر
ع ع

هُوَ الْاَبْهَى

ای امة الله در این کور عظیم و دور کریم حضرات نساء
بشانی عظیم مبعوث شدند بعضی بلسانی فصیح ناطق گشتند
و برخی بنطقی بدیع امائی چون دریا بجوش آمدند و ورقاتی
در سدره وجود چون ثمره طیبه عالم شهود پس توای
امة الله بکوش تا از آن ثمرات مقدسه گردی عبدالبهاء عبا

هُوَ اللهُ

ای امة الله در حضور نور الانوار در ملکوت اسرار جمال
پروردگار غیب اکوان جهان پنهان مقبولی و مظهر فضل
و لطف بی پایان دیگر چه جوئی و چه طلبی این فضلی که جمیع
اماء الرحمن از بدو عالم تا بحال آرزو می نمودند حال تو بآن
فائز و واصل و البهآء علیک ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله در سبیل جمال قدم فدای جان و خود را
 قربان خاک آستان رحمن نما پس اگر جان جاوردان خواهی
 فدائی شو و اگر حیات بی پایان جوئی محو و فانی گرد اگر عزت
 قدیمه طلبی هر مشقتی را چون ورقه نور آء والدۀ علی اشرف
 الذی استشهد فی سبیل الله در راه خدا تحمل نما هذا
 هو العز العظيم هذا هو الفضل المبين ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله در یوم اشراق امانی منجذب انوار نیر آفاق
 گشتند و در جواب الست نعره بلی بسبع طباق رسانند و وجود
 و سروری نمودند و شوق و شوری یافتند تو اگر خواهی
 در فسطاط عنایت مقرر گزینی بنا موقدۀ در سینه
 عهد مشتعل شو تا معدن اشواق گری
 و منبع وجد و اشتیاق ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله دست عجز و نیاز باستان مقدس حضرت
بی نیاز بلند نما و بگو ای خداوند چندان عنایت فرموری
که جهان ظلمت روشن از مه تابان هدایت شد زنان
ناتوان مورد میدان گشتند و گوی سبقت و پیشی از مجتهدان
زمان ربورند این لشوان فائز شدند و آن پیشوایان خا
این نیست مگر از فضل و مواهب تو تختص بر حمتك من شاء
ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله راضی بقضا باش و هر نوع که تقدیر مجبوری
می نماید خوشنود گرد همچو گمان منما که آنچه آرزوی
انسانست خیر انسانست چه بسیار که آرزو عدو جانت
و سبب ذلت و هوان پس امور را بید قدرت تسلیم نما
از خور خواهشی مدار البته فضل شامل گردد و آنچه سبب
خیرتوست حاصل شور و عليك التحية والثناء ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله ربابه را آهنگی روحانی لازم و نغمه و جدائی واجب پس رباب هدایت را چنان بنواز که از اصوات بدیعش روح امکان باهتر از آید و قلوب اهل اکوان مسرت بی پایان جوید و عليك التحيّة والثناء ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله رقیمه خواندم و از حزن متاثر ماندم در نظری و بی خطری و ملحوظ نظر عنایت حضرت زحمانی مطمن بفضل جمال قدیم باش و ملتجی بآن آستان مقدّس رب کریم توفیق از هر جهت شامل اماء الرحمن ثابت بر پیمانست و عون و صون ملک و جور همدم هر ورقه راسخه بر عهد رب یزدان محزون مباش مغموم مباش توکل بجمال حق قیوم کن و تو سل بذیل اطهر ملک مقصود اینست نهایت آمال اماء مخلصات و

ورقات موقنات ع ع

هو الاهی

ای امة الله شکر ایزد تعالی را که در این کور کوریم و نبأ
عظیم امائی خلق فرمود که ناطق بثنای الهی و منادی ظهور
جمال رحمانی بودند از گوش عرفان مست و مخمور شدند
و از ریحق انجذاب مدهوش و مسرور شهرة آفاق شدند
و مستفیض از انوار اشراق و البهَاء علیک ع ع

هو الله

ای امة الله شکر کن حضرت احدیت را که باین ریاض
رضوان پی بردی و از این حیاض رحمن نوشیدی و در
این گلستان داخل گشتی و از این گلستان ازهار عرفان
چیدی بعنایتی مختص گردیدی که اگر بدانی
از فوط سرور برپوی و بسر منزل بقارسی
و البهَاء علیک ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله شکر کن حضرت احدیت را که موفق بایمان گشتی و از نفخه ایقان دماغ جان ترو تازه نمودی و لایمان و ایقان شرط اعظمش ثبوت بر عهد و پیمان است و الا قسم بمرتبی غیب و شهود که صد هزار خرمین ایمان بجوی نیززد و هزار بحر ایقان بقطره برابری نماید ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله شکر کن حضرت دوست را که در حلقه آشفندگان موی او و عاشقان روی او در آمدی تشنه جگر سوخته بجز عذب سلسال و سلسبیل شیرین پی بُرد و مرغ صبحگاهی بگلستان الهی در آمد غزال صحرا می محبت الله بیز وحدت شتافت و مشتاق جمال ذوالجلال بمیدان مشاهده و شهود بتاخت ای صد آفرین بر قلب نورانیت که مجلای انوار هدایت شد ای صد

بشارت بروج رحمانیت که مظهر نظر عنایت گشت عنقریب
 ملاحظه کنی که لسانی ناطق و نحلی باسق و کوکبی شارق گشتی
 و تأیید جمال الهی روحی لأحبائنه الفدا از زمین و یسار احاطه
 نموده. والبهاء علیک ع

هو الألهی

ای امة الله شکر کن حی قیومی را که ترا از بین ربّات حجاب
 امتیاز داده و بتاج و هاج عرفان سرت سرفراز نموده
 این اکلیل محبت الله گوهر درج عنایتست که بر مشارق
 و مغارب آفاق اشراق نموده دیگر چه جوئی و چه خوا
 الحمد لله در کنیزی جمال قدم طوقی مرصع بجواهر اسم
 اعظم در گردن داری و حلقه زرین از اعلیٰ علیین در
 بردگی آن روح مصوّر در گوش داری والبهاء علیک عبد البهاء ع

هو الألهی

ای امة الله شکر کن خدا را که بمحبت جمال الهی رخ

برافروختی و باده معرفت نوشیدی و از کاس عنایت
 سرمست شدی و بخدمت پرداختی در ظل عصمت جناب
 امین در آمدی قدر این عنایات را بدان و بشکر خداوند
 پرداز حال مصلحت چنان است که از آن مقر حرکت
 نمائی و رفات مقدسه از قبل تو زیارت مینمایند و تضرع
 و انابت میکنند ثمرات این موهبت بتو راجع خواهد شد
 والبهاء علیک ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله شکر کن خدا را که در میان آن قوم اول مومنی
 و بنشر نجات پرداختی و بهدایت دیگران برخاستی از
 فضل و عنایت جمال الهی امیدوارم که رویت روشن
 و خویت دلپسند و بویت معطر گردد بدیده بینا و بگوش
 شنوا و بزبان گویا و بدل مملو از بشارت کبری و بجان
 مستبشر بنجات الله گوردی و در میان آن قوم بتربیت نفوس
 پرداز و ممتلاً از نور گردی مردمک دیده هر چند لون سیاه

دارد ولی معدن نور است تو نیز چنان شوی خوی باید
 نورانی باشد نه روی باری پس در نهایت اطمینان و ایقان
 رب اجعلنی نوراً باهراً و سراجاً و هاجاً و نجماً بازغاً حتی
 انور القلوب بضیاء الساطع من ملکوتک الاهی بفرما
 احباً و سائر اماء الرحمن را از قبل من نهایت محبت و مهربانی
 بیان کن و علیک البهاء الاهی ع ع

هو الاهی

ای امة الله شکر کن خدا را که از ورقات سدره فردوسی
 و از اماء حضرت مقصور تا جی بر سرداری که لثالی متلائم^ش
 شرق و غرب را روشن می نماید و جواهر پر لطافتش
 ابصار من فی الوجود را جلا بخشد و آن کنیزی آن آستان
 مقدس است فوالذی نفسی بیده که حوریات جنت
 تقدیس آرزوی این موهبت کبروی نمایند و تو بفضل
 وجود سلطان وجود بکمال سهولت و آسانی
 باین عنایت فائز شدی ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله شکر یزدان پاک را که از عنصر ضعیف نساء
 امائی مبعوث فرمود و حقائق شاخصه قویه برانگیخت
 که محسود رجال گشتند و مغبوط ابطال دراستقامت
 چون جبل را سخ بودند و در رسوخ و رزانت چون بنیاد
 ثابت این از قدرت عظیمه الهیه است که جزء ضعیف
 با عظم قوی مبعوث و بسیاری از رجال در قمیص نساء
 محشور تو که مردمیدانی پاک یزدانرا شکر نما و جمیع اماء
 رحمن را از قبل این عبد تکبیر ابدع الاهی ابلاغ نما و بگو قسم
 بجمال قدم که در روضه نورا بدکر و یاد کل شما مشغول
 و از حق تأیید میطلبیم ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله صد هزار ملکه های عالم آرزوی آن را
 داشته که از لسان بنده از بندگان الهی خطاب امة الله

شنوند حال تو از فم عبدالبها خطاب امة الله بشنو
 این خطاب حقیقت است و آن خطابهها مجاز این خطاب
 از فم عبودیت و آن خطابهها از فم انانیت پس از این خطابه
 حقیقی باید چون گل بشکفی و چون شمع برافروزی زیرا
 بعد از خطاب دعا است و بعد از نداء تضرع بملکوت
 الهی والبهاء علیک

هَوَا اَلْاِلهِي

ای امة الله علیک بهاء الله شکر کن حتی قدیم را بر شاهی
 بجز عظیم و اردشدی و در جنت نعیم داخل شدی و از
 کوثر و تسنیم نوشیدی و در فروروس محبت الله وارد
 شدی از دست ساقی عنایت مکلم طور کأس مزاجها
 کافور کشیدی و در حدائق محبة الله از پستان معرفت
 الله مکیدی آثار باهرة این فیوضات عظمی را در ملکوت
 الهی مشاهده خواهی نمود و ندای یالیت قومی یعلمون را باهنگ ملا
 اعلی خواهی بنواخت والبهاء علیک و علی الورقات الطیبات ع ع

هُوَ الْإِبْهِيُّ

ای امة الله فیض ملکوت از حدود و قیود ناسوت منزّه
 ومبراست و از شئون جهان چون وظنون معرّا لهذا
 ذکور و انثی را یک حکم و رجال و ربّات الحجال را یک شأ
 هر یک بیشتر پیش آید مقرب تر گردد و هر منجذبت تر نزدیکتر
 پس ای ورقه روحانیّه بکوش و منتهای جهد مبذول دار
 تا آنکه در درگاه احدیت بکنیزی موفق گردی و در ظلّ
 رحمانیت مستظّل شوی و البهَاء علیک ع

هُوَ الْكَلْبِيُّ

ای امة الله مظهر موهبتی و منظور نظر عنایت بشکوائت
 الطاف الّهیّه بخدمت درگاه احدیت برخیز تا کنیز عزیز
 شوی و مانند جام لبریز بصبه های محبت الله سرشار گردی
 آیت تذکر شوی و شب و روز بتبتّل و تضرّع پردازی عجز و
 نیاز آری و بنماز مدام و همراز شوی و علیک التّحیّة و الشّاء ع

سؤال البهی

ای امة الله منسوب خادم درگاه الهی حمدکن خدا را
 که در این ایام در عرصه وجود موجود شدی و در حیز
 شهر مشهور گشتی مؤمن بآیات الله شدی و چشم
 ایقان گشودی توجه الی الله نمودی و تو تسل بعروة
 الوثقی کردی منسوب خادم آستان حضرت رحمن بوری
 این کل از فضل بیمنت های حضرت یزدان پاک است که بآن
 فائز و مؤید گشتی این بانگ سر و ش محض فضل است وجود
 و این تعطفات از شیم فائضه رب البینات بر لطائف موجودات
 است که استفاضه از حقیقه جامعیه نموده اند و افاضه ^{بند} مینماید
 والبهاء عليك وعلى اماء الرحمن ع ع

سؤال البهی

ای امة الله نامه ات در این مقام وارد و ملاحظه گردید
 تبثّل و تضرّع بود و توجه و تذکر الیوم عظمای رجال غافل

و تو آگاه و علمای اقوام و ملل کور و تو بینا و با انتباه اقویا
 اضعف ضعفا گشتند و توانان ناتوان شدند و اماء رحمن
 مردمیدان این چه فضل است و این چه احسان و این
 چه لطف است و این چه احسان منت حی قیومی راست
 که نساء را با قبال فخر رجال فرمود و اماء را بقوت ایمان غالب
 بر ابطال میدان نطقی فصیح بخشید و بیانی بلیغ قلبی روشن
 عطا فرمود و صدری ملهم جانی پر بشارت داد و وجدانی
 در نهایت لطافت و نورانیت له الفضل وله الجود وله
 الأحسان علی کل موجود ع امة الله زهرا و امة الله
 فاطمه و امة الله راضیه را تکبیر ابدع الهی ابلاغ دارید
 و همچنین جناب سلیل علی اکبر را جناب آقا محمد را از
 قبل این عبد نهایت اشتیاق ابلاغ دارید بگوئید غم
 مخور محزون مباش جمال قدم روحی لاحبانه الفدا را از
 وطن و شهرها اخراج نمودند اگر من و شما را نیز اخراج نمایند
 ضرری ندارد تا سی بحضرت مقصود نمودیم و از کاس بلای
 او چشیدیم و البهء علیه ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله والورقة الروحاء چه شد که آن طیر در
 حقیقه ذکر ثناء ساکت است امروز روز فیر و زمیثا^{قست}
 و او ان سطوع اشراق شمس پیمان نیر آفاق اصل نداء
 الیوم از طیر حدائق قدس بلند که صوتش بملا اعلی
 میرسد پس ای امة الله تا وقت باقی غنیمت شمار و به
 تبلیغ امر الله و میثاقه باید مشغول گشت تا رانحه کثیفه
 فتور از امکان مفقود گردد و البهاء علیک و علی کل امة
 ثبتت علی میثاق الله و اعرضت عن الغافلین ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله و امة نام تو شمس جهان است پس
 باید در آفاق اکوان از انوار محبت شمس حقیقت شعله بر افرو^{زی}
 و قلوب اماء الله را باتش عشق جمال الله بسوزی و الاشمس
 بی نور تصور نتوان نمود و شمع بی شعله خاموش و مذموم

تو اگر کوکب این اوجی و شدت این موج در وجد و حرکت
 آی تا فیض و برکتی بری بثنای حق لسان گویا شو در
 جمال حق چشمی بینا و بوصایا و نصایح الهی گوش شنوا
 تا تأییدات روح بینی و مدینه پر شکوه را باب مفتوح یابی
 و زجاجه امکان را سراج و هاج جوئی و گلستان عقول را
 فیض رحمت نیدان و البهَاء علی اهل البهَاء فی الغدق
 و الاصال ع ع

هُوَ الْاِبْهِيُّ

ای امة الله و رقه زکته علیک بهاء الله و عطر الله مشا^{مک}
 بنفحات القدس فی کل عشتی و اشراق اگر چه آنمنجذت بنفحات^ب
 قدس بملکوت ابھی و جبروت اعلی شتافت و بظاهرتنها
 مانند ای لکن الحمد لله منظور نظر عنایتی و مشمول لحظات
 عین رحمانیت حق و موفق بدو شمار از آن شجر محبتی که لطا^{فت}
 و حلاوت و طراوت و نضارت آن شجره طیبه در آن موجود
 و مشهور است پس حمد کن خدا را که بچنین موهبتی موفق

و مؤیدی و یچنین فضل و احسانی مخصّص از خدا بخواه
 که در امر الله و عهد الله و میثاق الله ثابت و مستقیم مانی
 و البهَاء علیک و علی کل ورقه ثبتت علی دین الله
 عبد البهاعباس مأزون بتوجه به طاف ملا علی هسید فاستبشر
 بهذه البشارة العظمی

هو الاهی

ای امة الله و رقة زکّیه لحاظ عین الله الناظره شامل
 آن و رقة مطمئنّه است و الطاف ربّ رحیم محیط بر تو است
 ظلّ سدره منتهی بر تو واقع و سایه شجره سین بر تو ممدوّ
 پر تو نیر اعظم بر فرقت فائض و سبحان رحمت جمال قدم
 بر حدیقه وجودت ماطر دیگر در این عالم و جو رچه میطلبی
 و چه آرزو داری قانات طاهرات آرزوی ذرّه از این حسنا ترا
 می نمودند و در حسرتش جان باختند

و نرسیدند و تو فائز شدی

و البهَاء علیک ع ع

هُوَ الْأَقْدَسُ الْأَعْلَى

ای امة الله ورقه موقنه روحاء خانه که وقف مسافر خانه نمود
 مقبول گردید باید انشاء الله در نهایت تنظیم و ترتیب باشد
 واعظم امور نظافت و لطافت است باید این امر مهم را
 نهایت دقت و مواظبت نمود و چنان ترتیب داد که چون
 مسافر داخل گردد از مشاهده طهارت و پاکی و نظافت
 و لطافت و استشمام رائحة طيبة روحانیت حاصل
 نماید زیرا طهارت و پاکی و بوی خوش هر چند
 جسمانی بود ولی چون آیت تقدیس روحانی و نفس رحمانی
 هستند روحانیت بخشند و البهَاء علیک ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله ورقه موقنه زائر نهایت ستایش از استقامت
 و ثبوت شما مینماید پس خوشا بحال تو صد هزار تحسین
 بر ثبوت و رسوخ توجه که الیوم یوم امتحان عظیمست و

افتتان مبین و ثبوت و رسوخ از خصائص نفوس^{هلب}ی که بموا
کلیه جدیده فائز طوبی لک شم طوبی لک ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله و رقه موقنه متضرعه الی الله ذکر ت در
این بساط گذشت بکمال نشاط و انبساط خامه برداشته
و بنگارش این نامه پرداختم تا آنکه بر شوق و شور بیفزائی
و برا نجاد و اشتعال استقرار جوئی و مانند جدوه
نار و قبسه آتش بار قلوب اماء الرحمن را آتشبار نمائی
و هریک مصباح انوار شوند و مشکاة نور علی نور گردند
و لیس هذا من فضله ببعید ع ولد محترم آقامیرزا
جلال را تکبیر برسان و امة الله جمالیه خانم و طوبی خانمرا

تحت برسان ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله هدایت الله گوهر گرانبها ئیست زینت

تاج عزت ابدیه متلئلاً و درخشنده و تابان قدرش را
 بدان که زینت افسر ربّات حجال و رایات جلال و آیات
 جمال است حال ملاحظه نما که خداوند بی مانند چگونه
 ترا هوشمند فرمود که بچنین موهبت عظمی فائز شدی
 و بچنین عنایت کبری و اصل گشتی باید چنان فرح
 و شادمانی کنی و سرور و کامرانی طلبی که قهقهه فرح
 و حبور بملکوت ربّ غفور رسد و عليك التحية والثناء
 ع ع

هو الاهی

ای امة الله هر چند بجسم در این آستان حاضر نشدی
 ولی بروح انشاء الله در جمیع اوقات حاضری زکرت را
 در این درگاه نمودند و بیاریت مشغول شدند و استد^{عای}
 زکری در حق تو نمودند پس ملاحظه کن که در مقامی بیاد
 توافتارند مقامی که ملا اعلی آرزوی زکرت دارند و ملائکه
 جبروت اسمی طواف نمایند دقت کن که چه محبتی بتو
 کردند تا بدانی که روابط حب در بین قلوب بچه درجه است

والبهاء عليك ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله هر چند در جامهٔ نسائی و بر سر مقنعه داری
ولی حُلل عرفان بر قامت نسوان نمایشش بیشتر است
و آرایشش عظیم تر علی الخصوص نسائی که در میدان
عرفان چون شیرژیان نعره بر آرند و چون عقاب ملکوت
بپرواز آیند و البهاء عليك ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله هر چند مصائب و رزایا و متاعب و بلایا
از جمیع انجا بر شما استیلا یافته یک روز شهادت آن نور
هدی شمع انجمن احباء ستارهٔ درخشندهٔ افق اعلیٰ تاج
و هاج فرق شهداء یک روز صعود موقن بالله مؤمن
بآیات الله منجذب بنفحات الله رمی شماتت اعداء و هنگامی
شامت اشقیاء و وقتی نهب و غارت خصماء و آنی تکفیر

وتهمت علماء ولی چون جمیع در سبیل الله وارد و واقع
 زهرش شهد و شکر است و لیل الیلش صبح انور سم
 قاتلش دریا ق فائق است و نیش قاطعش نوش رائق
 جام بلا نصیب عاشقان روی اوست و سهام جفا آرزوی
 سینه مشتاقان کوی او ولی نتیجه هر قطره از این زهر
 در ملکوت البهی دریای سکر است و ثمره این حنظل جفا
 در رفیق اعلیٰ غسل مُصَفّی ای خدا رحمی فرما و این جان
 پزمرده مرا آزادی عطا فرما و بزودی در آستان خاصّات
 حاضر کن قسم بجمالت که خانه دل بشدتی تنگ و مغرّوست
 که دل کلوخ و سنگ پر خونست از جمیع جهات بحر اخزانت
 که پر موجست و ناله و فغانست که متواصل با وجست تعجیل
 فرمانه تا جیل تا این روح بتنگ آمده از تنانظلمات مهلکه
 امکان و عسرت و فوق و حرقت نجات یافته در آستان مقدّ
 توجه نماید و در سایه الطاف دوستان مقرر گزیند ع

هو الله

ای امة الله هر صبح و مساء بمناجات ربّ الآیات بپرداز

ولسان بشکرانه بگشا که در این بساط راه یافتی و از این
سرور و نشاط بهره بردی از کأس محبت الله نوشیدی
و از بحر عرفان بهره گرفتی والبهاء علیک ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله همیشه در این ساحت مذکور بوده و هستی
مطمئن باش زیرا بخدمت جناب بصر که مداح جمال
مبارک است مشغولی کعب ابن زهیر یک قصیده در حق
حضرت رسول انشا نمود مشهور آفاق شد و این ناظم
کامل قصائد متعدده در محامد اسم اعظم گفته ملاحظه
کن که چه خواهد شد ع رب اید عبدک الفروع
والبشیر و امتک جمیله علی ذکوک و ثنائک و احفظهم فی کهف حفظک
و حمايتک انک انت الکریم الرحمن الرحیم ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای بنات ملکوت الله الحمد لله بتحصیل کمال مشغولید

و بدرس تبلیغ مألوف شب و روز بکوشید تا بادره و
 براهین منقول و معقول اطلاع یابید و احادیث و آیات
 حفظ نمائید و ببراهین قاطعه و حجت واضح و آردله
 لائحه اثبات ظهور اسم اعظم بنمائید بلبیل گویا شوید
 و بگلبانگ معنوی درس حقائق و معانی خوانید تا مرغان
 چمن را بوجد و طرب آرید و طیور گلشن عشق را بنغمه
 و آواز آرید و سبب هدایت اماء رحمان گردید و علیکن

البهاء الالهی ع ع

هو الالهی

ای بنات مناری میثاق شمع آفاق بنور عبودیت در
 آستان شمس حقیقت روشن و شرق و غرب از نفحات
 قدس مرقدمقدس گلزار و گلشن ولی هرگوری از مشاهد
 ممنوع و هر مزگومی از رانحه محروم خوشا بحال شما که
 از فیض شهود محظوظید و از شمیم الطاف ربّ و درود
 زنده در عالم وجود طوبی لکن ایتها الورقات من هذا

الورد المورود وهذا الفضل المشهور وهذا الظل الممدود

وهذا النور المحمود
ع ع

هو الأبهى

ای پروردگار آمرزگار در این کورا عظمت چه خوان
 نعمتی بگستردی و چه ابواب رحمتی بگشادی و چه فضل
 و موهبتی بنمودی که هر ذلیلی را بر سریر عزت نشاندی
 و هر فقیری را بگنج روان دلالت فرمودی هر لب تشنه را
 در بحر بی پایان افکندی و هر افسرده را بنار محبت افروختی
 زنگی را رخی پر آب و رنگ عنایت نمودی سیاهی را روشنی
 ماه دادی کنیزی را بین اماء موقنات شیرین نمودی

تلخی را انگبین کردی ظلمتی را نورانی نمودی خار را گلزار
 کردی اسیر را بانوی هرامیر نمودی پس ای یار مهربان
 این کنیز را در ملکوت رحمت نورا نگیز کن و این امه اترا
 در جوار موهبت منزل و مأوی بخش غبطه پرده نشینان
 سرا پرده عزت کن و محسود بانوهای قبا بسلطنت و البهآء علیها
 ع ع

هُوَ اللّٰهُ

ای پر یزاد زاده خلیلی و آ زاده رب جلیلی و آماده هر
 لطف خفیّی و سر مست ساغر ساسیلی مقرب درگاه کبریا
 و مقبول آستان جمال الهی دیگر از غریبی منال و بعنا
 خاصه حق بیال پژمورده مباش آزرده مشو آسوره گرد
 شادمانی کن و بموهبت آسمانی کامرانی جو زیر اسلا
 حواء امّ البشری نه زاده جن و پری و این در بدری بهتر
 از هر سرو سامانی زیرا آواره سبیل جانانی و دل داده دلبر
 مهربانی و افتاده تیر مژگانی و اسیر زنجیر زلف یاری
 و در حلقه سلسله آن موی مشکباری یعنی عاشق شمس
 حقیقتی و والة نور هویتی و مفتون فیض احدیتی امة الله
 المنجذبه طائره و امة الله المقربه امة الاعلی را تبریک و

تهنیت عضویت در جمعیت اتحاد

شرق و غرب بنما

و عليك البهاء الالهی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ایتها الاماء المنجذبة بنفحات الله تا بحال در میان
 اماء رحمان تأسیس درس تبلیغ نشده بود حال بفیوضات
 مختصه جمال الهی در طهران اماء رحمان موفق بتأسیس
 شدند خبر تشکیل آنم حفل سبب حصول سرور و روح
 و ریحان موفور گردید که الحمد لله و رفات منجذبه بشور
 و وله آمدند و بتحصیل درس تبلیغ موفق گشتند امید
 چنانست که در مدتی قلیله آن کنیزان عزیز الهی در لائل
 منقوله و معقوله بقسمی مهارت یابند که هر یک در مقام
 علماء من علی الارض بدلیلی قاطع و بیانی واضح و برهانی
 لامع و نطقی بلیغ و کلامی فصیح لب بکشایند اگر این محفل
 چنانکه باید و شاید موفق گردد و ترقی نماید و اخبار و
 آیات و احادیث که دال بر طلوع شمس حقیقت است ^{حفظ}
 فرمایند و در استدلال کافی وافی ملکه حاصل نمایند
 دلائل عقلیه بر اثبات الوهیت و وحدانیت الهیه و نبوت

انبیاء و ولایت اولیاء اقامه کنند البتہ تأییدات ملکوت
 الہی پیاپی رسد و نفوسی از ورقات طیبہ در انجمن عالم
 ببیان و تبیان و اقامہ برهان چنان جلوہ نمایند کہ عالم
 نساء رازینت بخشند و ثابت کنند کہ در این کور بدیع نساء
 همعنان رجالند بلکه در بعضی موارد سبقت گیرند
 ملاحظہ نمائید کہ در این امر بدیع چه قدر رجال باعلی
 معارج عرفان عروج نمودند و بیانی واضح و برهانی قاطع
 و لسانی فصیح و منطقی بدیع داشتند و لکن ورقہ مبارکہ
 جناب طاہرہ چون در سلك نساء بود بی نهایت جلوہ
 نمود و سبب حیرت عموم گردید اگر از رجال بود ابتدا
 چنین جلوہ نمی نمود پس بدانید کہ عظمت امر چنان بد
 عروق و اعصاب عالم نفوز نموده کہ اگر یکی از ورقات
 منجذب گردد و در اقامہ دلائل و براہین و بیان حجج قاطعہ
 ملکہ حاصل کند و زبان بگشاید در انجمن عالم چه قدر
 جلوہ نماید ای ورقات طیبہ قسم بجمال معبود و ستر
 وجود کہ اگر در این میدان جولان نمائید فیوضات جمالی

مبارک مانند آفتاب در مرایای قلوب تجلی نماید چنان
 ترقی نماید که کل حیران گردید حتی ورقات منجذبه باید
 در اوقات معاشرت و الفت بایکدیگر صحبت از گرمی هوا
 و سردی آب و لطافت باغ و گلزار و طراوت چمن و جویبار
 ندارند بلکه مکالماتشان محصور در ذکر و ثنا و بیان ادله
 و برهان و نقل احادیث و آیات و اقامه بیّنات باشد تا چنان
 گردد که جمیع خانه های احباب محفل درس تبلیغ شود اگر
 چنین مجری دارید در نهایت سرعت فیوضات ملکوتیه
 چنان تجلی نماید که هر یک از اماء رحمان کتاب مبین شود
 و اسرار حضرت رحمان رحیم بیان نماید و علیکن البها الالهی
 ع ع

هو الله

ایتها السّات المؤمنات اتی بكلّ ذلّ وانکسار ابتهل الی
 ملکوت العزیز الجبار خافض الجناح راجیاً لکنّ الفلاح و
 النّجاح ان ربّی رؤوفٌ بکنّ غفورٌ لکنّ وله الخیار نختار من یشاء
 من النّساء لعنّته المقدّسه العالیة المنار و هو بكلّ شیء قدیر
 عبد البها عب

هُوَ اللَّهُ

ايتها المنقطعة عن الدنيا طوبى لك بما اقبلت الى ملكوت
ربك المجيد وشاهدت آثار رحمة ربك التي ظهرت بين
العالمين واعترفت بظهور النور البديع في قطب لأمكان
ساطعا لامعا على الآفاق الحق اقول لك ان هذا الأقرار
والاعتراف خير لك عن كنوز الأرض كلها لأنها تفتني وهذا
يبقى وهذا شفاء صدرك وفرح روحك وانجذاب قلبك
وسعادة حياتك الأبدية التي لا نظير لها وانى اتضرع الى الله
ان يزيدك يوما فيوما محبة لله وشغفا بجماله ورضاء بقضائه
وثبوته على ميثاقه انه قوتى قدير وعليك البهاء ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ايتها الورقة الطيبة الزكية المطمئنة بفضل ربها احبب الله
قلبك بنفحات روحه واقرا الله عينك بمشاهدة انواره
وشرح الله صدرك بآياته وانعش الله فؤادك بنسائم

جوده و رفع الله لك ذكرك باشتعالك بالنار الموقدة
 في سدره سينائه و طيب الله رياض قلبك بصيب لطفه
 جناب ضيف كريم چندی بود که بزيارت تراب آستانه
 مبارك مشرف بودند و حال طبل مراجعت بگرفتند
 از فضل قدیم و جدید سلطان اقالیم ارواح امید قوتی
 و رجای اکید است که در این سفر چون روح جدید در
 اجسام قدید تاثیر شدید نمایند در این ایام که مونس
 این عباد بودند در حین زیارت مطاف ملا اعلیٰ بالنیابه
 از شما و جمیع منسوبین زیارت می نمودند و همچنین بالوکا^{له}
 بنام آنورقات ضیافت می نمودند و جمیع مقبول افتاد و البهاء

عليك ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

اَيْتِهَا الْوَرَقَاتُ الْمُبَارَكَاتُ مِنَ الشَّجَرَةِ الرَّحْمَانِيَّةِ يَا طُوبَى لِي
لَكِنَّ بَمَانِبَتِنِ مِنَ السَّدْرَةِ النَّوْرَانِيَّةِ وَيَا بَشْرِي لَكِنَّ بَمَا
رَوَيْتِنِ مِنْ فَيُوضَاتِ سَمَاوِيَّةٍ وَيَا فَرْحًا لَكِنَّ بَمَا اصْبَحْتِنِ
نَضْرَةَ خَضَلَةٍ رَيَّانَةٍ مِنْ رَشْحَاتِ سَحَابِ السَّمَاءِ الرَّبَّانِيَّةِ
وَيَا سُرُورًا لَكِنَّ بَمَا اسْتَشْرَقْتِنِ مِنْ شَمْسِ الْحَقِيقَةِ نِيرَ الْآفَاقِ
فِي يَوْمِ الْأَشْرَاقِ وَثَبْتِنِ عَلَى الْمِيثَاقِ وَحَمَلْتِنِ الْمَصَائِبَ وَ
الْبَلَاءَ فِي سَبِيلِ الْبِهَاءِ وَتَجَرَّعْتِنِ كَأَسَادِهَا قَاطِئَةً بِصَهْبِ
الْوَفَاءِ حُبًّا بِالْجَمَالِ الْأَعْلَى اسْئَلِ اللَّهَ أَنْ يَحْفَظَكُنِ فِي صَوْنِ
حَمَايَتِهِ وَعَلَيْكَ الْبِهَاءُ الْإِلَهِيُّ ع ع

هُوَ اللَّهُ

اَيْتِهَا الْوَرَقَةُ الْمُبْتَهَلَةُ إِلَى اللَّهِ نَامَةٌ شَمَارْسِيدٌ وَلِيَّ إِزْ
عَدَمِ فُرْصَةٍ مَخْتَصِرٌ جَوَابِ مَرْقُومِ مِيكَرْدَرِ الْحَمْدِ لِلَّهِ أَمَاءُ
رَحْمَنِ دَرَطْهَرَانِ تَأْسِيسِ مَحْفَلِي نَمُورِنْدِ وَبِجَدْمَتِ آسْتَانَ

پرداختند یقین است که بدرقه عنایت رسد و تأیید
 حضرت احدیت شامل گردد و آن محفل بخدمات فائده
 موفق شود اگر چنانچه اعضا منقطعاً الی الله منجذباً بنفحات
 القدس مخلصاً له فی دینه مخالفاً للنفس والهوی قیام نمایند
 و از محفل روحانی طهران تمکین داشته باشند یقین است
 که موفق گردند الحمد لله بانوهای محترم بتحصیل درس
 تبلیغ موفقند الهی الهی ان امتک التاجیه ضیاء الحاجیه
 تتضرع الیک راجیه العفو والغفران لأبیها و مناجیه لك
 ان تجعل والدها آیه الغفران يتلئلاً فی افق العفو والآ
 رب اجب دعائها ویسر مناهها واسمح بمتغائها انت انت
 الکریم وانت انت الرحمن الرحیم ع ع

سؤال بی

آیتها الورقة المهترزة من نسيم هذه الرياض اگر بظاهر
 بآن امة الله تا بحال چیزی مرقوم نشد همچو گمان منما که
 مذکور نبودی بلکه جمیع عبار در حمن و اماء حضرت یزدان

در کل احیان در این بساط مذکور بوده و هستند علی الخصوص
 تو که ثمره آن شجری که در فرروس ایمان در کمال طراوت
 و لطافت در جلوه و شکوه است و این یاد و ذکر روحانی است
 که مقدس از بیان و توضیح است چه که این حقیقت وجدانیه
 و کیفیت روحانیه را بعقول جزئیته و الفاظ عربیه و فارسیه
 و سائر السن جسمانیه تفهیم و تصویر نتوان نمود ذلك
 من فضل الله یؤتیه من یشاء ع ع امة الله والذو امة لله
 جدّه را با بدع از کار مذکور دارید و از الطاف فائضه از
 ملکوت غیب مستدعی هستیم که آن و رقات سدره اثبات
 با هترازی در انجمن اماء رحمن مبعوث گردند که کل با وجود
 و شغف و جذب و شغف آرند و البهائ علیهما من الرب المتعال
 ع ع

هُوَ اللَّهُ

ایتها المشتعلة بمحبة الله آنچه مرقوم نموده بودی ملا
 گردید دلالت بر آرزوی خدمت بود و تمنای عون و عنایت
 الیوم عون و عنایت الهی شامل حال نفوسی است که بشر

نجات الله مشغولند اگر عون و نصرت حق خواهی و رضای
 جمال الهی جوئی بتبلیغ امر الله شب و روز مشغول شو آنی
 فراغت مجو و راحت مطلب زبان بگشا و توجه بملکوت الهی
 نما و بیان برهان کن امة الله والده را تکبیر ابدع الهی ابلاغ
 نما جناب آقا محمد حسن را کمال محبت از عبدالبهاء تبلیغ کن
 از امة الله منتسبه اعلی حضرت از پیش اشعاری ارسال نمود
 بودی دیگر خبری ننگاشتی اگر غزلی و قصیده داشته باشی
 بفرستید که در محفل اماء رحمن در این جا همیشه زکری از او
 باشد و عليك التحية والثناء ع

هو الألهی

ايتها الورقة الطيبة الناطقة بذكر الله آنچه از حنجره
 روحانی آن طیر گلشن انجذاب ظاهر بسمع قبول و اصل
 و در حرم عز تقدیس بالحنان بدیع تلاوت شد عبرات
 از چشمان جاری گشت و زفرات از قلوب بلند شد
 آتشی بدل و جان سگان حرم رحمن افکند و شعله بفؤاد

واکباد طائران هوای یزدان انداخت آه و فغان

بلند شد و ناله و حنین برافراخته گشت ارکان وجود

متزلزل شد و کینونت شهود مضطرب گشت چه که حکایت

مصیبت عظمی نمود و شکایت از رزقیه کبری کرد ای ^{ورد} ^{فیه}

ناطقه لسانرا بستایش پروردگاری نیاز بگشاکه در این ^{رض}

احدیته محشور شدی و بذکر مالک برتیه ناطق گشتی و در

این فردوس اعظم جذب و شوق و وله و انجذاب داخل

شدی و البهَاء علیک و علی اخویک الذین انفقا حیانتهما

فی اعلا کلمة الله ع

هو الابلهی

ایتها الورقة الناطقة بثناء الله شکر کن حضرت موفّق

حقیقی و مؤید معنوی را که بیابانها پیموری و کوه و دشت

و دریا قطع کردی گاهی چون گرد باد بیابان باریه پیمای

گشتی و گاهی چون سیل سرشک مشتاقان از فراز کهسار

بنشیب دشت و صحرا دویدی تا بکعبه مقصود رسیدی

و بمقام محمود آرمیدی و اشعه آیات کبری دیدی
 و موقع شعله نور و لمعه طور را در سدره سیناء مشاهده
 نمودی هنیئاً لک ثم هنیئاً لک پس بشکرانه این فضل
 بی منتهی در این کور عظیم زبانی بگشا که چون شعله نار قلب
 یار و اغیار هر دو را بسوزد و بگدازد و حجابات بر اندازد
 و کار عالمی بسازد و رقه مطمئنه زکیه امه الله عمه خانم
 را تکبیر ابداع الهی ابلاغ فرمائید مکاتیبی که بجهت هر کس
 خواسته بوردید مرقوم شد و ارسال گردید و البهائ علی
 کل و رقه ثبتت علی الميثاق ع ع

هُوَ اللَّهُ

ایتها الورقة الناطقة المنجذبة بنفحات الله المهترزة من
 نسيم هب من رياض موهبة الله قوت عينك بمشاهدة
 النور المبين وانتعشت روحك باستنشاق رائحة المسك
 الزكي وتهلك وجهك بالبشر العظيم وتهلّل لسانك بذكر
 ربك الكريم طوبى لك بما ثبتت على الميثاق و ابغضت الشقا

وتمسکت باهداب رداء الکبریاء و تعلقت بذیل هیکل
 الهدی واستبشرت ببشارات الله وانجذبت بنور اشراق
 ولاح من افق التوحید و مطلع التفرید هنیثاً لک هذه
 الکأس الطامحة بصهباء محبت الله فانشرحی صدرنا
 انتعشی روحاً افتری ثغراً وقری عیننا تهلی وجها هذا
 هو الفضل العظیم هذا هو النور المبین هذا هو الفور ^{القیم}
 ع

هو الاهی

ای دو کنیز حق شرط کنیزی جمال مبارک ملکیت کشور
 انقطاع است و تنزیه و تقدیس از جمیع جهات اگر بدانید
 که این کنیزی درگاه اسم اعظم روحی لأحبائه الفداء چه
 قدر عظیم و فوز جلیل است البتہ ملکیت آفاق را حقیر
 می شمارید و بجمیع شروط این کنیزی قیام مینمائید و چنان
 روحانی میشوید که ابداً از عوالم جسم و شئون این عالم
 اثری در هویت وجود باقی نماند باطن و ظاهر روح پاک
 مجرد میگردد ع جناب آقا نصرالله علیه بهاء الله ^ع

را اسباب مسرت فراهم آرید زیرا مانع احضار نیست ع

هُوَ اللَّهُ

ای دوکنیز درگاه الهی حرم شهید شفاعت شما نموده و خواهش نامه بجهت شما کرده من نیز از خدا خواهم که تأییدی بشما بخشد و قوه محبت الله عنایت نماید تا در هر نفسی نفسی را منجذب بنفحات الله نماید و مشتعل بنار محبت الله کنید این میدان بسیار وسیعست قوه ملکوتیه خواهد تا انسان در آن جولان نماید و علیکما التقیة والثناء ع

هُوَ اللَّهُ

ای دوکنیز عزیز الهی الیوم اعظم خدمت بملکوت الهی ایقار سراج هدای و تبلیغ امر الله است و همچنین تعلیم بنات و تفهیم آیات بیانات و تلقین حجج بالغه در اثبات ظهور شمس حقیقت المتجلیة علی الارضین و السموات و علیکما البهَاء الالهی عبد البهَاء عباس

هُوَ اللَّهُ

ای دوکنیز عزیز الهی پروردگار مهربان کنیزان پرهیزکار
خواهد تا سرج هدای گردند و نجوم تقوی سبب هدایت
نساء شوند و مؤتید بجنور ملاء اعلی لشکر حیات باشند
و جیوش ملکوت الهی امیدوارم که شمار دوتا از آنان
گردید و علیکما البهاء الالهی ع

هُوَ اللَّهُ

ای دوکنیز عزیز الهی درگاه احدیت راد و امانه مقربید
و آستان مقدس راد و خارمه مجرب انوار محبت الله روشن
از جبین است و کام دل و جان از شهد عرفان پر حلاوت
و شیرین عنایت از هر جهت شامل است و فضل و
موهبت در هر خصوص کامل لهدا تا تاوانید فرح و سرور
انگیزید و عود و عنبر بمجمرا فکنید و نفحات قدس
منتشر کنید و محافل انس بیارائید و با اماء رحمان پیامیزید

ومشك وعبير بمیزید و شهد و شکر بویزید اینست
 سزاوارکنیزان مختیران و اینست شایان خلق و خوی
 اماء رحمان و علیکن البهآء الالبهی ع

هُوَ اللَّهُ

ای دوکنیز عزیز الهی جنابآقا میوزا حبیب الله در نامه
 خویش نام شما برده و خواهش نگارش نامه کرده چون
 ایشان صادق در قولند لهذا عبد البهآء بتحریر این
 ورقه پرداخته تا زکری از شما نماید که سبب علو درجا
 و سمو مقاصد و انجذاب قلب و بشارت روح و فرح فؤاد
 گردد در این دور بدیع اماء رحمن باید هوردم هزار شکرانه
 نمایند که یدِ عنایت نساء را از حسیض زلت نجات داده و
 باوج عزت رجال رسانده ملاحظه نمائید که چه موهبتی
 است زیرا حزب نساء بدرجه ئی در شوق ساقط بودند
 که در لسان عربی چون ذکر شا نرا میخواستند اجلتك الله
 نسوان میگفتند نظیر آن اجلتك الله حمار میگفتند و درلسا

ترکی حاشا حضوردن قاری در ودر لسان فارسی در زکو
 زن بلا نسبت میگفتند و تعبیر بضعیفه می نمودند حال
 الحمد لله در ظل عنایت مبارک نساء در نهایت احترامند
 پس ای دو کنیز عزیز الهی در جماع نساء آهنگ شکرانه‌ئی
 بملکوت الهی بکنید که ذلیلان را عزیز فرمود و بیچارگان را
 عنایتی بی منتهی مبذول داشت و علیکما البهَاء الالهی ع

هُوَ اللَّهُ

ای دو کنیز عزیز جمال ابھی هوچند در دور قدیم
 حیثیت نساء بالنسبه برجال قلیل بود اما در این دور
 جلیل نساء بمعنان رجال بلکه بعضی از اماء رحمان
 گوی سبقت را از میدان مردان ربورند خوشا مجال شما
 که در خدمت آستان از جمله راستانید و در
 کنیزی حق ثابت قدم امیدوارم که
 هوبک آیت موهبت شما شوید
 و علم محبت برافرازید و علیکما التحیة والثناء ع

هُوَ اللَّهُ

ای دوکنیز عزیز جمال مبارک این چه گمانست و این چه تصور محال زیرا چنانکه نگاشتی کسی گوش بان اعدا نداد و بخرج نفسی از ابرار نرفت اما کنیزان اسم اعظم مقرب درگاه جمال قدمند و معزز و محترم عبدالبهاء آنا نرا خواهران و دختران خویش شمرد و ذوی القربی و خویش شناسد هر دم بیادشان افتد و از ملکوت عزت طلب موهبت نماید آنچه از پیش مرقوم مزاج بود و مطایبه شوخی بود و سناحکه لهذا یقین نماید که هر ملکوت نور مبین ساحت اقدس رب کریم مذکورید و مشهور مقبولید و مشهور و رقات منجذب به لسانی فصیح دارند و بیانی ملیح رانند و برهانی بلیغ دانند ترتیل آیات کنند و تلاوت مناجات نمایند و نساء غافلات راهدایت فرمایند هر یک جام سرشارند و سراج ایوانند و مشکاة انوارند و شجره حدیقه رحمان چگونه از خاطر روند

و فراموش کردند سُبْحَانَكَ هَذَا بَهْتَانِ عَظِيمٍ باری
 باید از این گمان توبه نماید و باستغفار پردازد زیرا
 عبدالبهَاء روزها و شبها صبحها و شامها بدکریاران
 و اماء رحمان مسرور و شادمانست فراغت محال تا چه
 رسد بفراموشی و نسیان الآن توجّه بعتبه حضرت
 رحمان نمودم و از برای اماء رحمان نصرت و عنایت
 طلبیدم بالطبع شامل شما نیز خواهد بود پس گلبانگ
 سرور زنید و آهنگ حبور برافرازید و بعور و ورود پردازید
 و سرودی در نهایت وجد و طرب بنوازید تا معتکفان
 صوامع ملکوت بوجد و سرور آیند و منزویان خلوتگاه
 رب الجبروت پرده براندازند و بصحرای شهود بشتابند
 و علیکما البهَاء الالهی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای دو مشتاق دیدار در نهایت سرور بیاد آن دو شمع
 پر نورم و بکمال اشتیاق نامه نگارم و در محبت آن یاران

بیسبر و قرار زیرا آن رخها بنور عشق جمال الهی روشن
 و منور است در خصوص قنایه این عمل بسیار مقبول
 و محبوب و باید احتیای رحمن در آباری و معموریت جهان
 بدل و جان بکوشند تا در جمیع مراتب رحمت حضرت یزدان
 گردند و این حرکت سبب فیض و برکت خواهد گشت
 این عبد سهم خویش را بحضرت ارباب بخشیدم و در این
 خصوص مقصودی دارم باید شما نیز در کمال سرور
 مجری دارید جمیع احتیای باید در تعمیر و تزیین بلاد چنان
 کوشند که بلاد را احیا نمایند ع

هو الاهی

ای دو ورقه طیبه و روکنیز جمال قدم جناب ابن ابهر
 علیه بهاء الله الانور در مسطورات خویش از شما نهایت
 ستایش را مینمایند باید چنین خدمتی نمود که چنین
 ستایشی را حاصل کرد خلاصه در ملکوت الهی الیوم امانی
 مذکورند که در محبت الله و معرفت الله و تقدیس کبری

وخدمت احبباء الله و مواظبت شریعت الله آیات باهره
 و معالرها لاهره هسند و در ثبوت بر عهد و میثاق
 الهی چون جبال را سخند و البهآ علیکما و علی اماء الله

عبدالبهآ ع

هو الله

ای دو ورقه مقبله موقنه از بد و وجود تا یوم موعود
 رجال تفوق بر نساء در جمیع مراتب داشتند و در قرآن
 میفرماید الرجال قوامون علی النساء ولی در این دور
 بدیع فیض عظیم ربّ جلیل سبب فوز مبین نساء شد
 و رقاقی مبعوث شدند که گوی سبقت را در میدان عرفان
 از رجال ربورند و بمحبت و روحانیتی ظاهر و آشکار
 گشتند که نوع بشر را موهبت جلیل اکبر گردیدند و بتقدیس
 و تنزیه و روحانیت رحمانیه جم غفیری را بساحل بحر
 وحدانیت هدایت نمودند گمگشتگان باریه حیرت را
 رهبر شدند و افسردگان عالم طبیعت را بنا ر موقده محبه الله

مشتعل کردند این از مواهب این دور بدیع است که
جنس ضعیف را قوی فرموده و اناث را قوهٔ زکوره بخشیده
پس باید آن دو ورقهٔ موقنه بجان آرزوی این مقام نمایند
تا در انجمن نساء شمع روشن هدایت کبریٰ گردند و علیکم
التحیة والثناء ع

هو الأبھی

ای ربابه صد هزار شکر نما که در این عهد مبارک قرن
جمال قدم عصرا سم اعظم قدم در مهد وجود نهادی و در
ظل امر مبوم داخل گشتی و کأس رحیق از دست ساقی
الست نوشیدی و در انجمن رحمن راه یافتی و چنین پدر
مهربان ثابت را سخ بر پیمان داری ای ربابه وقت آنست
که رباب محبت الله بدست گیری و بنعمة اماء الله را سرمست
کنی والبهاء علیک ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای خالت در کبریا رجولیت و انوثیت بجان است نه مجسم
 بدل است نه بگِل زیرا این دو صفت جسمانیست مجاز است
 و روحانیست حقیقت چه که ملاحظه میشود شخص ذکوری
 با هیكلی چون پیل بمشابهٔ مور زلیل حقیر و ضعیف و در پس
 پردهٔ عفت و عصمت انانی در نهایت قوت و قدرت آن زلیل

نفس و هوئی و این عزیز عقل و نفی آن گنه کار

و این بزرگوار پس واضح و آشکار گشت که

مردی و فرزانی بدل است نه بآب

و گِل چون چنین است بکوش

تا مردمیدان عرفان گردی

و کوكب نورانی آسمان

هُوَ اللَّهُ

ای شمع افروخته روشنی حقیقت نور محبت الله است
 الحمد لله رخت بپرتو عشق الهی منور است و مشامت بنفحات
 ریاض ملکوت البهی معطر و شب و روز در این باغ الهی
 بخدمت مشغولی و مکاتیب عبد البهَاء منتشر مینمائی
 پس شکر کن خدا را که بچنین خدمت موقفی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای صابره ای مقرب به ای مطمئنه فی الحقیقه در خدمت
 آن مقرب درگاه کبریا بد بیضا نمودی و بدینهایت در
 درگاه احدیت عزیز گشتی سزاوار چنین است که اماء
 رحمن جوهر وفا باشند و آئینه صفا ایست صفت اماء
 رحمن و کنیزان حضرت یزدان زیرا بوفاز ما دون امتیاز
 یابند و بصبر و تحمل ممتاز گردند من بغایت از تو را ضمیم
 و از خدا میطلبم که در جمیع عوالم الهیه سرفراز و ممتاز باشی

وعليك التحيّة والشّاعة

هو الأبهي

ای فدائیان حضرت یزدان چون صبح میثاق رحمن
 دمید و آوازه پیمان بشرق و غرب رسید سرمستان
 صهباء الست اقداح افراح بدست گرفتند و در میدان
 پیمان جولان نمودند و سوراثنان جمال مقصود را
 سرمست کردند و در جهان دل و جان شوق و شور و
 حشرو نشورانداختند و علم ثبوت و رسوخ افراختند
 و در پهن دشت روح و ریحان بتاختند و فریاد بر آوردند
 ان هذا هو الميثاق العظيم ان هذا هو العهد القديم ان
 هذا هو الفيض الشديد ان هذا هو النور المبين ان
 هذا هو الحبل المتين ان هذا هو الصراط المستقيم
 ولی نو هوسان صبیان هر يك بطمعی افتارند
 و بنا می ملعبهٔ اطفال گذاشتند
 طوبی للثابتین ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای قبیله مشتعلۀ ملتهبه بنا و محبت سدره ربانیّه شکر کن خدا را که از بد و ظهور بجواب طبل الست ندای بلی گفتی و سرمست در ریاض محبت الله چون گل شکفته و در عرفان بسفتی و سر رحمن در دل نهفتی و در جمیع موارد و مواقع ثابت بر امرماندی و راسخ بر دین الله گشتی پس از فضل قدیم و لطف جدید بخواه که بر عهد و میثاق عظیم الهی نیز موفق بشبوت تام گردی تا رویت در ملکوت ابهی روشن و منور گردد ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیزان الهی موهبت رحمانیرا ملاحظه نمائید که محبت الله شمارا منجذب نموده و بذکر جمال الهی همدم و مؤانس فرموده در ملکوت تقدیس مذکورید و در بقعه مبارکه مشهور و در این انجمن رحمانی معروف

بمحامد و نعوت حی قیوم پردازید که از حق هدایت
کبری سر مستید و باستان مقدس متوجه و علیکن
التحیة والشاء ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیزان جمال ابھی نامہ شمارسید و از قرائت آن
سطور سرور موفور حاصل گشت الحمد لله اما رحمن
انجمنی آراستند که درس تبلیغ بخوانند و بنشر نجات الله
پردازند و در فکر تربیت اطفال باشند اما این محفل
باید روحانی محض باشد یعنی مذاکرات باید بیابح بالغه
و براهین واضحہ و ادلہ قاطعہ بر طلوع شمس حقیقت
باشد و همچنین آنچه سبب تربیت بنات و تعلیم علوم
و آداب و حسن سلوک و حسن اخلاق و عفت و عصمت
و ثبات و استقامت و قوت عزم و ثبوت نیت و ادارہ
منزل و تربیت اطفال و آنچه از لوازم و ضروریات بنات
تا این بنات در حوض کمالات و جبر حسن اخلاق تربیت

شده وقتی که امهات گردند اطفال خویش را با حسن آداب و اخلاق از صغرسن تربیت نمایند حتی آنچه سبب صحت بدن و قوت بنیه و صیانت اطفال از عروضا^ض امر است تحصیل نمایند و چون کار چنین حسن انتظام یابد هریک از اطفال نهال بیهمال جنت ابھی شور و علیکن

البهاء الأبهی ع ع

هو الله

ای کنیزان عزیزان حق الحمد لله در راه هدئی جام لبریزی نوشیدید نوش جان باد این ساغر شهد و شکر است و این نفحه مشک و عنبر ولی کام هربی تمیزی از آن شیرین نگرود بلکه مذاق کنیزان عزیزان الهی شکرین شور زیرا هر نفسی مورد این میدان نباشد و در این عرصه جولان نتواند ایام در گذراست و حیات بشر بیفائده و ثمر مگرد در راه آن دلبر سربدهد و در هر دمی مورد جفای هرستمگر گردد و در ثبوت بر پیمان محکمتر شود

ای اماء رحمن اهل ملاً اعلیٰ تحسین نمایند و اهل ملکوت الہی لسانوا
 بذکر شہادتین دهند دمبدم بشکرانہ جمال قدم پر زاید کہ
 چنین موهبتی مبدول داشت کہ در سبیل محبتش مورد ملامت
 و شماتت شدید و معرض جفای اهل ضلالت این موهبت
 عظماست و رحمت کبریٰ و عنایت جمال الہی عنقریب شماتت
 بشکرانیت تبدیل گردد و ملامت بستایش و محبت مبدل شود
 و اماء رحمن ہر یک مانند شمع در انجمن نساء بدرخشد و بمثابہ
 ستارہ در افق عزت ابدیہ روشن گردد و علیکن التمجیۃ و الثناء ع

هُوَ اللّٰهُ

ای کنیزان عزیزان درگاہ احدیت عبد البہایدرگاہ کبریٰ باعجزو
 نیاز آرد و طلب عون و عنایت کند تا بموهبت کبریٰ سرفراز گردید
 و مورد الطاف بی پایان شوید و علیکن التمجیۃ و الثناء ع
 یا اماء الرحمن ہر چند نامہ جمعاً و مختصراً مرقوم گردیدہ ولی معانی
 مفصل ہمین کلمہ کنیزان عزیزان کفایت است و مابقی سننید المحسنین
 امیدوارم کہ درگاہ جمال مبارک روز بروز عزیزتر گردید ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیزان عزیز الهی نامه هفتم محترم در سنه گذشته
 حال ملاحظه گردید چون تا بحال جسم راروح و روحانی
 نبور لهذا جواب تعویق افتاد ولی الحمد لله حال جسم
 و جان هردو در اهتزاز لهذا جواب مرقوم میگردد در
 این کور بدیع الطاف رب جلیل شامل اماء رحمن لهذا
 باید ما ندر حال گوی از میدان بر بایند تا ثابت و محقق
 گردد که قوه نافذ کلمه الله در این دور جدید نسل را
 همعنان رجال فرموده و در میدان امتحان گوی از میدان
 میر بایند لهذا باید که کنیزان حقیقی جمال مبارک بروح
 انقطاع زنده و بنسیم انجذاب تروتازه بادی سرشار
 بمحبت الله و جانی مستبشر بشارات الله و خضوع و خشوع
 بی اندازه نطق فصیح بگشایند و بتمجید و تسبیح رب مجید
 پردازند که مظهر چنین موهبتی گشتند و چنین تاج
 مباحاتی بر سر نهاردند صعور ثمره طیبه سدره رحمتاً

مصیبت عظیمه بود و قلب را احزان احاطه نمود و
 امید چنانست که باز ماندگان روش او گیرند و نهال
 آمال او را آبیاری کنند عبدالبهاء ترتیل مناجات
 نماید و از رب الآیات رجا کند که آن ثمره طیبه رحمانیه
 در آغوش شجره مبارکه ماوی نماید و پرسدره منتهی
 آشیانه سازد و بابدع نعمات تهلیل و تکبیر رب
 جلیل بسراید از اتحاد و اتفاق اماء رحمن بسیار مسرود
 و شادمان شدم علی الخصوص از عبارت همه جان
 نثاریم و کهنیزان یکدیگریم پس هر چند رکن عظیم
 عروج نمود و لکن امید چنانست که هر یک رکن کهن
 گردید امروز اعظم امور تبلیغ امر الله است لهذا
 اماء رحمن باید فکر را حصر در آن کنند شب و روز
 به تتبع در بر اهین و حجج الهی مألوف گردند و در حین
 اجتماع با یکدیگر بیان حجج و دلایل الهی نمایند و
 بشارت بیوم ظهور دهند کنیز مقرب درگاه کبریا
 امة الاعلیٰ الحمد لله شمع محفل شماست باری اماء رحمن

با ید شب و روز بکوشند تا تحصیل کمالات صوری و معنوی نمایند و در قرآن کریم و انجیل جلیل تتبع زیاد بنمایند اینست فرض بر کل و علیکن البهَاء الابهی

هُوَ اللَّهُ

ای کنیزان عزیز جمال الهی نامه‌ئی از آن امة الله منیر و والده باهره رسید دلیل بر آن بود که الحمد لله اجزاء مدرسه تأییدیه موفق بر خدمتند و ساعی در ترویج معارف بین اماء رحمن امروز نشر علوم و تدریس فنون و تعلیم اطفال ذکور و اناث از اعظم اساس این قرن مبین و عصر عظیم است و هر کس در آن اقدام نماید در درگاه اسم اعظم مقبول و مقرب و در قلوب ملا اعلی محبوب و مجلل و در السن جمیع طوائف مذکور و مشتهر است خدمتی اعظم از این نه زیرا جهان بعلوم و فنون روشن و تابان گردد علم نورانیت آفاقت سبب روح و ریاضت اهل اشراقست حیات ابدیه است عزت سرمدیه است

خوشا بحال نفوسی که تشنهٔ این ماء معینند و یاساقی این
 کوثر و سلسبیل مناجاتی در ذکر حضرت طائره الطائره
 الصیت فی الآفاق در هفته پیش بدرگاه احدیت شد
 و نسخه اش بطهران ارسال گشت البته ملاحظه خواهید
 کرد کنیز عزیز الهی امة الاعلی و مسس استوارت و رکور
 کلارک و مس کپس این کنیزان عزیز الهی فی الحقیقه خدمت
 بآن ورقه متصاعده الی الله نمودند و این زحمت ایشان
 در ملکوت الهی مذکور و مقبول و علیکن البهآء الالهی ع

هو الله

ای کنیز بها بین چه قدر عزیز می که باین خطاب محنا^ط
 شدی قدر این عنوان بدان و بمقتضای آن در این میدا^ن
 جولان کن زیرا کنیز جمال مبارک باید در جمیع شئون و فنون
 و جنون عشق ممتاز از دیگران باشد البته چنین خواهی شد
 ناشوق و ذوق و ولهت در جمیع آفاق منتشر گردد
 و علیک البهآء الالهی ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز حق بانوهای عالم آرزوی این روزگار می نمودند
 که شاید نفسی در ظل شجره وحدانیت کشند و با آنچه منتها
 آمال مقربین است فائز شوند شبها گویه وزاری نمودند
 و روزها انابه و بیقراری و این موهبت میسر نشد الطاف
 بی پایانرا ملاحظه نما که ترا محرم اسرار کرد و بفیض انوار
 مشمول داشت و عليك التحيه والثناء ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز رب جنود چه بسیار زوجات و بنات انبیا از
 اسرائیل آرزوی این موهبتی که تو بآن فائز می نمودند و
 تویی زحمت این دلبر آمال را در بر گرفتی و این طوق گرانهای
 عنایت را در گردن نمودی و این درآبدار را
 در گوش کردی و این تاج شاهوار را
 بر سر نهادی ع ع

هو الله

ای کنیز عزیز الهی اگر چه بنام کوچکی ولی بحقیقت جلیل
 اگر جسمه و قسیمه نبودی جو یای رب جلیل نمیشدی چون
 بجان جو یای یار مهربان بودی عاقبت بکوی او شتافتی
 و امیدوارم که در مرکز جمال سوی او پوئی پرتو روی او
 بینی و از جوی او نوشی و بلبقای دلجوی او فائز گردی و در
 این جهان سبب نورانیت جان و وجدان دیگران شوی
 زبان فصیح بگشائی و در انجمنها نطق بلیغ بزمانی و صیحه زنان
 بشارت تجلی حضرت رحمن بدهی و مؤرده وصل دلبر مهربان
 بمسامع مشتاقان برسانی و عليك البها الالهی ع

هو الله

ای کنیز عزیز الهی حمد خدا را که در یوم ندا آهنگ ملا
 اعلی شنیدی و خطاب الست را جواب بلی دادی و منجذب
 ملکوت الهی گردیدی و بادیة هجران پیمودی و از وادی

حرمان رهیدی و بشرف لقا فائز گوردیدی اگر در هر
 دمی صد شکر نمائی از عهده شکر این موهبت بر نیائی گمان
 منما که فراموش شوی و از خاطر روی در نظر کل هستی
 و بسیار اوقات بمناسبتی ذکر شما میشود و رقات مقدسه
 باهتر از آیند و هر یک ذکر شما نمایند لهذا جای گله نماند
 و امیدوارم که آنچه نهایت آرزوی تو است حاصل گردد
 محزون مباش و هر وقت آثار ملال حاصل بمداخ و
 نعوت جمال قدم و اسم اعظم روحی لأحبائنه الفداء پرداز
 و غزل و قصیده ثی انشانما حزن بدل بسرور گردد و
 غم و آلام زائل شود و فرح و انبساط بساط گستر و ظلام
 دیجور بسطوع نور مبدل شود ای کنیز عزیز الهی امان رحمانا
 در محفل الفت جمع نما و بستایش و نیایش حضرت مقصود
 محفل را آرایش ده و با هنگ خوشی بتربیل قصائد و محامد
 رب الجود و فائز الوجود پرداز و جمیع را از قبل من تحت ابدع
 الاهی ابلاغ کن بورقات نورانیه تحت شمار ساند و جمیع بذکر
 شما مشغولند و تحت ابدع الاهی ابلاغ میدارند ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز عزیز آلهی شکر کن خدا را که عاقبت محمود بود
 وخاتمة المطاف فاتحة الألفاف گشت اگر ثابت بمانی
 کنیز مقرب درگاه کبریا گردی زیرا استقامت شرط است
 و در قرآن میفرماید ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا
 تنزل عليهم الملائكة انسان در هر امری استقامت کند
 مغناطیس ثابید و توفیق الهی شور حال تو شکر کن خدا را
 که چنین سه پوری بتو عطا فرموده که مانند علی اصغر علیه
 السلام یکی طفل صغیر بود جام شهادت کبری نوشید و دلها^ی
 مقربین درگاه کبریا الی الآن از این مظلومیت درسوز و
 گداز است و یکی خادم درگاه کبریا و مقرب بارگاه آل و
 دیگری مجذب نفحات الله علی الخصوص که ام شهید و
 ضلع شهیدی قدر این موهبت بدان و در

هر دم هزار شکرانه نما و علیک

البهاء الأبهی ع ع

هُوَ اللهُ

ای کنیز عزیز الهی گمان منما که فراموش شدی همیشه
 در نظری و زحمات و خدماتت پیش بصر و بلایا و محن
 و محنتت در خاطر و آوارگی و غربتت آشکار و ظاهر لهذا
 از حق تأیید طلبم که معین و مجیر گردد و نصیر و دستگیر شو
 بلکه انشاء الله ایام باقیه را براحت و رفاهیت بگذرانی
 و بشارات الهیه مستبشر باشی و سبب سرور و حبور اماء
 رحمان باشی کل را بالطف و عنایات جمال مبارک متذ
 داری و جمیع را بفیوضات ملکوت او مستبشر نمائی آن
 اماء رحمان جمیعاً در این بساط عزیزند و در این ساحت
 مذکور و مشهور عبد البهاء سر باستان نهد و در ساحت
 کبریا عجز و لابه نماید و طلب عون و عنایت کند تا فیض
 مستمر گردد و فوز مشتهر شود جمیع را بختیت
 ابدع الهی از قبل عبد البهاء جان و دل
 مسرور و مشعوف کن و عليك و عليكن البهء الالهی
 ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز عزیز الهی مطمئن باش که در آستان مقدس
مقربه‌ئی و مشمول نظر عنایت الحمد لله در محبت عصمت
نفسی نفیس هستی که بجان و دل انیس عبد البهاء فضل
و موهبت پر توی بر هر دو از شما انداخته و در درگاه
احدیت عزیز نموده شکر کن خدا را و بر محبت الله ثابت
و مستقیم باش و عليك التحية والشانعة

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز عزیز الهی نامه رسید و فریاد و فغان و ضجیح
واجیح تأثیر شدید نمود گمان مکن که فراموش شوی
و براویة نسیان افقی مضمونی که از پیش مر قوم گشت
شوخی بوردنه جدی حال دوباره بمکاتبه پیوستیم و آغاز
مخابره مینمائیم تا بدانی که در این انجمن چسانی مقرب
درگاه کبریائی و منظور نظر عنایت جمال الهی در کف

حفظ و حمایتی و در سفینه عهد و میثاق رب الموهبتی
 همواره زبان به هدایت اماء بگشا و بکمال قوت بتبلیغ
 مشغول شو و صبیته امة الله ملکه را بیان بلیغ بیاموز
 تا لسان فصیح باز نماید و محرومان را محرم راز فرماید
 بیگانگان را آشنا کند و اغیار را یار نماید الیوم تکلیف
 کل تبلیغ است چه رجال و چه نساء و در اقلیم امریکا انا
 گوی سبقت و پیشی را از میدان رجال ربوده اند و در
 هدایت من علی الارض بیشتر کوشند و همتی افزون دارند
 و بتأییدات و توفیقات حق مقرونند امیدوارم که در
 شرق نیز اماء رحمان همتی بنمایند و قدرتی ابراز دارند
 و استعدادی آشکار نمایند مکاتیبی در جوف است
 بصاحبانش برسانید و عليك التحية والثناء ع

هو الله

ای کنیز عزیز جمال الجلی ملاحظه نما که چه موهبت
 کبریست و رحمت عظمی الحمد لله از سن طفولیت از پستان

عنایت شیرخوردی و در مهد رحمت پرورش یافتی تا آنکه
 بدرجۀ عقل و درایت رسیدی و در ظل کلمۀ وحدانیت
 درآمدی و استماع آیات توحید نمودی مؤمن بصبح هدی
 حضرت اعلیٰ روحی له الفدا شدی و پرتو هدایت از شمس
 حقیقت جمال مبارک گرفتی و در جنت رضادرنهایت روح
 و ریحان آیام گذرانندی و حال بطواف ملاء اعلیٰ موفق گردیدی
 و عبدالبهاء از تو در نهایت رضا باری حال رجوع بعشق ^{آیاد}
 نما و جمیع اماء رحمن را ببشارت کبریٰ مسرور و مشعوف
 نما ای اماء رحمن موهبت یزدان احاطه نموده و ابواب
 الطاف گشوده فیض قدیم بمثابۀ رشحات سحاب ربیع
 انوار تابید مشابۀ اشعۀ ساطعۀ از کوب عظیم در ظل
 مدوید و تحت لوآء معقور و مستفیض از مقام محمود
 و علیکن التحیة و الشاء رب یارحمن و یارحیم انی التجأ الی
 کھفک المنیع و حصنک الرافع و ادعوک ان تنور و جوه صبیئتی
 هذه الامة الرحمانیة بنور موهبتک فی ملکوت مغفرتک
 ای رب اجعلهما آیتی عفوک فی جوار رحمتک الکبریٰ و رایتی

غفرانك في ملكوتك الالهى ومظهرتى الطافك في فردوسك
 الأعلى و ارزقهما اللقاء في مشاهد الكبرياء انك انت العفو
 الغفور الكريم الرحيم ع ع

هو الله

ای کنیز عزیز در گاه کبریا پدر بزرگوار در انبار در زیر
 سلاسل و اغلال شهید شد و فدای آن دلبر و حید فوید
 گشت نام نامیش در سجل شهیدان و فهرست عاشقان
 و طغرای فدائیان و منشور شیدائیان در ملکوت ابهی
 مقید و مشبوت شد مطمئن باش و معتمد آن رخ تابناک
 در انجمن افلاک مانند مه تابان میدرخشد ریگچه لوحی
 از آن لوح محفوظ تر و چه رقی از آن دفتر منشور تر آن
 الواح را اهل ملا ابهی و ملکوت اعلی الی الابد ترتیل و تنویم
 می نمایند فاستبشری بهذه البشارة الکبری لعمری انها
 تعادل موهبة الارض والسماء و
 عليك التحية والثناء ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز مبارک بهاء الله بلقیس قدیمرا تخت و تاجی
از طلای قشنگ و سنگ خوش رنگ بود و عاقبت آن نیز
بباد رفت زیرا از خاک بود و بجاك برگشت ولی تو بکوش
تا تاجی مثلثاً بجوهر ملکوت الهی بسرنهی و بر سربری
از اوج اثیر نشینی و آن نطق گویاست که زبان و بیان
بگشائی و تبلیغ امر الله نمائی و چنان ناطق گردی که عموم
نساء حیران گردند که این چه فضل و کمالست حقا که
این کنیز حضرت بهاء الله است ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز مقربۀ درگاه کبریا هر چند از پیش نامه‌ئی بشما
مرفوم گردید شاید که نرسیده چون جناب حکیم باشی
بی نهایت تأکید در تعریف و توصیف شما نمودند و باره
این نامه تحویر شد ای امة الله در دورهای سابق جمع

اناث هر چند اقدام در خدمات نمودند و باریه محبت الله
 پیورند باز در صف رجال محسوب نمیگشتند زیرا الرجال
 قوامون علی النساء منصوص بود حال در این دور بدیع
 کار اناث پیش گرفت این قید برداشته شد کل محشور در
 صقع واحد شدند هر نفسی قدم پیش نهد نصیب بیش
 برد و هر سواری در این میدان جولان دهد بضر
 چو کان گوی بر باید خواه رجال خواه نساء خواه زکور خواه
 اناث رب ربة الخدور فاقت الذکور وانتصرت علی جیش
 موفور وحازت قصبات السبق فی مضمار الوجد والسرور
 حال الحمد لله تویکی از آن خیل جلیلی و میدان وسیع
 و صبیة محترمه ات همعنان فعلیکما بالطراد و السباق
 فی هذا المضمار و الميدان و علیکما البهاء الالهی ع ع
هو الله ای کنیز مهربان الهی فی الحقیقه سزاوار خدمت
 ملکوتی و لایق کنیزی بارگاه رب لاهوت مطمئن بفضل
 و موهبت رب الجنود باش که تورا تا بید خواهد نمود اوقا
 خود را حصر در نشر نجات الله کن و بهدایت نفوس پرداز

من همیشه بروح با تو همدم و معین و یاور عنقریب ^{خدا}
 میفائی که در آمریکا مراکز متعدده بجهت نشر تعالیم الهیه
 ترتیب داده خواهد شد و عاقبت جمیع کنائس بجهت استماع
 نطق اماء الرحمن و بیان احتیای الهی بازو گشوده خواهد گشت

هو الاهی

ای گوهرکان محبت الله هر گوهری را که نیست و هر
 درزی را صدف دریائی عباد و اماء الهی که جواهر وجود
 و خلاصات و سوازیغ غیب و شهو درند حقا یقشان بحقیقت
 گوهر تابان معدن محبت الله است و کینونا نشان در
 درخشان دریای معرفت الله پس بکوش که گوهری
 تابان باشی و البهائ علیک ع

هو الاهی

ای متضرعه الی الله جناب حلیل جلیل خواهش
 این تقریر فرمودند ولی چه نویسیم که از آن بوجد و طرب

آئی و بشوق و ولہ در آئی جز ذکر حضرت دوست هر
 وقت ظلمت احزان هجوم نماید ذکر جمال قدم کن تا
 روشنائی کاشانه قلب را احاطه کند پڑمردگی و افسردگی
 زائل گردد و لطافت و طراوت بی منتها حاصل شود
 و در ظل عنایت اسم اعظم مسرور و مستبشر باش و پر
 روح و ریحان گرد الحمد لله جام آمالت از صهبای عطا
 لبریز است دیگر چه خواهی و چه جوئی بشارت اندر بشارت
 و فرح اندر فرح و عليك البهائم

هو الله

ای مشتعل بنار محبت الله در ملکوت ابھی دختر عزیزی
 و در نزد عبد البهائم محترم زیرا فی الحقیقه بخدمت امر الله
 از هر جهت مشغولی و بثنای اسم اعظم مانوس و بنشر
 نفحات قدس مألوف خدا از تورا ضی من از تورا ضی
 اهل ملا اعلی از تورا ضی از فضل یزدان امید چنان است
 که چنان شور و شوقی یابی و آتش محبت الله افروزی که

اقلیم آمریک را بملکوت نزدیک کنی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای اماء رحمان درگاه احدیت را کنیزان عزیزید و جمال
رحمانیرا منجذب و ولیه و شورانگیز پس شب و روز
بکوشید تا در محافل اماء رحمن آیت توحید ترتیل نمائید
و ساثر نساء را بر این معین حیوان وارد کنید من در حق
شما دعا نمایم و از فضل و موهبت الهیه طلب عون
و عنایت کنم امیدوارم که در مبدم شعله بیشتر زینید
و آنا فانا ترقی بیشتر نمایند ع ع

هُوَ الْإِبْهِي

ای معلمه های مدرسه تربیت بنات نامه شما رسید از
قرائتش نهایت مسرت حاصل گشت که الحمد لله بعون
و عنایت جمال مبارک موفق بآن شده اید که اطفال بنات را

مُنْتَبِه بآیات باهره حضرت احدیت نمائید امروز خدمتی اعظم
 از تربیت اطفال بهائی گماهی حقها تصور نتوان نمود زیرا این خدمت
 باغبانی بستان الهی است امیدم آنست که چنانکه باید و شاید موفق
 گردید تا این اطفال بتربیت الهی تربیت شوند و هر یک درخت بارور
 گردند و مصدر ثمر و اثری شوند فرصت بیش از این نگاشتن نه و
 علیکن البهَاء الابنئی عبدالبهاء عباس ۲۰ شعبان ۱۳۳۹ عکا بهجی

هو الله

ای منادی ملکوت در سفریکه باطراف رفتی تنهانوردی جان و دل
 عبدالبهاء با تو بود هر چند سدمات شدید خورده و طعن و
 سب و شتم شنیدی و تعرض غافلان دیدی این سبب افتخار تو است
 که در راه خدا هدف تیر جفا شدی و کاس بلا نوشیدی ملاحظه کن
 که نفوس مقدسه در ازمنه سابقه چه بلا یا کشیدند و چه صدمات
 خوردند تو نیز باید در راه بهاء در امتحانات شدید افتی و قدم ثابت
 و راسخ داری ملاحظه خواهی نمود که تأییدات الهیه چگونه احاطه نماید سر و
 باش و مستبشور که باین مقام فائز گشتی و اقتدا بنفوس مقدسه نمودی

هُوَ اللَّهُ

ای منجذبه بنفحات الله امیدوار بصون و عون و حمایت
 حضرت پروردگار باش و متوکل بر الطاف بی پایان جمال
 آمرزگار ما بندگان و کنیزان ضعیفیم اوست قوی و مقتدر
 و توانا پناه درگاه اوست و ملجأ عتبه موهبت عنایت او
 البته این ضعفارا حضرت کبریا از لطف و عنایت محروم
 ننماید و در ظل ممد و تحت لواء معقود بر عهد و میثاق
 ثابت و برقرار فرماید هر کنیز با عقل و تمیز حق را از قبل
 عبدالبهاء تحت و ثنا برسان و بگو ای اماء رحمن چه موهبت
 اعظم از این که در عصر مبارک قرن جمال الهی یوم ظهور
 در عالم وجود محشور شدید و بافق شهود در مقام محمود
 بجمال موعود توجه نمودید عبدالبهاء را عزت ابدیه
 عبودیت آستان مقدس است و اماء رحمن را نعمت سرمدیه
 خدمت درگاه احدیت جمع در ظل آن مقام محمود محشوریم باید در میدان
 بشکرانه موفور قیام نمائیم و علیکن التّحیة و الشّاءع

هُوَ اللَّهُ

ای ناظر بملکوت مکتوبت رسید مضمون مفهوم گردید
 حمد کن خدا را که خانه ات لانه و آشیانه مرغان ملکوت
 گردید محفل روحانی تاسیس شد و عبدالبها بدل
 در محفل شما حاضر و در نهایت مهربانی روحش ناظر
 باید بشکرانه این موهبت چنان با اتحاد و یگانگی پردازید
 که حکم یک جان یا بید و یک قلب امواج یک بحر شوید و
 نسائم یک گلشن گلهای یک باغ شوید و اشجار یک بوستان
 و بتربیت خود و هدایت نفوس پردازید خانه تو خانه
 من است پس باید بانوار ملکوت مزین گردد و عليك النعمه والسلام
 ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقات رحمانیه اماء رحمان نامه های شما نفعه
 مشکبار بود و نافع اسرار زیرا ترتیل آیات توحید بود
 و بیان ایمان و ایقان بطلوع نور مبین از قرائت نهایت

مسرت حاصل گردید و فرح و انبساط روحانی رخ داد
 و شکرانه بدرگاه اسم اعظم تقدیم شد که الحمد لله امان
 رحمان ب تحصیل علم و عرفان مشغولند و بتتبع حجت و
 برهان مألوفند عبد البهاء در نهایت عجز و نیاز بملکوت
 راز بتل نماید و از برای آن کنیزان عزیزان تأییدات
 غیبیه و الهامات لاریتیه طلبد تا در زجاج قلوب سراج
 موهبت کبری برافروزد و انوار یقین قلوب را افق
 مبین فرماید دیده ها مشاهده آیات کبری کند و صد
 منشرح بفیوضات ملا اعلی شود هر دلی دفتر اسرار گردد
 و هر فکری کتاب مبین الهام شود ادراکات لوح محفوظ
 گردد و عقول و نفوس رقی منشور شود و جمیع اسرار وجود
 و حقائق و معانی سر سجود مفهوم و معلوم گردد
 الٰهی الٰهی هؤلآء اماء اخترهن من بین اماتک واجتبیتهن
 لأقتباس تجلیاتک واصطفیتهن لأعلاء کلمتک ونشر
 نجاتک و اوقدت فی قلوبهن نار محبتک و شرحت صدق
 بآیات توحیدک رب اجعلهن ناطقات حججک برهانک

ومنبآت لقدرتك وسلطانك وناشرات للوائك و
 رافعات لرايات احديتك ومكفرات من افق موهبتك
 ومنجذبات الى طلعتك ومبشرات بأمرک ومنذرات
 من قهوک ومرتلالات لألواحک وكاشفات لأسرارک
 انک انت المؤید لمن تشاء بما تشاء وانک انت القوی
 المقتدر العزيز المحبوب ع

هو الله

ای ورقات سدره نورانیہ درین صحگاهی که نورالهی
 از فجر رحمانی عالم پنهان ساطع ولامع عبدالبهاء بذکرشما
 رایت وفا افراخته وبنگارش این نامه پرداخته تا کل بدانید
 که این جان و دل ینبوع رافت کبری است و باحبای الهی
 و اماء رحمانی بی نهایت مهربان مقصود این است که شما
 ازهار گلشن محبت اللهد و ورقات شجره اصلها ثابت فروعها
 فی السماء و این از مواهب حضرت بهاء الله ستایش و
 نیایش باید تا بشکوانه پردازیم و تا آهنگ و ترانه و نغمه چنگ

وچفانه و تمایلات مستانه تأثیر شرب شبانه بخشد بفرح و سرور
 آید و سعی مشکور فرمائید و فضل موفور یا بید و سبب
 هدایت جمهور گردید از بادهٔ محبت الله چنان سرمست
 شوید که جشن الست برپا نمائید و از صهبای عشق می‌پرست
 گردید و در میدان رزم جنود ناقضین و ناکثین را شکست
 دهید و علیکن البهء الابهی عبد البهء عباس ۱۲ صفر ۱۳۳۹ حیفا

هُوَالْاِبْهَى

ای امة الله با ممداد است و هر کس بخمالی مفتون و دلشاد
 و من بقلم و ممداد پرداخته که شاید روح و فؤاد اماء و عباد
 الرحمن مهتر و مسرور گردد و بروح و ریجان آید و از آیات
 محبت جمال قدم روحی جدید یابد ای امة الله
 شعلهٔ میثاق است که بحرارت عبوریت
 جمال ابھی در کبد آفاق تأثیر

نموده ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای منجذبه دلبر آفاق نامه شمار سید بلا یای وارده بر شما
 واحباء الله معلوم و واضحست عین تسنیم و سلسبیل نصیب
 سالکان سبیل تسلیم و بندگان مخلص ربّ جلیل است لهذا
 زبان بشکرانه گشاید و آهنگ عاشقانه بر آرید که الحمد لله
 بچنین موهبتی رسیدید هر چند غافلان رست تطاول
 گشورند و ظلم و ستم روارا شدند ولی العاقبة للمتقین
 حتی یقین نظر بعواقب امور نماید البتّه موسم زمستان
 بگذرد و برف و باران و طوفان منقضی گردد موسم بهار جانپور
 آید آن شدت بدل بر خاشود و آن زحمت و مشقت منقلب
 بروح و ریحان گردد احتیای الهی باید ثبوت و رسوخ بنمایند
 تا جوهر مقصود حاصل گردد بقورین محترم از قبل عبدالبهاء
 تمیّت و ثابریان از فضل بی منتعی او را الطاف بی پایان

مجموع و علیک البهء الالهی

۱۷ شوال ۱۳۳۸ حیفاء عبدالبهاء عباس

هُوَ اللَّهُ

ای ورقات مبارکه و اماء رحمان و احتبای حضرت یزدان
 سکنه سلطان را خواهش و رجا چنین است که این عبد
 حزن بند کویک یک از ورقات نورمبین و اماء حضرت
 رحمان رحیم و دوستان جمال قدیم پردازم ولی بجان
 عزیز کل قسم که ابداً مهلت ندارم لهذا در حق کل مناجات
 میکنم و طلب حاجات میمایم و بدرگاه حق تضرع و نیاز
 میکنم که ای خداوند بیمانند ورقات آیات محبتند و اماء
 کلمات پر معانی و موهبت دوستان هریک گلستانند و
 بریاحین عرفان مزین ای آفریننده زبندگی بخش و
 آزادگی ده بزرگواری عنایت کن و مهر پروری بیاموز تا
 این نفوس پاک جمیع جهانیا نزار دست بدارند و بعالم انسا^ن
 صلح و آشتی نمایند در رحمت کل باشند و موهبت جمیع آیات
 هدی گردند و رایات ملکوت اعلیٰ جبین بفیض نورمبین
 بیارایند و سینه را آئینه کنند تا پر تو شمس حقیقت بتابد

توئی دهنده و بخشنده و فروزنده و مهربان ع

هُوَ الْإِبْهِيُّ

ای ورقات مهترات منجذبات در این قیامت کبری می‌دان
 ترتیب شد که از یک جهت حدیبیا بان نداشت و از جهت کنارش
 نمایان نه فضایش وسعت ملکوت و بدایت و نهایتش
 حیز شاسع عالم لاهوت مردان و دلیران در این میدان
 سپر انداختند و شیران ژبان عاجز و ناتوان گشتند شما
 که ورقات شجره بودید و لوررقمیص نسوان بودید در این
 میدان بفضل یزدان بتاختید و علم افراختید و نور محبت
 باختید و گوی سبقت ربورید و همت بنمورید این نیست
 مگر از فضل و عنایت جمال قدم روحی لأحبائه الفدا پس
 بشکرانه این بخشایش یزدانی با هم با تخار و بیگانگی معامله نما^{شد}
 در بحر توحید مستغرق گردید و از جام تفرید سرمست شوید
 بانوار وحدت برافروزید و با سرار موهبت آشکارا شوید فی الحقیقه
 بصفت تقدیس حقیقی ظاهر و باهر شوید ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقات مبتهلات در صبح ابداع و شفق اختراع
 نوری الهی چنان سطوع نمود که پرتوش منتشر آفاق گردید
 ولی صدحیف که کوران ندیدند و هزار افسوس که محتجبا
 مشاهده نمودند پس شما از خدا بخواهید که بدیده^ش خویش
 مشاهده نماید تا از نفوسی محسوب شوید که میفرماید
 القی السمع وهو شهید ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقات مطهروء محترمهء مقربهء درگاه کبریا خوشاخو
 که محافل روحانی ترتیب دادید و بججت و برهان الهی پرداخت
 و بدلائل قاطعه و شواهد کتب مقدسه اثبات امر نور مبین
 خواهید این مقصد بسیار مبارکست و این مراد سبب^{نیت} نور
 عباد و بلاد از بدو ایجاد تا بحال در هیچ کور و دوری محافل
 اماء رحمان ترتیب نشد و در میان ایشان ترویج درس

تبلیغ نگشت این از خصائص این دور عظیم و قرن کریم است
 البته بنهایت همت در تکمیل این انجمن و تزئید المسالاع
 بر حقائق معانی و اسرار بکوشید تا بلکه انشاء الله در اندک
 زمانی نساء حکم رجال یابند و سرخیل عالمان گردند لسان
 فصیح بگشایند و بیان بلیغ بنمایند و در جمیع آفاق چون
 سرج هدای جلوه نمایند در بعضی موارد حضرات نساء
 استعداد عجیبی دارند سویر الا نجد ابند و شدید الالتهاب
 باری شب و روز اوقات را حصر در بیانات و تحصیل کمالات
 نمائید و همواره در این خصوص بمذاکرات پردازید
 چون یکدیگر را ملاقات کنید هر یک دیگری را بشارت
 دهد و بعنایات و الطاف حی قدیم امیدوار کند و از
 دلیل و برهان دم زند و با سرار ملکوت زبان بگشاید
 تا در هیکل امکان روح حقیقی سریان نماید و اسرار
 ماکان و مایکون واضح و مشهود شور ای کنیزان عزیز
 الهی نظر با استعداد ولیاقت خور نکنید بلکه اعتماد بر الطاف
 و عنایات جمال مبارک داشته باشید زیرا آن فیض ابدی

گیاه را شجره مبارکه نماید و سراب را بار دو شراب کند
 ذره مفقود را جوهر وجود نماید و نملة معدوم را ارب
 دبستان علوم فرماید از خار گل برویاند و از خاک سیاه
 ریاحین معطر پر بها انبات نماید سنگ را العل بدخشان
 کند و صدف دریا را مملو از گوهر تابان فرماید طفل نو
 آموز را ادیب دبستان کند و جنین مهین را فتبارك الله
 احسن الخالقین فرماید ان ربی لعلی کل شیء قذیر ع
 هو الله بنت محترمه جناب ایادی امرالله علی قبل اکبر
 نامه ثی مرقوم نموده بود و اسماء شمار از ذکر کرده بود من نیز
 بدرگاه حضرت کبریا تضرع و ابتهال نمودم و طلب تأیید کردم
 ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقات نورانیه و اماء رحمانیه از ریاض ملکوت ابھی
 نسیم روح پرور میوزد و از گلشن ملا اعلی شمیم جان بخش
 می آید قلوب از هبوب آن نسیم در نهایت اهتزاز است
 و مشامها از مرور آن شمیم در غایت التذاز پیک عنایت

میرسد و مژده موهبت میبخشد عون و عنایت جمال
 الهی باشماست و تأیید و توفیق حضرت کبریاء همدم شما
 از هر جهت ملحوظ عین عنایتید و از هر طرف منظور
 نظر موهبت از جام میثاق سرمستید و بمحبت ربّ الاشراف
 مشهور آفاق در درگاه احدیت سر باستان مقدس نهاده
 و در کمال عجز و زاری توفیقی عظیم بجهت آن اماء رحمانی طلب
 نمودم پس باید همتی نمائید که آن توفیقات ثمرش ظاهر
 گردد و آن تأییدات نتایجش باهر شور قوه مغناطیس
 که جاذب این عنایات است اتحاد و اتفاق اماء الله است
 البتّه صد البته دائماً متمسک باین مغناطیس گردید تا عون
 و صون و عنایت جمال الهی را از هر جهت متابعاً مترادفاً
 متوالیاً مشاهده کنید و البهاء علیکن ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقات نورانیّه نامه شما رسید الحمد لله دلیل بر نورانیّت
 و روحانیّت آن اماء رحمن بود که در کمال ثبوت و استقامت

بتحصیل لسان جدید پرداخته اید و مشغول بفکر و ذکر ملگو
 الهی هستید محفلتان روشن و منور است و مجمعتان بنفحات
 محبت الله معطر امید و اریم که محفل تنزیه اسم مطابق مستی
 گردد و محفل نشر نفحات مظهر آیات بیانات شور و در تبلیغ
 لسانی بلیغ یابید و از هر جهت موفق و مؤید بتأییدات ملگو
 انبی باشید و علیکن البهَاء الابهی عبد البهَاء عباس

هو الابهی

ای ورقه ثابتة راسخه بر عهد و پیمان الهی الیوم ورقه ثی از
 اوراق سدره مبارکه چون ثابت بر پیمان گردد نابت در اعلی
 فروع سدره سیناء شور و چون بقوت تقی و نور هدای
 قیام بر خدمت امر الله و اعلاء کلمة الله نماید چون ستاره
 روشن از افق عالم درخشنده و تابنده گردد موهبت آیام
 عظیمست عظیم و الطاف رب کریم جلیل است جلیل
 یک عمل خیر و یک حرکت لله الیوم حکم صد هزار مبرات
 و حسنات دارد و یک نفس در این عصر حکم صد هزار سال

عبارت ملکوت البهی آئینه جهان نمای الهی و مرآت کائنات
 رحمانیت گاه سمت کوه دارد چه حسنات و چه سیئات
 قطره صفت مجرد دارد چه اعمال صالحات و چه افعال
 منہیات پس شکر کن حضرت ذوالجلال را که خدمات
 در دیوان الهی بقلم جلی مقید و مثبت و در ایوان روحانی
 رحمانی اجر جزیت مقدر و موجود رعایت و محبتی که
 بمنتسبین جناب ابن اسم الله الأصدق نموده اید عند الله
 محبوب و مذکور و البهَاء علیک ع

هو الله

ای ورقه رحمانیه اهل سرادق میثاق کل مشتاق دیدار
 تواند و هر دم بیار تو افتند ذکر محبت و معرفت و روحانی
 ترانمایند امروزه ورقه از ورقات فر دوس که از نسیم عنایت
 اهتر از یابد چنان روحانیتی حاصل نماید که روح مجرد گردد
 و عشق مصور عرفان مجسم شود و هیکل حب مشخص از خلد
 بجواه که کاس هدایت را سرشار نمائی و نشئه حیات ابدیه ^{بخشی}

وعلیک التَّحیةُ والشَّاءُ ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه رحمانیه نامه تورا رسید و عجز و نیازت در آستان
جمال مبارک رزحی لأحبائه الفداء مقبول گردید الطاف
بی پایان از هر جهت شامل حال تو گردد و عون و عنایت
حضرت رحمان در حق تو کامل شد بخدمتی که قیام نموری
مقبول است زیرا در ربستان بنات ادیب محبت الله شدی
و درس مقامات توحید میدهی البتہ موفق خواهی
گشت و خاتمه اعمال فاتحه الالطاف خواهد شد
ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه روحانیه چشم بگشا و بملکوت الهی توجه کن تا
از جهان پنهان سبحان ربی الألهی شنوی قسم بجمال قدم

که تأثیرات اسم اعظم چنان در جان و وجدان حتی عظم و
لحم ظاهر و آشکار گردد که عقل حیران و سرگردان شود
نظر عنایت شامل بوده و خواهد بود منتهای آرزوی روحاً
نهانی بعون و عنایت الهیه میسر گردد **والبهَاء علیک ع**

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه زکّیه رجال در جمیع ادوار مرد میدان بودند
و صفدر لشکر طغیان ولی در این کور اعظم سنائی قیام نما
که غبطه مردان کردند و رشک رستم درستان پای استقامتی
محکم و استوار نمایند که نام هر نامداری از دفتر آفاق محو
کنند یعنی بنطقی فصیح و شنائی بلیغ و جنائی قوی و قدمی واضح
و دلی ثابت و بیانی واضح و تبیانی لائح در ظل کلمه الهیه
محمشور کردند پس تو از خدا بخواه که در زمره این مرغان
چمنستان الهی معدود گردی و انشاء الله از این ورقات
محسوب شوی و امیدوارم که سرسلسله مؤمنان موقناً
مبلغات گردی **والبهَاء علیک ع**

حضرات زائرات بالنیابه از آن ورقه طیبه حول روضه مبارکه
طواف و زیارت نمودند

سؤال الهی

ای ورقه طیبه از آثار باهره یوم الله آنکه امائی از رقد
نفس و هوئی مبعوث و در ظل لواء کلمه جامعه محشور شدند
که فخر رجال و روشنائی جهان گشتند لسان بذکر رحمن
گشورند و وجود و جان بنفحات جانان تروتازه کردند
چون جبل را سخ بر امر الله استقامت نمودند و چون
بحر موج در معرفت پروردگار لئالی معانی افشاندند پس
از خدا بخواه که یکی از این ورقات ثابتات ناطقات شوی
عبد البهاع

سؤال القیوم

ای ورقه طیبه از الطاف حضرت و در دم بزَن و از عنایات
سلطان وجود خبرده که با وجود آنکه استحقاقی نداشته
و نداریم محض جود و فضل در یوم فصل بقرب و وصل

فائز فرمود ای خدا تو این ارقاء و اماء را در ظل سدره
منتهی باعظم الطاف تربیت فرما ع

سؤال ابھی

ای ورقه طیبه از لطف حق امیدوار شو و اعظم وسائل
حصول عنایت ملکوت ابھی تحمل زحمات و مشقات اماء
رحمن است شکر کن خدا را ع ع

سؤال ابھی

ای ورقه طیبه ثابتہ را سخه صابره در این کور اعظم بسا
نساء که گوی سبقت و پیشی را از میدان رجال ربوند و
بلقب فخر الرجال از فم مطهر زی الجلال ملقب گشتند من
گواهی و شہادت میدهم کہ تو بر امر مبرم بثبوت و رسوخی
قائم شدی کہ مظهره تحسین ملا اعلی گشتی و مطلع الطاف
جبروت ابھی شدی و از بدایت نشو و نمایت از ثدی عنایت
شیر فضل نوشیدی و از کوثر محبت اللہ چشیدی و بعرفان

جمال قدم فائزگشتی و بشرف لقامشرف شدی و در
 ساحت اقدس حاضر آمدی در جمیع احیان آثار الطاف
 بی پایان نسبت بتو ظاهر و عیان بود و عین عنایت متوجه
 بتو پس شکر کن این موهبت کبری را و حمد کن این مروت
 عظمی را که در ملکوت الهی زکرت مذکور و در عتبه روضه
 مقدسه یادت مألوف و در قلوب دوستان الهی خیرت
 مطلوب هدا من فضل ربك عليك والبهاء عليك و
 علی ابنک الذی سعد الی الله و علی بعلک الذی فاز بالملکوت
 الالهی یا امة الله ع

هو الله

ای ورقه طیبه جهان عرفان تا بحال میدان مردان بود
 و جولانگاه زکوران ولی در این کور جلیل نشانی مبعوث شد^{ند}
 که فازسان میدان ایقان گردیدند و دلبران عرصه
 اطمینان این از خصائص این ظهور اعظم است و از موا^{هب}
 جلیل اکبر پس باید و رفات از جام الطاف چنان سرمست

باشند که از نفع صور بهوش بیایند ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه طیبه در سلك کنیزان رب عزیز در آمدی و
در بین اماء رحمن محشور شدی پس باید آنچه سزاوار
این موفقیست قیام نمائی و لایق چنانست که آیت
تقوی گردی و از آنچه در عالم امکانست چشم پوشی و
بجق مشغول گردی شب و روز دعا و مناجات نمائی و
مغفرت خطایا طلبی و عليك التحيّة والثناء ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه طیبه دست تضرع بدرگاه احدیت دراز کن و
عجز و نیاز کن که ای بی نیاز این کنیز نا چیز را در آستان
مبارکت قبول فرما و این بال و پر شکسته را در هوای قدس
عنایت پروازده این فقیره را بکنز غنا دلالت فرما و این
ذلیل را بدرگاه عزّت هدایت کن ع

هُوَ الْبَطِيءُ الْبَطِيءُ

ای ورقه طیبه زکته اگر با لطاف جمال قدم در حق اماء
 رحمن پی بری از شدت بشارت و وفور مسرت بر پری
 و حجابات اماء محتجبات را بردری و چون فرشته و
 پری پری گشائی و از حسیض مراتب ترابی و پستی نیستی
 بری گردی و باوج سعور و شهو در جمال مقصود صعود
 نمائی ذلک من فضله و یختص به من یشاء من عباره
 و امائه انه لهو الفضال المجید ع

هُوَ الْبَطِيءُ

ای ورقه طیبه زکته الطاف حق چون دریای بی پایان
 موج بر سر عباد و اماء میزند و چون ابرهمن گلزار و چین
 قلوب منجد با نرازند و ترو تازه می نماید تو که موقن
 بآیاتی و مصدق بکلمات از آن دریا غرغه بردار و از این
 فیض بقطره کفایت منما و البهاء علی کل مة آمنت بالله
 ع ع

سؤال اَبھی

ای ورقه طیبہ زکیہ حضرت محبوب عالمیان ببعضی از
 اماء الرحمن یا فخر الرجال خطاب فرموده اند پس واضح
 و مشهود شد که در ایام الله و عصر حضرت کبریا اماء الله
 بتأییداتی مؤید میشوند که گوی سبقت و پیشی را در میدان
 عرفان از رجال میربایند تو که ورقه این ریاض احدیتی
 باید چون قلزم اعظم در جوش و خروش آئی و چون اوراق
 سدره انجذاب در وجد و حرکت پیمانہ محبت الله را در دست
 گیری و در محفل اماء الله آتش شوق و وله بر افروزی عنایات
 الهیه چون بارقه صبح صادق بر آفاق پرتو افشان است چرا
 خاموشی لسان بستایش حضرت بی نیاز بگشاع ع
 و رفتن طیبین قدسیه و بقائیه در وصیة آن امه الله را بتکبیر ابدع الہی متذکر
 دارید .

اللہ اَبھی

ای ورقه طیبہ مبلغه حال وقت نطق و بیانست و زمان
 تبلیغ و تبیان زبان بگشا و بیان بنما وَالرَّحْمٰنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ثَابِتٌ

روح القدس در هویت زبان نطق کند و روح الانس شرح
 نماید و روح الامین ثبت نماید و روح القدیم تأیید کند
 قسم بآن جمال بیهثال که در ملکوت غیب پنهان که چون
 ورقات بمحامد و نعوت در ستایش و تبلیغ امر رب و رد
 زبان گشایند اهل جوامع ملکوت و صوامع لاهوت گوش
 کنند و اصفا نمایند و فریاد هله هله هله یا بشارت بر آرند
 والبهاء عليك وعلى كل امة ثبتت على الميثاق ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه طیبه مطمئنه در چنین عهدی که اریاح امتحان
 جهان را احاطه نموده و طوفان افتتان شرق و غرب را مستو
 شده تو جمع حجبات را خرق نمودی و کل سبحات ترا هستک
 در حدیقه جو در رب وجود داخل گشتی و بمقام کشف و
 شهود و اصل شدی صد هزار قانات در آرزوی این مقام
 جان رایگان دادند و نرسیدند و تو محض فضل و موهبت
 این جام را در نهایت صفا نوشیدی فاشکری الله على ذلك ع ع

هو الاهی

ای ورقه طیبه مطمئنه راضیه مرضیه آن امة الله در سبیل
 الہی بہر مصیبتی گرفتار شد و بہر مشقتی مبتلا گشت جام
 بلارا ازید ساقی قضا نوشید و زہر جانگداز را ازید شاہد
 قدر چشید ہدف تیر جفا شد و صد فدر دانه وفا گردید
 شخص خطیر بیا کہ از جان عزیز تر داشت در میدان فدا سر
 داده دید و جسم لطیفی را کہ پرورده پرند و پرنیان بود
 پایمال ستم ستوران یافت لا ضیراتہ قد جلس علی سریر
 العزۃ والأقتدار ولا بأس ان ذلک الجسد سیکون مزار
 الملوک اولی السطوۃ والاشتہار اگر بدانی کہ آن جان پاک
 در چہ انجمنی حاضر و بچہ جمالی ناظر و در چہ ملکوتی فائز
 و بر چہ سریری جالس است و چہ تاجی در سردار و چہ
 سراجی روشن البتہ پرده بر اندازی و نعرہ برافرازی و در
 شہر ولولہ و آشوب اندازی فتنہ آفاق شوی و آشفتنہ مشتاق
 گردی جان رایگان فدا کنی و جسدر انا توان یابی صبر

و تحمل نتوانی و بملکوت عزت شتابی
ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای ورقه طیبه مجذبه بنفحات الله آنچه بلسان گفتی و
بر او راق شرح نمودی و در بیان سفتی و در قلب و جان
آرزو داشتی جمیع مسموع و معلوم و مشهور حمد کن رب
قدیم و نور مبین و آفتاب فلک علیین را که چنین بخششی
از سلطان آفرینش یافتی که بکوی دوست راه شناختی و
بساحت الطافش شتافتی و روی از دوش تافتی و از نار جانش
گداختی و بچنین موهبتی که منتهی آمال اماء الرحمن بود رسیدی
و حلاوت عنایت از کاس بقا چشیدی طوبی لك ولكل آمة
فازت بما فزت بفضل مولک القدیم بشری لك ثم بشری
لك من هذا الفضل العظیم در خصوص خانه آنچه راجبنا
ابن اسم الله الا صدق علیه بهاء الالهی مصلحت دانند مجزی
دارید این قضیه تفویض بایشان شد ما قبول کردیم آنچه
را شما خواستید و تقدیم نمودید فسوف يعطيك ربك

اجر ذلک فی ملکہ و ملکوتہ انہ علی کل شیء قدیر ع

هُوَ الْبَهِی

ای ورقه طیبه موقنه در این کور جدید بموهبتی اختصاص یافتی
 که جمیع اماء در جمیع قرون اولی تمنا و آرزو می نمودند و آن
 معرفت حضرت احدیت است در یوم ظهورش تو که این
 جام سرشار را از دست عنایت سید ابرار نوشیدی و این شهید
 بقارا از فضل حضرت پروردگار چشیدی شب و روز
 زبان بشکرانه بگشا و رأس هیکل معرفت را بتاج و افسر
 استقامت مزین کن و البهَاء علیک

هُوَ الْبَهِی

ای ورقه مبارکه آتش اشتیاق شعله و اشراق نموده
 و حرارتش بقلب عبدالبهاء تأثیر نموده آنچه ناله و فغان کنی
 حق داری و آنچه آه و زاری فرمائی بجا و عین صواب ولی در
 این ایام حکمت اقتضا ندارد لهذا این عبد بالوکاله روی

وموی را بر خاک آن دو آستان نهاده در کمال ابتهال طلب
 عنایت میکنم و امیدوارم که نفعات طیبه این زیارت از
 این اقلیم پاک بمشام آن ورقه نورا برسد و انشاء الله هر
 وقتی که حکمت اقتضا کند اجازه داده میشود و عليك البهاء
 ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه مبتهله در یوم نداء نقطه اولی علم بلی بلسان
 کینونت برافراشتی و در صبح نورانی جمال رحمانی دیدی را
 بمشاهده آیات کبری روشن نموده رقم محبت بر لوح دل
 نگاشتی حال از جام سرشار عهد الست مخمور و سرمست
 شو تا محرم سرا پرده عزت گردی و بخلوتخانه ملکوت
 ابھی پی بری والبهاء عليك ع ع

هُوَ الْإِلهی

ای ورقه مبتهله مطمئن شکر کن حتی قدیم را که در ظل
 جمال مبین وارد گشتی و از کاس تسنیم نوشیدی و از

شهد الطاف چشیدی و منتسب حضرت شهید ابن الشّهد
 علیه بهاء الله الأبھی گردیدی و الیوم در ملکوت البھی مذکور
 و در ملاء علی مشهور فاشکری الله علی هذا الفضل لذی
 احاط العالمین و انک انت سوف تشاهدین آثار هذه
 المواهب التي تشعشت انوارها ع

هو الأبھی

ای ورقه متضرعه الی الله در این عالم نسائی بجد و بیخاستا
 خارج از حد و شمار آمده اند که در نهایت مسرت و راحت
 بر بالین پرند و پرنیان آرمیده و با سایش جان و آرایش جها
 ایام خویش را گذرانند ولی حال ملاحظه کن آن راحت
 و عزت را چه ثمری مشهور گردید و آن رفاهیت و مسرت را
 چه نتیجه موجود سرابی بود فانی و اوهای بود چون ظل زائل
 غیر باقی نه شکوه بلقیسی باقی ماند و نه جلوه زلیخائی
 و نه شوکت همائی و نه شهرت سائر ملکه های عالم تراجی
 پس تو ای ورقه مقدسه مطمئننه شکر کن خدا را که در سبیل

الهی جمیع ایام را بمحنت و مشقت و زحمت و مصیبت گذرانند
 گاهی بمذمت و طعن و ملامت نساء مبتلابوری و گاهی بشماتت
 و مضرت اعدا گهی از دست ساقی قضا کأس بلا نوشیدی
 و گاهی بتالان و تاراج ستمکاران گهی خلیل جلیل را شهید
 سبیل الهی یافتی و گهی خانمان را از هجوم عوانان بر باد
 دیدی گهی بیسرو سامان بوری و گهی سرگشته کوه و بیابان
 چون جمیع این بلا یا ورزایا در راه خدا واقع مقبول و مطبوع
 و محبوب ارباب قلوب است زهر هلاهلش شهد و شکر است
 و تلخی حنظلش شیرینی قدم مکرر در دش درمان است
 و زخمش مرهم دل و جان گرتیر بلا آید اینک هدفش جانها
 و ردّ عطا بخشد اینک صدقش لها باری علی العجالة تو گوی
 از میدان ربوری و بمقصور حوریات قدس در غرفات
 فردوس رسیدی چه که این زلت را موهبت عظیمه ذری
 و این مصیبت را شادمانی بی پایان در عقب این تلخی را
 حلاوت حقیقی معدن و این ستم قاتل را در یاق اعظم مقدّر
 عنقریب تلافی جمیع این آلام و محن در ملکوت تقدیس که

منزه از ادراك نفوس است خواهد شد هر تیری را تأثیر
 صد هزار عنایت جمال منیر و هر کاس تلخی را صد هزار دریا^ی
 حلاوت اثر بی نظیر فسوف ترین ثمرات هذه البلیا فی
 الملكوت الالهی لعمر الله هذا حق معلوم بمثل ما انتم
 تنطقون جناب آقا میرزا مهدی علیه بهاء الله تکبیر پرتا^{ند}
 و همچنین ورقه زکیتة امة الله صغری خانم را و البهاء علیه
 علیه و علیها و علی کل امة آمنت بالله المہمین القیوم ع

هُوَ اللهُ

ای ورقه محترمه از اماء الله سابقی که در ایمان سبقت
 یافتی و جمال قدم را شناختی و حصن حصین محبت الله را
 مسکن و مأوی ساختی و بشرف حضور نیر آفاق در عراق فائز
 گشتی نظر عنایت با تو است محزون مباش لحظات عین رحما^{نت}
 شامل تو مغموم مگرد همیشه در نظرستی و پیش بصرستی
 نور دیدگانت در محفل پدر بزرگوارند و در پناه حضرت
 پروردگار در بحر غفران مستغرقند و بانواع الطاف مستحق

و از فضل خداوند مهربان میطلبیم که تو نیز مانند ایشان
 بلحاظ عنایت حضرت یزدان ملحوظ گردی و بعد از صعود
 از عالم امکان در جوار رحمت رحمن منزل و مأوی جوئی
 الطاف جمال الهی بعموم آن خاندان بی پایان است
 مطمئن باش که جمیع مورد احسان آن دلبر مهربان ^{هند} خوا
 بود و عليك التحيّة والثناء ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه محترمه از صعود من ادرك لقاء ربه محزون و
 پریشان مباش و آه و فغان منما زیرا امید داریم که کل
 بفضل و عنایت اسم اعظم در آن محفل نورانی و مجمع رحمتنا
 بزم تجلی مجتمع شویم در خصوص رسم معطر آن مقرب
 درگاه کبریا مرقوم نموده بودید محزون مباش باحسن طراز
 بناء و تعمیر خواهد گشت آنچه از قلم میثاق صادر یقین بدان
 محقق و ظاهر خواهد شد و بعد از بنیان عبارت حجر قبر
 ارسال خواهد شد در خصوص مدرسه بنات مرقوم نمود

بودید آنچه از پیش مرقوم شده است همان حق است تا
 روشنگران در مکاتب و مدارس عرفان تربیت نشوند
 و تعلم علوم و معارف ننمایند و تحصیل بدایع و صنایع لازمه
 نکنند و بتربیت الهیه تربیت نشوند حال انتظام نیابد زیرا
 روزی آید که این بنات امهات گردند و اول مربی اطفال
 امهاتند که تا سیس فضائل در طینت کودکان نمایند و
 تشویق و تحصیل بکالات نمایند و آداب انسانی بیاموزند
 و از رذائل تحذیر نمایند و بعزم و ثبات و تحمل مشقات و
 تحصیل ترقیات تشویق نمایند لهذا باید نهایت اهتمام
 در تربیت بنات کرد این مسئله بسیار مهم است و باید در
 تحت اداره محفل روحانی ترتیب و تنظیم یابد حضرت ایاری
 ابن ابهر و دکتر موری در خصوصات مدارس مرقوم نمود
 بودند جواب مکمل ارسال شد و البته تا بحال رسیده کنیزان
 عزیز الهی البته در ترویج مدارس بنات نهایت همت رامند و
 خواهند داشت و این همت در ملکوت الهی سزاوار هزار
 تحسین است و عليك البهاء الألهی ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه محترمه الحمد لله از دست ساقی عنایت صهبای
 هدایت نوشیدی و از افق احدیت اشراق شمس حقیقت
 مشاهده نمودی سر مست باره عرفانی و ثابت بر عهد و
 پیمان خدماتت در درگاه رب قدیم ثابت و سلیل جلیلت
 راسخ و قویم و نابت هرگز فراموش نکرده بلکه آن بان
 بیشتر بخاطر آید و مانند نجم زاهر با هرگز در حمد کن خدایا
 که چنین سلیل جلیلی عنایت فرمود و ترا مفتخر و مباحی کرد
 در مردم شکرانه‌ئی لازم و ترانه‌ئی در محامد و نعوت رب
 الملکوت واجب و عليك التحيّة والشانّع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه محترمه امة الله المطمئنه در مجمع اماء رحمان
 چنان ترتیلی کن که کل را منجذب دلبر مهربان کنی و آشفته
 آن مه تابان فرمائی خدمت ایتام شهداء سلطنت دوجهاست

وسبب موهبت دل و جان الحمد لله بآن قیام نموده و خواهی
 نمود ستایش پاک یزدان نما که ترا باین موهبت عظمی
 موقوف فرمود و عليك التحية والثناء ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای ورقه مطرزه صد هزار آما که سالهای بیشمار با انواع
 مشقات عبارات قیام نمودند و بدرگاه احدیت عجز و نیاز
 آوردند و گریه و زاری فرمودند که بآنی از این آیام فائز شوند
 و لمعه نوری از شعله طور مشاهده نمایند عاقبت در
 صحرای حرمان جان دادند و در قربانگاه عشق مجسوت
 تمام فدا شدند و تو زحمتی نکشیده و مشقتی تحمل ننموده
 و تعب عبارتی ندیده محض فضل و جور باین احسان مالک
 غیب شهور رسیدی و آیام الله را ادراک نمودی و برحمت و عنایت
 بی منتهی رسیدی و البهاء عليك ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه مطمته جام صفارا از باره و قال بریز نما و بعشق

خداوند عزیز سر مست شو و شورانگیز گور و بنفحات رحمن
 مشکبیز شو و عقل و تمیز بخش جناب فرج الله را بتفرج
 در گلشن الهی دلالت نما و جناب عزت الله را بعزت قدس
 هدایت کن و جناب نصر الله را بنصرت ملا اعلیٰ مژده ده
 و عليك التحية والثناء ع

هَوُا لِّلّٰهِ

ای ورقه مطمئنہ چون در جهان حوارث و اخبار و تاریخ
 قرون و دهور و اعصار نگر ای اعظم وقایع و آثار در ممر
 اعصار از جنس نساء صادر و ظاهر ولی بعضی مظاهر آیات
 کبریٰ بودند و بعضی اسیر سطوت نفس و هوای یکی
 سبب حیات ابدی جهان و جهانیان شد و دیگری سبب
 مہمات سرمدی بیچارگان پس معلوم شد کہ این مادہ
 مؤید بقوۃ قاهرہ و نفوذ و قدرت کاملہ است ولی تا این
 قوت و قدرت را در چہ موردی صرف نماید اگر در سبیل
 الہی و انجذاب رحمانی صرف نماید حقیقت نورانیہ

آیه الله الکبریٰ مشهور گردد و اگر در وساوس شیطانی
 صرف نماید آنه من کید کن آن کید کن عظیم رخ گشاید
 پس از خدا بخواه که مظهر آیت کبریٰ گردی و مطلع موهبت
 عظمیٰ والبهاء علیک ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه مطمئه در این کور الهی و دوره رحمانی هیاکل
 انسانی از قید زکور و انانی فارغ هر یک راهمت بیشتر قدم
 پیشتر و مقام بالاتر بسا مردان که در پس پرده ماندند و
 بسا زنان که شیران میدان گشتند تو که منتسب آن بند
 مقرب درگاه کبریا هستی و ضلع و ضمیمع آن جوهر اصفا چون
 رجال حرب بغزی ثابت و خومی رابط و قوتی قلبیه و قدرتی روحیه
 بر پیمان و ایمان و عهد و میثاق خدا ساثر اما را ثابت کن ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای ورقه مطمئه ذکر در آستان مبارک مذکور و معروف

و مشهور و نعت در السن و افواه اماء رحمن موجود از
 فضل بی منتهی ممنون و محظوظ باش که چنین عنایتی در حق
 تو شده که در چنین آستانی مذکوری و در چنین درگاهی
 معروف قسم بمرتبی وجود که حوریات جنت خلود آرزوی
 چنین لطف و احسان می نمایند و البهَاء علیک و علی کل
 متمسک بالعرۃ الوثقی عبدالبهاء ع

هو الاهی

ای ورقه مطمئنہ راضیه مرضیه شکر کن حضرت یزدانرا
 که در یوم ظهور مکلم طور موجود بودی و لمعه نور و شعله
 سیناء ظهور را مشاهده کردی صد هزار گرو را ماء در
 کمال حسرت باین آرزو جان دارند و توفائز گشتی و صد
 هزار عقائل قبائل در تمنای این جان نثار نمودند و تو
 فائز گشتی ای مادر شکر کن خدا را که چنین پسر تو عنایت
 فرمود که از محبت الہی گریبانی چاک دارد و از فیض نامتناهی
 دلی روشن و پاک هنیئالک وله هذه الکأس الطافحة

بجز محبت الله باری جمیع اماء آن ارض را بابدع از کار تکبیر
برسانید و بگوئید ای اماء الله هنگام تخلق با خلاقیت که
نفحات قدس از آن استشمام گردد و راحه طیبه تقدیس
اکبر استنشاق گردد **والبهاء علیک ع ع**

هُوَ اللهُ

ای ورقه مطمئنه شکر حضرت ربّ جلیل را که در ظلّ
سدره عنایت مستظل گشتی و بنسائم حدائق موهبت
مستانس توجه بملکوت البهی داری و تشبث بذیل ثابید
جمال کبریاء باری از امائی باش که چون جبل را سخ بر عهد
ثابتند و بعروء و ثقی متمسک **والبهاء علیک ع ع**

هُوَ الْبُهَى

ای ورقه مطمئنه قدسیه الحمد لله آن خانمان در پناه
حضرت یزدانند و آن دودمان جنود رحمان پر تو عنایت
آن جمع را شامل است و لحاظ عین رحمانیت ناظر در ظلّ

الطافند و مستحق اعطاف بر عهد و پیمان ثابتند و در
 امر الله را سخ در افاق اعلی مذکورند و در ملکوت ابهی
 مشهور و در نزد احبباء الله مشکور و محفلشان بنور پیمان
 روشن و مجلسشان غبطه هراجنمن بذکر خدا مشغولند
 و بخدمت امر الله معروف طوبی لتلك الام و طوبی
 لا نجالها و طوبی لکرائمها و طوبی لاصهارها و احفادها
 و اسباطها و البهآء علیها فی کل الاحیان ع

هُوَ اللهُ

ای ورقه مطمئنه مجذبه تحریر بلیغ و مسطور فصیح رسید
 معانی دلالت بر استغراق در بحر محبت الله می نمود و مضامین
 برهان ثبوت بر امر نور مبین الحمد لله گریبان بمحبت
 الله دریدی و بمقصود روحانیان رسیدی و مانند شمع
 بنور عرفان درخشیدی ولی باید چنان بر افروزی و چنان
 شعله زنی که اصفهان را آتشکده دل و جان نمائی و بنار
 مؤصده مانند کوه آتشیار نمائی و قلوب خامده جامده را

بفوران آری و لیس هذا علی فضل ربک بعزیز ای محتر^{مه}
 آرزوی خدمت اماء رحمن و دوستان نموده بودی این
 نیت بسیار مبارک است و سبب فیض و برکت امیدوارم
 که بآن موفق گردی بامه الله المحترمه و الدة مطمئنه
 تحت ابدع الهی از قبل عبد البهاء برسان و امیدوارم
 که قرین همنشین زوج محترم امین و نازنین گردد و در درگاه
 احدیت مقبول نور مبین شود و عليك البهاء الالهی ع ع

هُوَ اللهُ

ای ورقه مطمئنه نجات جنت الهی در هبوب و مرور است
 و نسائم روضه مقدسه مطاف ملاء علی قلوب راجان بخشد
 و نفوس راحیات ابدیه مبذول دارد پس در فکر آن باش که
 باین زندگی باقی رسی ع ع

هُوَ اللهُ

ای ورقه مطهره آنچه نکاشتی ملاحظه گردید تقریر بدیع بود

و تخیر بر لطیف مرا مقصد چنان بود که شمارا مخصوصاً بخواهم
ولی در طهران در این اوان وجود شما لازم و واجب تا بخدمت
امرا لله پردازید و اماء رحمن را مجتمع نمائید و بذکر حضرت
مقصود مشغول شوید انجمن روحانی بیارائید و حقیقت
تنبه و تضرع بنمائید و ورقات ثابتہ را بنهایت محبت بنوا^{زید}
سبب اجتماع شوید و باعث اتحاد و اتفاق امروز از منتسبین
در گاہ الہی ہر یک بخدمت پردازد عون و عنایت ببیند
و تأیید و موہبت جوید زیرا مغناطیس جاذب توفیقات
صمدانیہ اینست لهذا این را از برای تو خواستم و حال صبرنا
و والدہ محترمہ و ورقہ موقنہ و ہم شیرہ مطمئنہ و ساثر ورقا
راضیہ مرضیہ را از قبل عبد البہاء تحیت و ثنا برسان نہا^ل
بوستان محبت الله عبد المحسن را دروگونہ مصافحہ نما از
خدا خواهم کہ نازنین پسر دلنشین باشد و در این امر عظیم خادم
رزین رضین و علیک التحیۃ و الشاء ع ع
هو الله جناب قاسمید نصر الله و سایر منسوبان کلاً و طراً را تحیت برسان
آنان را مشتاق دیداریم و در اشتیاق بی اختیار ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه مقربہ نہ بگلی باجی رہ و نہ بھیج سلطان
 خراجی الحمد لله گل محبت الله در گلشن تو شکفته و جناب
 امین یک بهشت برین است خوش رو و خوشخو و دلجو و مشکین
 بوست شکر کن خدا را کہ چنین گلستانی پر گل مفت و رایگان
 بدست آوردی هنيئاً لك و مريئاً فسبحي باسم ربك بكرة
 وعشيا و عليك بهاء الله الألهي ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه منتسبه گوهر را جوهر باید و لؤلؤ را لمعان شاید
 چون گوهر صدف الطافی باید در نهایت لطافت و لمعان جلو
 نمائی لمعان این گوهر محبت للهست معرفت للهست هدايت اللهست
 جذبه الهیست رنة ملكوتیست آتش عشق حق است
 و سرگشتگی در بیابان اشتیاق امید چنین است کہ بجمع
 این اوصاف موفق گردی و عليك التحية والثناء ع

هُوَ الْإِبْهِيُّ

امه البهَاء علویه خانم حرم شهید مجید را از قبَل
 عبد البهَاء تحیت و ثنا برسان و بگو همواره در نظری و پیش
 بصری از جمال قدیم در حق توفضل جدید میطلبیم که
 بقوّه شدیده موفق و مؤید و منصور گردی و از بحر
 عطا بهره موفوریابی ع ع هُوَ اللهُ

ای ورقه موقنه الحمد لله از بدایت حیات هدایت یافتی
 و جمیع خویش و پیوند را در ظل حضرت احدیت عزیز و
 ارجمند مشاهده نمودی همواره نظر عنایت شامل بود
 و لطف و مرحمت حضرت احدیت کامل مورد الطاف بودی
 و مظهر اسعاف و مطلع رحمت حضرت بدیع الاوصاف
 امیدوارم که تو و اولاد همواره بعون و عنایت رب الالطاف
 ثابت و راسخ باشید و بر امر مستقیم مانند تا خاتمه المطاف
 فائز الالطاف گردد و عليك التحية والثناء ع ع

هو الاهی

ای ورقه موقنه بآیات الله حمد کن خدا را که در ظل
 سدره منتهی وارد گشتی و از اثمار شجره ایقان مرزوق
 شدی و در بحر غفران در آمدی و قطع مراحل نمودی
 تا بساحت اقدس فائز گشتی و بسمع خود نضاح الہیہ استماع
 کردی و روش و سلوک حق دیدی و امواج قلزم عنایت
 مشاهده نمودی حال بخلوص نیت و جوهر فطرت بر امر
 الہی ثابت و راسخ باش و بعهد و پیمان ربانی متمسک گنا
 عهد بنحوان و پیمان و ایمان حق را تفکر و تخطر کن این
 عهد عهد و شیق است و این میثاق میثاق غلیظ در جمیع
 اعصار و اوار و ارمظاهر مقدسه چنین عهدی سبقت
 نیافته و مماثل نداشته این عهدیست که شمس حقیقت
 الوہیت بذاتہ از حقائق مقدسه و جواهر وجود ذرات
 ممکنات گرفته و حکمش چون روح الہی در ہویت ایجاد
 نافذ و جاری و ساری فسوف تسمعون نغمات ہذا

العهد وتشمين نفحات هذا الميثاق من الملائم الأعلى و
 الجبروت الألهي عند ذلك يرتفع منك الضجيج وتقولين
 سبحان من اخذ هذا العهد الشديد سبحان من اخذ
 هذا الميثاق الغليظ سبحان من عقد هذا اللواء المعقود
 سبحان من مدهذا الظل الممدود سبحان من اقام هذا الشاهد
 المشهور ع ع اشعاريكه از حنجر احتراق در فراق محبوب
 آفاق انشا نموده بودید در حرم مکرراً قرائت شد و جميع
 ورقات سرادق عزت بذكر و نعت آن ورقه لسان گشورند
 ع ع

هو الله

ای ورقه موقنه تمنائی که از امة الله ورقه طیبه مجاوره
 والده حضرت اسم الله علیه وعلیها بهاء الله الالهی نمود
 بودید مذکور نمودند شکر کنید حتی قیوم را که چنین شفیعه
 دارید و این عبد بکمال ابتهال از حضرت ذوالجلال استدعا
 می نماید که با عظم آمال رجال فائز شوی و در انجمن ورقات
 حدائق عرفان چون نور ساطع لامع گردی این فیض شدید

وفوز عظیم محبت جمال مبین است و ثبوت قوی بر میثاق
 غلیظ رب کریم ربّ ثبت قلوب امانك المقدسات علی
 عهدك وميثاقك والبهاء علیك وعلی كل امة رسخت
 قدماہ علی هذا العهد العظیم ع ع

هُوَ الْبُهَى

ای ورقه موقنه حلاوت و شیرینی حقیقی در هدایت و
 دلنشینی معنویست هر حلاوتی عاقبتش مرارت است
 و هر شیرینی پایانش تلخی مگر حلاوت هدایت الله که
 بتعاقب ازمان و تکرر جدیدان بیفزاید و سورت و حد
 بیشتر شود و کام و مذاق را شیرینتر کند پس بکوش تا
 این حلاوت در کینونتت تأثیر نماید و مذاق طالبان از
 اماء الرحمن شیرین گردد ع ع

هُوَ الْبُهَى

ای ورقه موقنه در این بساط امانی مقرب که شب و روز

بذکر حضرت دوست مشغولند و بیاد جمال محبوب مآلوف
 حمد کن حضرت قیوم را که بذکر جمال قدم دلشادی و بیاد
 اسم اعظم در نهایت مسرت و نورانیت فواد پس تا توانی
 در این مقام بکوش تا روز بروز مقرر بترگردی ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای ورقه موقنه در ظل کلمه بجزبه مبعوث گرد که شمع
 نورانی مجامع روحانی اماء الرحمن گردی و مرغ چمنستان
 عرفان شوی وقت غنیمت است این فرصت از دست مده
 توجه بملکوت غیب الاهی نما و تعلق بنفحات عابقه از ریاض
 عرفان جمال اعلیٰ شب و روز در تبتل باش و در مادم در
 تضرع و ترتیل مناجات صبحدم از الطاف حضرت مقصود
 سائل و طالبیم که اماء الله آن ارض را بنسیم جان بخش عنایت
 زنده فرماید و بر آنچه سزاوار این قرنت موفق دارد ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه موقنه در کور مسیحائی و دور عیسوی بعد از

صعود روح وجود بمقام محمود جمیع یاران و درستان پیشانی
 شدند مگر امه ای از اماء رحمن که نام مبارکش مریم مجدلیه
 بود و مجدل دهکده حقیری است در ساحل دریای طبری
 سبحان الله این ورقه با وجود آنکه اهل مقنعه و دهکده بود
 به چنان روح تأییدی موفق گردید که مشاهیر رجال عاجز
 کردند و سبب ثبوت و رسوخ و استقامت و سکون جمیع
 موحدین گردید و تا بحال قدر و منزلت این ورقه مستور
 حال واضح و مشهور گردید این رتبه الجمال بقوتی ظاهر
 شد که سرور ابطال رجال گردید پس شما ای ورقات
 از خدا بخواهید که در این دوره اعظم چنان موفق شوید
 که طنین آن توفیق در ایوان عالم بلند شود و بملکوت رسد
 ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه موقنه در هر صبحگاهی فیوضات نامتناهی طلب و
 در هر مسائی انوار تائید رحمانی بخواه تا کاشانه دلت همیشه رشک
 ایوان کیوان گردد و محفل قلبت مشکاة مصباح رحمن و این

فضل مختص با ماء ثابتة بر پیمان ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه موقنه شاخ و برگ هر شجری برشحات سحاب ترو
تازه گردد و سبز و خرم شود اما ورقات جنت الہی بفیض
غمام کبریا طراوت و لطافت بی منتهی یابد ابر بهاری و
فیض نیسانی چنان در فیضانست که دشت گلگشت گشته
و صحرا جنت الہی شده تا توانی بکوش که در نهایت نضارت
روحانیه و لطافت وجدانیه و طراوت نورانیه در عالم وجود
و عرصه شہور جلوہ نمائی و از نسیم حدیقه میثاق باہتزاز
آئی و عليك التحيّة والثناء ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای ورقه موقنه شمع اگر جمع را روشن نماید پرتو ملکوت
آفاق را منور فرماید یعنی فیضی از فیوضات جمال قدم
چون در حقیقتی جلوہ نماید امکان را بحرکت آرد و آفاق را

فرح و مسرت بخشد در فجر ابداع چنان جلوه نماید که
نور ابدی گردد ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه موقنه مکتوب شمارسید مضمون مفهوم
و معلوم گردید از خدا میطلبیم امان الرحمن را بر لوازم یوم
میشاق و نتائج محبت نیر آفاق موفق فرماید در هیچ وقت
از تضرع و ابتهال بدرگاه ذوالجلال فراغتی نه که ای پروردگار
کنیزان را قوه تمیز بخش و امان را مطلع آثار تقدیس کن
قلوب را بمحبت ما نوس کن و ارواح را بموهبت ما لوف
کل ساجد تواند و ناظر بتو ولی آفتاب تأییدت بر هر سری
پر تو افکند حقیقت تنزیه شور و از آیات توحید گردد باری
فراموش نشده و نخواهی شد انشاء الله بآنچه سزاوار الیوست
موفق گردی و البهَاء علیک ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای ورقه موقنه نعمت الهیه متنوع جسمانی و روحانی

جسمانی را بقاء نه روحانی پایدار حال ملاحظه نما که
 چه نعم الهیه و آلاء رحمانیه بتو عنایت شده است اعظم
 نعماء عرفان حق محبت جمال مبارک و مقارنت با نفسی
 که مجمر نار محبت الله این فضل عظیم است وجود مبین
 ع ع

هُوَ اللهُ

ای ورقه موقنه نظر عنایت متوجه اماء رحمن است و
 سایه رحمت افکنده برفرق کنیزان یزدان ابرآزار است
 که درفشانست و باران نیسان حضرت سبحانست که
 متتابع در فیضان است هر یک از اماء الله عطش بیشتر
 نصیبش او فرتراست ذلك من فضل الله یؤتیه من یشاء
 ع ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای ورقه مؤمنه اگر از الطاف خفیه الهیه که در ملکوت الاهی
 در حق اماء الرحمن مقدر شده است خبرگیری قسم بجمال قدم
 که از شدت وجد پرواز نمائی و قد علم کنی و فریاد بر آری

طوبی لأماء الرحمن اللائی فون بهذا الفضل عظیم والبهاء

علیک ع ع

هو الاهی

ای ورقه مؤمنه الطاف جمال قدم در این کورد رحق
 اماء الرحمن عظیم است عظیم فاستخیری ما تریدین
 من فضل ربک الرحمن الرحیم قسم بآن نیرافق تقدیس
 که اگر الیوم نفسی بر اشعال نار محبت الله در قلوب اقدام
 نماید خواه زکورد و خواه اناث عون و نصرت الہیہ از جمع
 جهات احاطه نماید بقسمی که خور او حیران ماند والبهاء

علیک ع ع

هو الله

ای ورقه منجذبه اقتران جدید سبب سرور شدید گردد
 و این جشن و سورا ز برای کل وجد و حبور بود زیرا دوسرا
 دریک زجاج بر افروخت و دو کوب دریک برج اجتماع

نمود دومرغ سحر در ریک لانه آشیانه فرمود این دلیل فضل
 وجود خداوند یگانه است که چنین فیضی شامل و چنین فضلی
 کامل کرد و علیکما البهَاء الألهی ع ع

هو الألهی

ای ورقه منجذبه این قدر بدان که در حیز وجود از غیب
 و شهود از برای رجال مقامی ارفع و رتبه ارفع و از برای نساء
 موهبتی اکبر و شأنی اعظم از عبودیت و رقیّت و بندگی و
 کنیزی جمال قدم نبوده و نیست و ان هذا هو المسجد
 الأقطبی والتدرّة المنتهی والغایة القصوی لجواهر الوجود
 وحقائق الغیب والشهور طوبی للمستبشرین بهذه البشارة
 العظمی اذا نادیني يا عبد البهَاء حتی ینشرح به صدری وتقربه
 عینی ویطمئن فؤادی وینفرح روحی والبهَاء
 علیک وعلی کل ثابت علی میثاق الله
 عبد البهَاء ع

هو الله

ای ورقه منجذبه بنفحات الله نامهات قرائت گردید و در نهایت حزن و حسرت تلاوت شد تأثیر شدید نمود و آتشی در دل افروخت فی الحقیقه مظلومی و در راه خدا هدف تیر بلا و مطعون بسهم جفا هر مظلومی بر مظلومی تو گریه نماید و هر محزونی بر حزن تو ناله و انین آغاز کند آنچه فریاد و فغان نمائی حق داری و اگر بدقت نظر فرمائی مظلوم راه بهائی و مصیبت زده در سبیل آن دلبر بهمتا لذا صبر و تحمل نما گریه مکن مویه منما ملا اعلی از حزن تو محزونند و اماء حضرت یزدان بر مصیبت تو ^{لحزون} این ایام بسر آید امید وارم که اسباب خوشی فراهم آید هیچ وقت فراموش نشوی و از خاطر نیروی دم بدم بیاد افتم و از برایت فضل و رحمت حضرت پروردگار طلبم اشعار در نهایت فصاحت و بلاغت بود و مضمون بسیا ملیح و دلنشین حقا که خواهر و رقاء مهر پروری

وهمشیره آن ناظم دُر و گهر امیدوارم که در جهان ملگوت
 شادمان شوی و یقین است که کامران گوردی اطفال
 را از قبیل من بنواز بنهایت مهر بانی رضوانیه کاتبه حروف
 را برضوان الهی بشارت ده آقا میرزا حبیب الله را بحبت
 الله مؤرده بخش میرزا وجیه الله بابتوجه بحق مألوف کن
 امة الله فرح انگیز بسیار عزیز است ^{جیه} بیتی که میرزا و
 الله گفته بسیار شیرین بود و عليك التحية والثناء ع

هو الاهی

ای ورقه منجذبه روحانیه چون بلبل گلشن ملکوت اعلی
 بستایش جمال الاهی نطق بگشا و ترتیل آیات توحید نما
 و چون ورقاء حدیقه وفا آغاز نغمه و آواز کن و تغرید
 بر شاخسار تغرید نما وقت آهنگ ملکوتیست و زمان
 بانک عبودیت آستان مقدس حضرت ابهاست
 چرا ساکتی و صامت نغمه بزنی فریاد بر آرنغمه بخوان
 زخمه با و تارزن آهنگ ستایش جمال قدم بلند کن

و فریاد عبودیت عبدالبهاء بر آرزایانها را زنده کن دلها را
 تروتازه نما چشم ثابتان را روشن کن جان ناقضان را گلخن
 نما جمیع اماء را بشور و وله آر و کل و رقات را بوجد و طرب
 انداز تا از الطاف جمال قدم بسرور و حبور آیند و مظهر
 الطاف مجلی طور گردند ع ع

هوا لاهی

ای ورقه منجذبه در هر نفسی صد هزار شکر بدرگاه آیت
 نما که آن خانواده و جمیع اقرباء در این طوفان امتحان افتاد
 در سفینه پیمان محفوظ و مصون ماندند قسم بجمال قدم
 که این فضل اعظم چون نجم انور از مطلع آمال لایح و ساطع
 و تا ابد الابد در اوج جمال لامع پس کل باید زبان بشکرانه
 گشاید تا این نهر بحر گردد و این نجم بدر شود و بتأید جمال
 الهی روحی له الفدا در این قرن آیات کبریٰ گردید و البهاء
 علی تلك السلالة الثابتة الراسحة علی

میشاق الله المهین القیوم ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه منجذبه گمان منما که فراموش کردی همیشه در
 نظری از الطاف حضرت مقصود چنین مرجو و مأمول
 که دائماً در نهایت فرح و سرور باشی و محظوظ و مشغوف
 مانی و مشغوف و مجذوب ایام بگذرانی و مورد الطاف
 بی پایان شوی و عليك التحيّة والشّاع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه مهتدیّه امة البها مرقوم نموده که از کاس هدّی
 سرمستید و از باده الست در نهایت نشئه و نشاط حضرت
 ورقه علیا در نهایت بشاشت و مسرت آن نامه را آورده
 و خندان گفت که این ورقه تصدیق نموده و میگویند از
 منتسبین است و امیدوار بفضل و عنایت
 جمال مبارک که جمیع منتسبین در سایه
 شجره مبارکه در آیند ع ع

هوالبھی

ای ورقه مهتره از نجات ریاض آنچه مرقوم نموده بودی
 ملاحظه گردید دلیل ثبوت بود و برهان رسوخ ولی این
 ثبوت و رسوخ باید مؤید و مشفع برضاء باشد رضای این عبد
 بهاء از شما وقتی کامل گردد که ناطق بعبودیت محضه من در
 آستان جمال البھی گردی و دلائل و براهین اقامه نمائی
 و فریاد یا عبد البهآء و یارقیق البهآء بر آری بجمال مقدس
 قسم است که هیچ نامی و ندائی در مذاق روح و جان چون
 این نام شیرین و پر حلاوت نه من عبد بهایم تو نیز امة
 البهآء باش و از خدا بجواه و دعا کن که هر دو بخدمت موفق
 گردیم اینست عزت ابدیه اینست مفخرت سرمدیه اینست
 اکلیل اعظم اینست تاج سر هر ملک الملوک معظم چه مقامی
 اعظم از عبودیت آستانش جوئیم و چه شانی اکبر از بندگی
 درگاهش خواهیم تا توانی در این بکوش و بجوش و بجروش
 این میثاق میثاق عبودیت است و این عهد عهد بندگی حضرت

احدیّت باری اذن حضورداری ولی دربین راه باید عبودیت این عبد را
 ناطق گردی وکلّ امّاء را از این نفحه معطره مشام معنبرنمائی تا نظر عنایت
 در حق تو کامل گردد و تأیید ملکوت را از هر جهت مشاهده نمائی حال
 آنچه من میگویم بکن و ملاحظه تأیید نما جناب آقا سید صادق را تکبیر
 ابداع الهی ابلاغ نما سید ع ع فی الحقیقه در امور جناب آقا میرزا جلا
 باز ماندگان حضرت سلطان الشهداء خیلی زحمت کشیدید بسیار
 همت نمودید البتّه این خدمت در درگاه الهی مقبول است ع ع

هُوَالْاِلهِی

ای ورقه مهتره بنسائم محبت محبوب عالمیان جناب ابن اصدق
 علیه بهاء الله الایهی حاضر و بجهت عباد الرحمن و امّاء الله هر یک
 مکتوب مخصوصی خواهش دارند و من نیز نهایت روح و ریحان را
 بذکر موقنین بالله میدانم و چون بذکرشان مشغول شوم ظلمت چاه
 چون اوج ماه گردد و مشقت کبریٰ راحت جان و وجدان شود
 چون نامشان را بزبان رانم چون بربط و عود و نوای مزامیر
 آل داود مطرب و مُنْعَش یا بسم و چون از خلق

و خویشان دم زخم مشام را معطر بینم و چون بیاد و ذکر گشای
 مشغول شوم گشایش و سعت گلشن یابم و وسعت گلزار
 و چمن بینم و لکن مشغولیت بدرجهئی موجود که امور
 چون دریا موج زند با وجود این بذکر عباد الله و اماء
 الرحمن مشغول شدیم و از صبح تا حال که شامست ^{بسم} مینویسم
 در روضه مطهره بالنیابه از آن امة الله با احباب زیارت شد و
 در خارج چای صرف گشت ع ع

هو الاهی

ای ورقه مهتره بنسیم محبت الله در این صبح که صباح
 فیوضات رحمانیه از ملکوت الاهی و جبروت غیب آفاق
 ممالک ایجاد را روشن و منیر نموده این عبد ضعیف در گاه
 جمال مبارک قلم برداشته و بذکر آن ورقه زکیته پرداخته
 که باین وسیله سروری بر قلب آن امة الله وارد گردد
 باری اگر صد هزار دهان بگشائی و بصد هزار لسان بر
 شاخسار شکر حضرت رحمن سوائی از عهده شکر این

فضل بی پایان یزدان بر نیائی که در آستانه او مذکوری
 و در انجمن دوستان و بندگان او مشهور و البهَاء علیک
 ع ع

هُوَ اللهُ

ای ورقه مهتره بنفحات الله شکر حضرت رب قیوم را
 که از موهوم رستی و در ظل عنایت جمال الاهی حضرت
 معلوم در آمدی رؤیای صادقه دیدی و عبد البهارا
 مشاهده نمودی و بخدمت امر الله قیام کردی قدر این
 موهبت بدان و تا جان در بدنت شکرانه نما و علیک
 البهَاء الاهی ع ع

اللَّهُ أَجْبَى

ای ورقه ناطقه حضرت نیر و سیناء دو مرغ خوش الحان
 مرغزار و فاد در حدائق محامد و نعوت با بدع الحان در تو نم
 و تغنی مشغول و تو نیز اُخت آن دو نجم افق محبت الله هستی
 و این را ثابت نمودی از عنایت جمال قدم امیدوارم

که چنان تأیید رسد که طوطی شکر شکن هند تسبیح و
تهلیل شوی و در ستایش و محامد و نعوت حق فصاحت
و بلاغت را ادا نمائی و البهَاء علیک ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه ناطقه حمد خدا را که قدرت الهیه را بعین
رأس مشاهده نموری و آیات باهرات عزت قدیمه للهیه
را ملاحظه کردی که اعناق کل طوائف خاضع و خاشع و رقبا
کل قبائل ذلیل و متواضع و نور کلمه چگونه آفاق وجود
را روشن نموده و قوه نافذه چگونه ارکان عالم را بمرکت
آورده با وجود این بعضی کوران در پس پرده احتجاب
افتادند و بعضی نادانان با وهام در خیال خویش پرداخته
اند که ممکن است که آثار جمال مبارک مفقود گردد و انوار
تقدیس ذات مقدس مستور ماند فباطل ما هم نظنون
تو چشم بگشا و مشاهده آیات کبرنی کن و دست نیاز بساحت
بی نیاز بلند نما و طلب موهبت عظمی نما و بر عهد الهی ثابت باش ع

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای ورقه نضرة زکّیه در این عصر جدید و قرن بدیع
 که مواهب حضرت محبوب یکتا چون شمس بقادر کبد
 سماء ظاهر و آشکار است اماء جمال کبریاء باید از بحر
 اعظم اغتراف نمایند و از الطاف ربّ اکرم اقرار
 کنند دل بمحبوب قدم بندند و تعلق بملکوت الهی
 یابند از نار محبت الله چون شعله نورانی باشند و از
 نسائم موهبت الله رحمت رحمانی باشند آیت انجذاب
 گردند و سراج ذکر ربّ الارباب اماء ارض را نور هدایت
 باشند و ورقات آفاق را بشارت عنایت و الروح عليك
 وعلى اماء الرحمن ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه نوراء الحمد لله از سدره مقدسه روئیدی
 و از ابرمیشاق رحمت یافتی و در نهایت سبزی و خرمی

در ریاض الهی جلوه نمودی موقن بنیر آفاقی و مؤمن
 بحضرت مبشر نیر اشراق در ظل کلمه وحدانیتی و مشمول
 الطاف حضرت فردانیت این فضلی است که کنوز آسمان
 و زمین با و معارله نماید هر چند حال نمودار نیست
 و لکن عنقوب این دلبر حقیقت واضح و مشهور در
 انجمن عالم چهره گشاید و جلوه نماید در آندم و رقات
 مبارکه باین کلمه ناطق هذا الذی لم تُتَنَّبِ فیهِ و علیک البها
 ع

هُوَ اللَّهُ

تربیت نسوان اهم از تربیت رجال است زیرا نسوان
 چون تربیت یابند اطفال نیز در حیات روحانی نشوونما
 کنند از آنجمله مادری چون در تبلیغ امر الله بیان
 دلائل و براهین الهی آموزد جمیع اطفال خوش را نیز تربیت
 و تعلیم نماید پس باید انجمن تبلیغ نساء را اهمیت تامه
 داد تا بعنایت و صون و حمایت جمال الهی روحی لاجبائه
 الفدا اول محفل تبلیغ نساء در طهران تشکیل شود و

سوايت بساير جهات نمايد اين مطلب مهم است البته بايد محفل روحاني نهايت همت راد را اين قضيه بفرمايد مختصر مرقوم ميشود زيرا فرصت نيست معذور بداريد

وعليكم البهاء الالهي ع ع

هُوَ اللَّهُ

يا اماء الرحمن عليكن البهاء ولكن العزة الابدية في النشئة الاولى
والموهبة الترمديه في النشئة الاخرى بما اصطفى كن الله لخدمة امره
واعلاء كلمته بين الوري نهل من موهبة اعظم من هذا الورث

السموات العلى انها الهى جوهره تثلثاً على اكليل المجد على ممر

القرون والاعصار اى اماء رحمن از فرط سرور آهنگ

شكرانه بملكوت رب غفور بوسانيد كه الحمد لله در يوم ميثاق^ق

ثابت بوا مر نير آفا قيد وجانفشان در سبيل جمال الهى رب

الاشراق روحى لاحبائه الفداء اميد وارم كه آن محفل همواره

منور گردد و نفحات طيبة هدايت كبرى مشاهرا معطر نمايد

وعليكم البهاء الالهي از عدم فرصت مختصر مرقوم گرديد معذور داريد

هُوَ اللَّهُ

یا امة البهآء در مکاتبه اگر چنانچه فتوری حاصل آن
نه از قصور است بلکه از مشاغل موفور و یا آنکه در صحت
جسم عوارضی حاصل و الا ابدا گمان منما که آنی فواموش
شوی همیشه بیار توام و از عنایات اسم اعظم امیدم چنین
است که در آن اقلیم منشأ نضرع و ابتهال بافق مبین گردی
سبب ظهور نار محبت شوی و بقلوب نفخه محبت الله بدمی
اماء رحما نراجع کنی و محفل معرفت الله بیارائی و هریک را
نصیحت کنی و وصایای الهی تفهیم نمائی و آداب و رسوم
اهل حقیقت آموزی باری یاران الهی را تحت عبد البهآء
برسان و بر نشر نفعات الله تشویق نما و بر تبلیغ امر الله
مخربص کن زیرا ایام زندگانی بسر آید و ناکامی و کامرانی
هر دو نماند و حیات انسانی بی نتیجه گردد ملاحظه نما شد
که بعضی از نفوس محافظت خویش نمودند و از بیگانه
و خویش مکوم داشتند لسان بتبلیغ نگشوردند عاقبت

بی ثمر و اثر ماندند ولی نفوس دیگر در راه حق جانفشانی
 نمودند و به هدایت خلق لب گشورند و بوصایای الهی
 عمل نمودند آن نفوس در افق تقدیس مانند ستاره
 صبحگاهی رخسند و تابانند جناب آقا سید مهدی
 اخوی زاده راجحیت مشتاقانه برسان و عليك التحية والثناء
 ع ع

هو الله

یا امة البهَاء عنوانی اشرف از این نیایم تا ترا بآن خطاب
 نمایم الیوم اعظم موهبت الهیه و اشرف رتبه کالات
 انسانیه عبودیت درگاه احدیت و کنیزی آستان مقدس
 است این عبودیت اکلیل جلیل است و این کنیزی تاج
 و تاج الحمد لله تو باین عنوان مخاطبی و باین خطاب
 مشرف پس باید از هیچ بلا و سختی و صدمه و آفتی محزون
 نگردی دائماً در نهایت سرور و امجداب و فرح و انبساط
 با اماء رحمان محشور گردی و کل را شادمانی بخششی کامرانی
 دهی و بموهبت یزدانی دلالت فرمائی من از تو راضی و

خوشنود و بدرگاه احدیت بتضرع و زاری مألوف که آن
 امة البهَاء آیت هدای گردد و سبب نجات رجال و نساء شود
 جمیع یاران الهی را از قبل این زندانی تحت رحمانی ابلاغ دار
 و همچنین اماء روحانیرا و عليك البهَاء الالهی ع

هُوَ اللَّهُ

یا امة البهَاء مدتی است از شما خبری نمیرسد و عبد
 البهَاء در هو آن ذکر تو را نماید و در نذر و رفات مقدسه
 ستایش از تو کند که آن مظلومه هدف تیر جفاست و مورد
 بلا در سبیل بها از بدایت نشو و نما هر روز مبتلا بصدما
 اعدا و در این مدت فریادی نمود و آه و فغانی بلند نکرد
 شکوهی نمود بلکه بشکرانه خداوند یگانه زبان گشود که
 الحمد لله موفق باین بلایم و مؤید باین ابتلا این جام زهر
 هلاهل هر چند سرشار است ولی بمحبت دوست شیرین
 و گوارا باری مقصود این است که می فراموش نشوی و
 نفسی از خاطر نروی از خدا خواهم که در آن اقلیم یاران را

همدم و ندیم یکدیگر نمائی و کل را با اتحاد و اتفاق و محبت
 همراز و در مساز کنی تا از مؤانست و الفت بشور و وله آیند
 و وجد و طرب کنند و بر محبت و تعلق افزایند کوره هر چند
 پر آتش است ولی محتاج بدست تافضه و زهب را بگدازد
 و جسم جامد مایع گردد و رخ برافروزد حرکت محتاج بحرکت
 و از صبر و سکون هموم و غموم خیزد و افسردگی و پرمردگی
 حاصل گردد یا امة البهَاء سبب حرارت قلوب شو و التها
 و انجذاب نفوس تا کل بنا را الله الموقده برافروزند و بوجد
 و طرب آیند و نغمه و آهنگ بلند کنند ان ربك لهو الموثید
 الموفق العزیز الکریم جمیع یاران الهی را بکمال اشتیاق و آرزوی
 دل و جان تحت میرسانم و اما رحمان را تحت محترمانه برسان

ع ع

هو الله

یا امة البهَاء نامه شمار سید الحمد لله از گلشن معانی نفحه
 طیبه محبت الله استشمام گردید دلائل ثبوت و استقامت
 بر عهد و پیمان بود یا امة البهَاء الحمد لله ارواح و قلوب

بفضل و موهبت جمال مبارك در نهایت ارتباط و شوست
 لهذا فصلی ابدأ در میان نه بلکه الفت روحانی و مؤانست
 وجدانی رائم و مستمر و از الطاف حضرت بدیع الأوصاف
 استدعا می‌نمایم که همواره در کشف حفظ و حمایت حضرت
 احدیت محفوظ و مصون مانی و موفق بکنیزی جمال مبارك
 باشی و جمیع اماء رحمان را از قبل عبد البهاء تحیت ابدع
 الهی با نهایت مهربانی ابلاغ نما و بگو که در این دور نساء حکم
 رجال یافته اند بلکه در ممالک اروپا و امریک در تبلیغ امر الله
 و انجذاب بنفحات الله سبقت بر رجال جسته اند و باحبای
 روحانی ما فیروزک نهایت اشتیاق از این بنده نیز آفاق
 ابلاغ نما جمیع را بجان جوینم و بقلب و روان در نهایت
 اشتیاق شب و روز بعبته حضرت مقصود عجز و نیاز کنم تا
 آن نفوس مبارك تأییدات غیبیه از ملکوت الهی یا بندو
 با آنچه سزاوار و شایان این قرن عظیم و عصر کریم است موفق
 و مؤید شوند و عليك و عليهن و عليهم البهاء الالهی از
 عدم فرصت مختصر مرقوم گردید ع

هو الله

یا امة الله المهیمن القیوم فی الحقیقه چنان ناراشتیاق
از قلب آن مشتاق زبانه کشیده که اهل سوارق ملاء علی
را بجزع و فزع آورده و قلب عبد البهارا متاثر و محزون نمود
ولی حکمتهای بالغه الهیه بسیار البته در این موانع حکمتی
مکنون و پنهان ای ورقه نورا مطمئن باش که من تکفل
شرفیابی تو باستان مقدس می نمایم امیدوارم که در کمال
جذب و وله و سرور و حبور و خلوص و تقدیس بعون
رب قدیر بتقبیل عتبه مقدسه فائز گردی تعجیل منما
الأمور مرهونه باوقاتها رب و ملجئ و مهربی و مناصی
من هذه الورقة النوراء التي من سدره رحمانیتک فحفظک
و حمایتک و انعش قلبها بنفحات ریاض حدیثک
و احرسها بعین رعایتک و کلائتک
انک انت القوی القدير

هُوَ اللَّهُ

یا امة الله المهیمن القیوم مکتوب شما وصول یافت و
 احزان شما سبب تأثر شدید گشت نظر بملکوت اعلی کنید
 تا احزان روح و ریجان گردد و افسردگی و پشیمانی نشاط و
 انبساط و آزارگی و آسودگی شود در هر دم مذکوری و در
 خاطر موجود گمان منما که فراموش گردی استغفر الله
 فراغت از ذکر تو محالست همواره تضرع و جزع و مناجات بد^{گاه}
 احدیت در هویت قلب میفایم که با آنچه سزاوار این نسبت
 مبارکه بآن شهید مجید است موفق گردی لهذا دلشکسته
 مباش و در گوشه منشین امیدوار باش و مسرور که بچنین
 موهبت این نسبت موفق و مؤید گشتی باید جمیع اماء رحمن
 را منجذب و مشتعل و متذکر و متوجه و ناطق نمائی شمع
 انجمن کنیزان الهی گردی و قوه نابضه
 در شریان اماء رحمانی و علیک
 التحیه و الثناء ع

هُوَ الْأَجْبَى

يا امة الله الورقة الطيبة الزكية قد ذكرت اخاك الذى
سعى فى سبيل الله و اباك الذى انفق ماله و روحه و ذاته
و كينونته و حقيقته فى سبيل ربك الرحمن الرحيم و قام يدعوا
الناس الى الله و ينادى باسم الله و يصرخ فى البكاء قد
اقبل ملكوت الله و ظهر جبروت الله و تجلى لاهوت الله
و قطع البواري و الجبال و طوى الصحارى و البطاح و هو
متأجج و ملتهب بنا رعبت الله الى القى رحله بمحط نزل
ربك جوار رحمة الكبرى فاشكو الله ربك بما فزت و
ابتهلى اليه و تضرعى اليه ليجعلك آية الهدى بين الاماء
و شعلة نورا بين الورقات الطيبات الطاهرات و البهائم

عليك ع ع

*

هُوَ الْبِرُّ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ

ای امة الله ای امة البهَاء صبح هُدی چون از افق اعلیٰ
 طلوع نمود و شرق و غرب ابداع روشن گشت پرتوی نورانی
 در آن خاندان رحمانی انداخت ارکان آن بیت منور شد
 از بدایت تجلی هدایت در قلوب آن خانواده ظاهر و مشهور
 گردید و از یوم طلوع نقطه اولیٰ الی الآن در جمیع مراتب و
 مواقع آن جمع ثابت و راسخ بودند و الحمد لله بفضل وجود
 ملک وجود مستقیم بر امر الله و مقیم در گاه کبریا و ندیم ^{بیت}
 کبریٰ بودند پس مطمئن باش انشاء الله در ظل صون و حما
 و عون و عنایت جمال ابهائی و از جمیع امتحانات و افتانات محفوظ

و مصون رب احرس امتك هذا بعین

عنایتك و حفظك و کلائتک

انک انت الکریم

المحافظ المحارس القدیم ع

هُوَ الْإِبْهِيُّ

ای امة الله نامه ات در این مقام وارد و ملاحظه گردید
 تبّتل و تضرّع بود و توجه و تذکر الیوم عظمای رجال غافل
 و تو آگاه و علمای اقوام و ملل کور و تو بینا و با انتباه اقویا اضعف
 ضعفا گشتند و توانایان ناتوان شدند و امّاء رحمن مردمیدان
 این چه فضل است و این چه احسان منّت حی قیوم راسرا است
 که نساء را با قبایل فخر رجال فرمود و امّاء را بقوّت ایمان غالب
 بر ابطال میدان نطقی فصیح بخشید و بیانی بلیغ قلبی روش عطا
 فرمود و صدری ملهم جانی پر بشارت داد و وجدانی در نهایت لطافت
 و نورانیت له الفضل وله الجود له الأحسان علی کل موجود
 امة الله زهرا و امة الله فاطمة و امة الله راضیه را تکبیر ابدع الهی
 ابلاغ دارید و همچنین جناب سلیل علی اکبر و جناب آقا محمّدا
 از قبیل این عبد نهایت اشتیاق ابلاغ دارید بگوئید غم مخور ^{مجزو}
 مباش جمال قدم روحی لأحبّائه الفدّار از وطن و شهرها
 اخراج نمودند اگر من و شمارا نیز اخراج نمایند ضرری ندارد

تأسی بحضرت مقصود نمودیم و از کأس بلا ی او چشیدیم و البهَاء

علیک ع ع

هو الله

ای ورقه مطمئنه الیوم شرف و منقبتی و میمنت و سعادت
اعظم از خدمت بندگان الهی نه خدمت عبودیت درگاه احدیت
و سبب مسرت قلوب در جهان و حدانیت حمد خدا را که آن
ورقه منجذبه بخدمت مشغول و بجان و دل بکنیزی حق مألوف
وعلیک التحیة و الشاء ع ع

هو الله

ای ورقه موقنه منجذبه حمد کن حتی قیوم را که در یوم اشراق
نیر آفاق بشرف حضور و اصفا فائز شدی و جمیع شئون را مشاهده
نمودی نور ساطع دیدی و شمع لامع ملاحظه کردی ذیل اطهر
گرفتی و استغاثه نجات از حجابات و شبهات نمودی پس
بشکرانه این موهبت چنان قدم شوت و رسوخی بزن که

جميع اماء رحمن را ثابت و راسخ نمائی و ذلك لم يتصور الا
 بنفحة روح تنفث في روع من احبه الله عن قريب رايات عهد
 و ميثاق را ببینی که بر صروح آفاق بلند است ع ع

هو الاهی

ای امة البهآء زبان بشنای جمال قدم روحی لأحبائه الفدا
 بگشا تا ارواح ملأ اعلی باهتزاز آید و این انجمن رحمن در شوق
 و وله افزاید الیوم در ریاض جنت الاهی نعمات طیور و فا
 گلبانگ یا بهآء الابهی است و آهنگ یا علی الاعلی ای بلیل
 گلبن روحانی یک ترانه بنوای خوش رحمانی در عید رضوان
 درستایش و نیایش جمال رحمن بنواز که هدیر یا بهآء الاهی
 بگوش اینعبد برسد و البهآء علیک ع ع و آن قصیده را
 باین ساحت بفرست تا در قطب محفل روحان تلاوت و ترتیل گردد ع ع

اللہ الاهی

ای ورقه موقنه ذکر خیر الیوم ثبوت و رسوخست و اعظم اوصاف

و نفوت در هر فصلی اصلی مطلوب و محبوب در این موسم و فصل
 ثبوت بردین الله و استقامت بر میثاق الله اعظم ثبوبات چه که
 باین حصن محکم متین محفوظ ماند ع ع

هُوَ اللهُ

ای کنیز خدا الحمد لله نیر اشراق پرتوی بر تو افکند و ترا
 بنور انیت هدایت مشرف و مفتخر فرمورد این شعاع موهبت
 جمال مبارک است که تا ابد الآباد از مطلع صبح احدیت ظاهر
 و عیان صد هزار نساء بآرزوی مشاهده نوری در بحر حسرت
 مستغرق گشتند ولی پرتو عنایت بر همامه توافقتار و ترا باین فوز
 عظیم و فیض مبین موفق کرد و عليك التحيّة والثناء ع ع

هُوَ اللهُ

ای ورقه موقنه ستاره نفسیست که نور محبت الله در رُخس تابان
 و از افق عرفان چون مه تابان عیان نمایان جهدی کن تا این شعاع
 سالم گردد و این پرتو لامع و عليك التحيّة والثناء ع ع

هو الاجهی

ای امة الله در آستان جمال قدم کنیز با تمیزی و در عتبه مبارکه مقبول و مدوح و مشمول الطاف رب رستخیز فضل اسم اعظم با تو دیگر چه خواهی نتایج و آثار این لطف و عطا را در ملکوت صدق عند ملیک مقتدر مشاهده خواهی نمود والبهاء علیک ع

اللہ اجهی

ای ورقه مطمئنہ بسا روزها گذشت و شبها پایان رسید و قانات مشغول بعبادت بودند و بتلاوت آیات مداومت نمودند و چون جمال قدیم کشف نقاب در این اقلیم فرمودند هیچیک اقبال نمودند و با و را دروازه کار مشغول گشتند و از آن قبله آفاق محبوب ماندند فبئس عمل الذین احتجوا عن الله پس تو که حجابات را دریدی و انوار ساطعه از ملکوت اجهی را دیدی و ببلی حین ندامت موفق گشتی باید قدر این فضل بیهمتها را بدانی و از آثار

سدرهٔ بقا نصیب برداری و البهآء علیک ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله از فضل آن حتی مجید صد هزار امید است که
 امآء رحمن هریک در محفل ایقان نجمی و سراجی درخشنده و
 تابان گردند تو که سرمست جام عرفانی نشئهٔ عهد الهی طلب
 تا از ودیعهٔ یوم الّست خبر دهی و از قید شبهات اهل اشارات

برمی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای یار عزیز در خصوص محفل تبلیغ نساء مرقوم نموده بودید
 این قضیه بسیار محبوب و از قرار معلوم محفل روحانی نیز تصدیق
 نموده اند ولی نساء مبلغه باید رزین و حکیم و صاحب تمکین باشند
 بنهایت حکمت حرکت کنند نوعی نمایند که عربده و های و هوئی
 در شهرافتد بلکه باید مبلغات نفوسی منتخبهٔ مقلعهٔ برج جج و
 براهین و واقفه بر اسرار کتاب مبین و متأنیه در نهایت وقار و

تمکین باشند اول باید ملاحظه نمود که حجاب و شبهات
 مرفقی چه چیز است پس بحسب حال او باید گفتگو نمود و
 همچنین ورقات موقنه عارفه ببعضی بیوت رفته در بدایت
 بالفت پرداخته پس بتدریج تشویق و تحریص بر تجسس و تحری
 این امر نمایند و چون محترمه‌ئی اقبال نماید مکتوم دارند افشا
 نمایند زیرا بسیار نفوس هستند که در سرسزمتهای اشتیاق
 دارند ولی خوف از شهرت سبب مخاشی آنانست این را نیز باید
 ملحوظ داشت و اما تاریخیکه آنجناب مرقوم نموده اید ملاحظه
 گردید بسیار خوبست ولی باید بعبارت و اشارتی باشد که موافق
 زمان و وقت گردد و کسی متأثر و مکدر نشود حال ما آن تاریخ را
 جز و جزو جمع می‌نمائیم تا نهایت دوباره ملاحظه گردد در این
 ایام ارض طارر نهایت استعداد احبای الهی باید همتی عظیم در تبلیغ
 نمایند و علیکم البهاء الالهی ع ع

هو الالهی

ای امة الله سر قدرت مشاهده کن که بفضل موهبت جماعت

زنان تاج مردانگی بر سر نهادند و مردان محتجبان مقنعه زنان برخ
 انداختند آن نساء چون شیرزبان و پیل رمان در میدان عرفان
 بتاختند و این رجال چون امت رجال در حفره جهل خریدند پس
 تو خوشنور شو و خورسند که با وجود ضعف تو اناشدی و با وجود
 ناتوانی تو اناگشتی و بر مسند عزت قدیمه قرار یافتی و البهَاء علیک
 ع ع

هُوَ اللّٰهُ

ای کنیز درگاه احدیت شکر کن خدارا که نور هدایت تابید
 شبستان دل روشن و منور گردید الطاف حضرت یزدان
 بسیار ولی موهبت هدایت نعمتی دیگر است قیاس بجمع الطاف
 نشاید مبدء کل خیر است و دافع کل ضیر و جازب مواهب
 غیبیه الهیه مانند شجر است و مواهب سائره اثمار این شجر
 پس چون بآن در این ایام فائز گشتی از وجد و طرب و سرور و حبور
 نغمه ئی بسرورد و سروردی بلند کن تا سائرا ماء را بفرح و انبساط
 آری و انجذاب و نشاط بخشی و علیک

البهَاء الالهی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز عزیز آلہی ستارہ رادر خشنڈگی باید و کواکب رافروزندگی
 شاید الحمد لله تو بنور محبت الله درخشیدی و از افق معرفت الله
 در میدی و جام الطاف کشیدی و صہبآء موهبت نوشیدی و شہد
 میثاق چشیدی و بمقصود رسیدی حال باید استقامت کنی متانت
 بنمائی قوت ایمان ظاہر سازی و شعلہ الطاف بنمائی از عین یقین
 بنوشی و بملاء علیین راہ یابی تا تأییدات جمال الہی شعاع مستمر
 گردد و پرتو شمس حقیقت بتابد و عليك البهآء الابعی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله عصمت و عفت الیوم عبارت از استقامت در
 میثاق الہیت ہر نفس بآن موفق در پناہ عصمت است و در
 کھف عفت الیوم امآء الله باید ناشر نور ہدی گردند و پرتو
 استقامت برافروزند تا آنکہ سزاوار کنیزی در گاہ احدیت گردند
 حمد کن خدا را کہ باین فضل عظیم موفقی و عليك التحيّة و الشّاء ع ع

اللّٰهُ اَجْبٰى

ای ورقه موقنه جناب میرزا عبد العلی قطع مسافات بعیدہ نمود و بار یہ ہا پیہود و مجور و و عور قطع کرد تا آنکہ بسر منزل آمال رسید و بمحط رحال ملأ اعلیٰ و اصل شد و طواف مطاف قدسیان نمود و روی و موی را بجا ک آستان معطر کرد و با اینعبد ہمد آستان شد و آبیاری گلشن تقدیس نمود ای کاش حاضر بودی و در کمال روح و ریحان بھمراہی این عبد بہاء اورا سبو بدوش و پرجوش و خروش و ازباده توفیق مست و مدھوش مشاہدہ مینمودی و با چشمی گریان و لبی خندان و قلبی سوزان و روحی مستبشر بشارات رحمن فریاد بر آوردی ہذا هو الفیض العظیم ہذا هو الفوز المبین ہذا هو الجود القدیم ہذا هو اللطف الجلیل و البتہ در ہر دمی صد شکرانہ بجا آوردی ع و جناب میرزا ابالتیابہ زیارت مطاف ملأ اعلیٰ نمود و در جمیع مواقع بیاد شما مشغول بود و از الطاف حی قیوم امیدواریم کہ آثار برکت این نیابت ظاہر گردد و البہاء علیک و علی امة آمنت باللہ و ثبتت علی میثاق اللہ ع ع

اللَّهُ أَجْبَى

ای امة الله خوشا خوشا و رقاتی که در این اوقات چون آیات
 بیانات در انجمن قانات مبعوث شدند هر یک در ذکرحق زبان
 گویا شدند و در اجتماع الحان حمامه قدس گوشی شنوار عهد
 و میثاق چون جبال را سخته آفاق گشتند و در عبارت و خدمت
 از اهل اشراق در روضه مقدسه توجه نما و آنچه میطلبی
 مستجاب گردد و این توجه قرب و بُعد ندارد در هر نقطه
 و هر اقلیم توجه توان نمود چه که مطاف ملاء اعلیٰ محیط بر کائنات
 است و مرتفع در اعلیٰ المقام و البهاء علیک ع

هُوَ اللَّهُ

یا امة الله نهایت ستایش از ایمان و ایقان و وله و انجذاب
 تو نمودند لازم گشت بلکه واجب شد که بتوانامه نویسیم و تشویق
 بر تزئید مغناطیس نمایم امروز سبب سرور قلب و تسلی خاطر
 مژده انجذاب و اشتعال نفسی که بگوش انتظار رسد زیرا

شب و روز در نهایت انتظارم که از کجا آهنگ خوشی برآید و نفعه
 معطری بوزد باری ای امة الله نظر بضعف و ناتوانی نما بلکه
 در این میدان بقوه محبت الله جولان نما و سبب شور و شوق
 در شیراز آنخلوتگه رازگرد تا اماء رحمان را بجدب و وله آری و محافل
 نسا را فخر مجامع رجال کنی این موهبت اسم اعظم روحی لاحتبانه
 الفدا را از برای هر يك از اماء رحمان آرزو مینمایم والله یختص
 برحمته من یشاء والله ذو فضل عظیم و عليك التحية والثناء ع

هو الابهی

ای امة الله جناب آقا محمد حسن الحمد لله محفوظاً موصولاً
 بملجاً اعظم رسیدند و در پناه جمال قدم مدتی مقرر گزیدند و
 از ریحق مختوم نوشیدند و از حلاوت عنایت حضرت معلوم
 چشیدند و در جمیع مواقع یاری از شما نمودند و در روضه
 مبارکه درخواست خیر فرمودند پس خدا را شکر کن که چنین ضعیفی
 داری و چنین مونسى انیس که در چنین آستانی یار تو نمود و در
 چنین انجمنی ذکر تو کرد ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله هیچ دانی که کنیزی جمال مبارك را چه مقام است
 و چه درجه احترام قسم بروی و موی و خوی دوست که تاج
 و تاج ملکه های آفاقت و سراج زجاج قلوب بانوهای اعظم
 اینقدر و قیمت در ملکوت ابھی مشهور گردد و این علویت
 در افاق اعلی واضح شود **والبهاء عليك ع ع**

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه مبتهله شمع روشن است و شهد مکرر و آن شاهد
 روحانی بر بطنی در دست دارد و باهنگ خوش ملکوت ابھی در
 نغمه و آواز است چنگش قوه ملکوتی مضراش بشارت الطاف
 جمال غیبی لاهوتی آهنگش مردگانند در این انجمن اندر ره دست
 ای مسیحای زمان هان نفسی گرم برار **ع ع**

هُوَ الْإِبْهِيُّ

ای دو بندة الھی و ای اماء آستان ربانی عبد البهارا چنان آرزو

که بهر يك از احتبای الهی و اماء رحمانی فرداً فرداً نامه‌ی مرقوم
 نماید ولی جمال مبارک شاهد حالست که ابداً فرصت نیست
 و این قضیه در این آیام ممتنع و محال لهذا جمعا مکتوبی مرقوم
 میشود و مقصد ظهور انعطافات وجدانیه است و روابط روحانی
 و این را جمعا و تفریقاً بنگارش بیان ممکن لهذا بیک نامه اکتفا
 می‌رود و شما نیز باید قناعت ننمائید باری در این آیام باید عباد
 الرحمن و اماء یزدان بروش و سلوکی بین خلق محشور شوند که آیات
 هدنی گردند و بشارات ملاء اعلی شب و روز بکوشند تا از این جهان
 و جهانیان بکلی منقطع گردند در هوای تقدیس پرواز کنند و باواز
 و آهنگ جدید مقامات توحید بخوانند و بسرایند الحمد لله منظور
 نظر عنایت جمال ابهائید و ملحوظ عین الطاف حضرت اعلی
 هر موهبتی از برای شما مقدر است و هر فضلی ممکن و میسر باید
 بجان و دل بشتابید و روح و روان را نشان آن دلبر مهربان کنید
 تا خونبهای خویش را از آن محبوب دلنشین در اعلی علیین بیاید

وعلیکم وعلیکن البهآء

اللَّذَابِهِی

ای امة البهآء علیک البهآء وعلیک الشآء یا بقیة نلک النفس
القدسفة المتصاعدة الی الله استبشری بمواهب ربک وافرچی
بفضل مولاک القدیم توجّهی الی ملکوت ربک الالبهی وناجی
مولاک وقلی لک الحمد یا نور السموات والارضین بما خلقتنی من
صلب من شرت صدره بانوار التوحید واعلیت درجته فی العلیین
وجعلتنی بضعة منه تذکاراً منه بین العالمین ونورت وجهی بین
امآئک یا مقصود العارفین الھی ایدنی وضجعی علی خدمة امرک
والتبتل الیک والتضرع الی باب احدیتک ووقفنی علی الضجیح
فی محافل امآئک بنعتک وثنآئک ونشرفحاتک انک انت الکریم
الرحمن الرحیم ع ع

ای امة البهآء تمسک بذیل کبریآء جو و تشبث بعرده وثقی و
توکل بر خدا کن و شب و روز در ترویج امر الله باش چه که ایام
بسراید و حیات دنیا نپاید و اعتمار نشاید عنقریب فانی گردد
و چون سراب بقیع شور پس در آنچه علو و سمور در ملکوت البهی است

بکوش تا نجم بازغ گردی و کوکب شارق آیت باهره شوی و
 رایت شاهره پرتو نور مبین گردی و جلوه آثار علیین و البهائم
 علیک و علی کل ثابت مستقیم ع ع

سوالا بھئی

ای ورقه مقدسه مبارکه صد هزار ملکه های آفاق آرزوی
 جار و کشتی آستان اولیاد باشند و فائز نشدند و تو از اوراق سد
 مبارکه محسوب و معدودی ملاحظه کن که بچه فضلی فائز شدی
 پس بشکرانه الطاف حق در تقدیس و تنزیه و عرفان و ایقان
 اماء رحمن بکوش ع ع

سوالا بھئی

ای اماء رحمن و ورقات طیبه موقنه مطمئنه بفضل یزدان
 هزاران هزار دختران شهریاران و بنات سروران و بزرگان ترک
 پرند و پرنیان نموده و از آسایش و راحت جان و کام دل و آرایش
 گذشته و از پدر و مادر چشم پوشیده و از هر شادمانی و خوشی کامران

منقطع گشته و لباس رهبانیت در بر کرده راهبه گردید و شب و روز را بعبادت و ریاضت و خلوت و ضراعت گذراند که شاید مشاهده پر توی از نور حقیقت نماید و در حسرت این موهبت جان بداد و بلمعه از انوار شعله طور فائز نگشت حال شما بشکرانه قیام نمائید که الحمد لله نجوم این نور مبین را طالع از افق جبین دارید و ظهور این آثار باهره را در حقیقت زاهره دارید و اکلیل این نعمت را بفرق مطالع محبت الله هستید و مشارق موهبت الله و انشاء الله ناشرات هدایت الله و شکر این فضل بیهنتی ثبوت و رسوخست بر میثاق الله بقسمی که باید چون جبال آسیات ثابتات باشید و مقاومت طوفان اعظم نمائید و چنان مشتعل و متوقد و منجذب گردید که جمیع نسا را منقلب نمائید در آستان مقدس حضرت دوست اماء الرحمن بذکر شما مشغول و مابدعای تأیید مالوف و البهَاء علیکن یا اماء الله ع ع

هُوَ اللهُ

ای اماء الرحمن در هر کوری از مطالع مقدسه چند نساء منجذبه

از مرقد عالم طبیعت مبعوث شدند و در محشر روحانیت عظیمه
 محشور جام سرشار صهبای هدایت را ازید ساقی عنایت نوشید
 و تأییدات الهیه را از مظهر آثار قدرت ربانیه گرفتند پس بانطق
 فصیح و بیانی ملیح و شوری یزدانی و شوقی رحمانی در قطب عالم
 منتشر گردیدند پس ملاحظه فرمائید که در عهد مظاهر شمس
 حقیقت چون چنین نسائی مبعوث شدند حال که الحمد لله این کور کو
 شمس حقیقت است و این عهد عهد سلطان احدیت که ذرات
 موجودات در شور و شوقند و سرور و ذوق پس ورقات سدره
 باید بشوئی و آثاری و اطواری و انجذابی و اشتعالی و بیانی و تبیانی
 و روحی و فتوحی و متن و شروخی مبعوث گردند که قوت و نفوذ
 و آثار و انوار ایشان بر ورقات سائر دورها فائق آید و این مقام عالم
 و عزت قدیمه بسهولت میسر نگردد در شعله نار باید که سبب
 اشتعال شود انوار ساطعه شاید که عالم روشن کند فیض ابرو
 باران لازم تا چمن و درمن سرسبز و خرم گردد ای امّا الرحمن بکشید
 تا چون مردان در این میدان چو گانی زنید و گوئی بر باشید قسم
 بجمال قدم که جنور ملکوت البهی چنان تأیید نماید که در مضمار

عرفان صفدر وصف شکن گردید و قوت تأیید شمارا برجال عالم غالب گرداند و این فیض بثبوت و رسوخ برعهد و پیمان حاصل گردد ع

هُوَ اللَّهُ

یا اَمَّا الرَّحْمٰنُ اَز قَرَارِ مَسْمُوعِ مَحْفَلِ اَرَا سْتِیْدِ وَ مَجْدَمَتِ اَسْتَانَ
مَقْدَسِ بَر خَاسْتِیْدِ طَوْبِیْ ثُمَّ طَوْبِیْ کِه دَر عَصْرِ رَبِّ بَد کَر حَقِّ پَر دَا خْتِیْدِ
و دَر اِیْن مِیْدَانِ بَیْجَانِ وَ دَل شَتَا فْتِیْدِ تَا بَمَنْزَلِ مَقْصُورِ رَسِیْدِیْدِ
و بَسْتَرِ وَ جُورِیْ بَر رِیْدِ وَ جَمَالَ مَوْعُورِ یَا فْتِیْدِ وَ حَقِیْقَتِ شَهُورِ
اَدْرَاکِ نَمُورِیْدِ پَر تَوَا نَوَا رِ شَمْسِ حَقِیْقَتِ فَا ئِضِ وَ الطَّافِ جَمَالَ
مِبَارَکِ شَامِلِ حَالَ مَوْمِنَاتِ وَ مَوْقِنَاتِ دَر رَهْرَمِیْ مَوْهَبْتِیْ جَلُوه
نَمَیْدِ اَمَّا رَحْمٰنِ بَا یْدِ فَرِصَتِ اِیْنِ اَیَّامِ رَا غْنِیْمَتِ شَمْرَنْدِ وَ هَرِیْکِ
جَهْدِیْ نَمَیْدِ تَا بَد رِگَا هِ رَبِّ اَلِه تَقَرَّبِ جَوِیْدِ وَ اسْتَفَا ضَهْ فِیْضِ
اَز مَبْدَءِ وَ جُورِ کَنْدِ حَالَتِیْ پِیْدَا کَنْدِ وَ بَقُوْتِیْ مَوْیْدِ گَر رِیْدِ کِه هَرِ شَخْصِ
ذَلِیْلِ رَا بَمَجْرُورِ الْقَاءِ کَلِمَه نَفْسِ عَزِیْزِ کَنْدِ وَ مَحْرُومِ رَا مَحْرَمِ لَاهُوتِ نَمَیْدِ
وَ مَآیُوسِ رَا اَمِیْدِ وَ اَر نَمَیْدِ وَ بِیْ نَضِیْبِ رَا اَز مَوْهَبْتِ کِبْرِیْیِ بَهْرَه
وَ نَضِیْبِ رَهْدِ وَ جَاهِلِ نَا بَیْنَا رَا دَا نَا وَ بَیْنَا کَنْدِ وَ غَا فِلِ کَا هِلِ رَا

بیدار و هوشیار نماید اینست صفت اماءِ رحمن اینست شیم
 کنیزان درگاه کبریا ای ورقات موقنات در صفحات اروپا و
 امریکا اماءِ رحمن گوی سبقت و پیشی را از میدان رجال رپوده اند
 و در تبلیغ و نشر نجات الله ید بیضا نموده اند عنقریب مانند
 طيور ملأ اعلیٰ در اطراف و اکناف دنیا پرواز آیند و هر نفسی را
 هدایت کنند و محرم راز گردانند شماها که ورقات مبارکه شریفه
 باید بیش از آنان شعله زنید و بنشر نجات الله پردازید و ترتیل
 آیات الله کنید پس تا توانید بنصایح و وصایای جمال مبارک
 قیام نماشید تا جمیع آرزوها مدیتر گردد و آن جو بیار و چمن گلشن
 احدیت شود و علیکم وعلیکم البهاء الالهی ع

هُوَ اللهُ

ای ورقه مبتهله سهراب در این مدت بچنگ افراسیاب افتاد
 و بچنگ نفس در تب و تاب بود و بمدد آفتاب فلك حقیقت غا^{لب}
 و بر هوای خویش فائق و قاهر گشت حال در نهایت تبتل و تضرع
 و غایت توکل و توجه عازم آن دیار گردید تا بموجب امر الهی عمل نماید

در این چند وقت که در اینجا بود بهمنتهای خدمت مشغول بود
 و در پرستش و عبادت حضرت یزدان نهایت کوشش را مجری داشت
 پس حمد کن خدا را که بچنین موهبتی موقت و مؤید گردیدی
 که منتسب بچنین شخصی شدی که در درگاه حق مقبول استماع

هُوَ اللَّهُ

یا امة الله من الذوٰحة المبارکة اگرچه سالهای چند است
 بیک و پیامی از بقعة مبارکه بآن اقلیم رحمانی نرسیده، و لکن همیشه
 بتسل و تضرع بعبته مقدسه می نمودیم و تأیید و توفیق می طلبیدیم
 تا احباء الله و اماء رحمن در صون حمایت حق از سهام شبهات
 محفوظ و مصون مانند وثابت و مستقیم بر دین الله الحمد لله
 فضل شامل شد و قوه ملکوت الهی معجزه کبری نمود که جمیع
 طوائف و احم در نائزۀ حرب سوخته و بنیانهای عظیم بر افتاد و
 لکن این حزب مظلوم در جمیع آفاق در صون حمایت رب الميثاق
 در نهایت روح و ریجان باقی و برقرار جمیع اماء رحمن را تحت ابداع
 الهی ابلاغ دارید حضرت افنان سدره مبارکه جناب قاسمید حسین را

احترامات فائقه ابلاغ نمائید وعلیک البهَاء الابهی عبدالبهَاء

عباس ۳ آذر ۱۹۱۲

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله جناب آقا سهراب مدتی بود که در درگاه احدیت
بخدمت مشغول بود و از غیر حق غافل زحمت و تعب بسیار کشید
و مشقت بیشمار تحمل کرد از خدا میطلبیم که اجر جزیل مقدر
فرماید و نعم بی بدیل مبذول کند حال اشتیاق شمارا دارد
لهذا عازم آن سمت گردید و در این مدت در اینجا دشمنان بسیار و ذکر
شمار بود و بالنیابه از شما طواف مرقد منور نمود و بر خاله افتاد و
درخواست فیض و فوز عظیم نمود ان ربك هو الفضیل العظیم

والبهَاء علیک ع ع

هُوَ الْإِلَهِي

ای ورقه طیبه روحانیه تا توانی به کمال قوت بسدره الیهیه
تمسک حو تا نسبت قدمیه و تعلق ابدی و تحقق سرمد حاصل گردد

دست بد امان میثاق زن و از ربّ الاشراق طلب تأیید نما تا از

تزلزل و اضطراب محفوظ مانع ع

هُوَ اللَّهُ

ای رخشنده بنور محبت الله تا بنده باش و در گلشن معرفت الله

سازنده و خواننده شو تا حلقهٔ امّاء رحمن را زبینه گری و بحیات

ابدیه پاینده شوی و عليك البهاء الالهی عبد البهاء عباس

هُوَ اللَّهُ

ای امّاء رحمن شکر کنید خدا را که در چنین عصر مهمت حصری

بعرصهٔ وجود قدم نهادید و در مهدهٔ وجود پرورش یافتید که آفتاب

انور قرون و اعصار است الطاف بی پایان انوار فیض عیان نور

احدیت نمایان پس تا توانید در محافل ذکر بتسبیح و تقدیس حضرت

یزدان زبان و لسان بیارائید و علیکن التحية والثناء ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز عزیز الهی نامهٔ تو رسید بسیار خوش مضمون بود

زیرا دلیل بر اشراق نور هدئی و تأییدات ملکوت الہی و انجذاب
 بنفحات اللہ و خلوص نیت و پاکی فطرت بود لهذا بدرگاہ احدیت
 تضرع نمودم و تراموہبتی آسمانی خواستم و نعمتی جاوردانی طلبیدم
 تا مشمول الطاف و عنایت باشی و منظور نظر حضرت احدیت
 گردی از عدم فرصت مختصر مرقوم شد و علیک البہاء الالہی ع

هُوَ الْإِلٰہِیُّ

ای ورقہ طیبہ اماء الہی و کنیزان حریم رحمانی باید بصفتی و
 سمتی در بین نساء عالم محشور گردند کہ مشاراً بالبنان باشند و
 مشہورہ بین طوائف نسوان یعنی بعفتی فائق و عصمتی ثابت
 و ایمانی کامل و بیانی واضح و منطقی فصیح و برہانی بدیع و علوی
 رفیع معاشر شوند تو از خدا بخواہ کہ جمیع این مواہب را در یابی ع

هُوَ اللّٰہُ

ای ورقہ مبارکہ حمد کن خدا را کہ از سدرہ مبارکہ روئیدی
 و منتسب عتبہ مقدسہئی حال باید بشکرانہ این فضل عطا

بمجت و وفا پردازى و شب و روز بذا كرحق مشغول كردى و
به تبث و تضرع پردازى آيات توحيد ترتيب نمائى و بچهره تقديس
مبعوث شوى و عليك البهاء الالهى ع

هُوَ اللهُ

اى امة الله ملاحظه نما كه پرتو عنايت چگونه بر تو درخشيده
و فيض الطاف چگونه بر تو باريده در عصر ظهور و قرن مجلى بر طور
موجود شدى و در ظل لواء ميثاق محشور گشتى قميص ايقان
در بر نمورى و تاج انتساب بسدره مباركه در سردارى و متمسك
بذيل عهد ملك ممالك غيب و شهورى و الاجميع هبائ منبثا
گردد و كان لم يكن شيئا مذكورا ميشد زيرا پيمان يزدان ميرانت
و سفينه نجات من رخل فيها نجي و من تخلف عنها هلك ع

هُوَ الْاَلَهِي

اى اماء رحمن نامه شمار سيد دل و جان شادمان شد كه جناب
منير تاسيس محفل تبليغ نمود از اين خبر نهايت شادمانى رخ داد

و امید چنانست که این محفل باقی و برقرار باشد و جمیع نساء یاران
 بهر و نصیب از ملکوت اسرار برند و مقتدر بر تبلیغ دیگران شوند
 تأییدات جمال مبارک شامل شود و نصرت ملکوت الهی جلوه
 نماید عالم نساء در دوره سابق بسیار تاریک بود در این دوره
 بالعکس روشن گردد و گوی سبقت را از میدان بر بایند نطق
 فصیح بکشایند و بیان بلیغ جویند و در نهایت شجاعت صف جنگ
 بیارایند و بقوت برهان و سطوة عرفان ممالک قلوب را مسخر نمایند
 و علیکن البهَاء الالهی فرصت بیش از این نیست رمضان ۱۳۳۹
 عکابھی عبد البهَاء عبّاس

هُوَ اللَّهُ

ای ورقه مبتهله موقنه قومی بر آنند که رجال افضل از نساء
 و بآیه مبارکه الرجال قوامون علی النساء استدلال نمایند و
 این عبد را یقین چون نور مبین است که این حکم قاطبه نه
 بسا نساء که الیوم بر میثاق ثابت گوهر انور صدف فضائل است
 و بسا رجال منزّل که خرف قعر مجار ز دائل پس فضیلت بذکور

وانا ثانی نه بمواهب اسم اعظمت روحی لاجبائه الفدا تا توانی
 قدم بر عهد ثابت نما و اماء ساثره را را سخ گردان ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای یاران حقیقی عبدالبهاء و اماء رحمن در این دم که در بوستان
 مانند باغ ارم با جناب مستر ملک همدم چون ایام رضوانست
 دلها خرم و جانها شادمان است فی الحقیقه این باغ در نهایت
 لطافت و طراوت است و هر چند من در این باغ ولی یاران در
 لانه و آشیانه قلب منزل و مکان دارند و این ایام سرور و بیاد کل
 میگذرد از الطاف حضرت مقصود امید چنانست که یاران و اماء
 رحمن نیز بشارمانی و فرح روحانی ایامی بسر میبرند و در احیای
 قلوب و روشنی قلوب و گشایش بصرو شنوائی آزان محرومان
 میکوشند و شب و روز بتزکیه نفوس خویش و تحسین اخلاق و
 تقدیس روح و تنزیه نفس و اکتساب فیوضات الهی و اقتباس انوار
 رحمانی سعی بلیغ مبذول میدارند جناب امین حاضر و از جمیع
 یاران و اماء رحمن نهایت ستایش مینمایند که کل سرمست جام

السند ودرمخانه محبت الله مخمورومی پرست جام صهبای
 معرفت الله بدست گیرند ورقص کنان وپاکوبان نعره یابهاء الاهی
 ازدل وجان برآرند رویها بنور ملکوت الاهی روشن و منیر است
 و گوشها بنغمات جانفزای ملکوت آیات در اهتزاز شدید محافل
 روحانی منظم است و مجالس تبلیغ مرتب جمیع یاران و اماء رحمن را
 آرزوی دل وجان سطوع انوار است و ظهور اسرار و بروز آثار و جلوه
 ابصار بقوه برهان بصائر بگشایند و بفیض رحمان سرائر و ضمائر
 منور نمایند زبانها در نهایت فصاحت ناطق است و دلها روشن
 بمشابه صبح صادق باری از تعریف و توصیف جناب امین شرف
 و شرف عظیم حاصل گردید و از برای هریک نامه مخصوص خواش
 نمود ولی این قضیه ممتنع و مستحیل زیرا الواح و صحائف و اوراق
 از جمیع اطراف و اکناف مانند باران میریزد و فریاد الجواب الجواب
 از جمیع آفاق بسمع میرسد دیگر معلوم است که کار چه قدر مشکل است
 لهذا در نزد یاران و اماء رحمن معدوم و البته بانصاف نظر مینمایند
 و این نامه مفصل را مرقوم نمودم تا آنکه طبع شده یا عکس برداشته
 گشته بهریک از احباء و اماء رحمن نسخه بدهند الاهی و محبوبی و وله

قلبي ورجاء فؤادي اني ابتهل اليك في صباحي ومساءلي وانتزع بين
 يديك في غدوى واصالي وارجوك وامرغ جبيني على التراب وارعوك
 بلساني وجناني واستمطر من سحاب رحمتك غيثاً لها طلالاً لحدائق قلوب
 الاحباء ورشحات سحاب رحمتك لرياض نفوس الاماء رب ان هواء
 آووا الى الكهف الاوقى والتجئوا الى الباب الرحيب من موهبتك
 العظمى ولازوا بعثبتك المقدسة الارجاء حتى تجعلهم مجامرنا محبتك
 بين الوري ومنايع ماء الحيات في الفردوس الاعلى ومهابط الاسرار
 من الملاء الاعلى ومصادر الآثار من الملكوت الالهى رب ان هواء
 قاسواكل مشقة وعناء وصبروا على البأساء والضراء وتحملوا
 شماتة الاعداء ووقعوا تحت مخالب وبراشن زآب كاسرة من الخضاء
 ووحوش ضارية من الاعداء وما اخذتهم لومة لائم ولا انصرم صبرهم
 من الفارة الشعواء بل ثبتوا على الميثاق ورسخت اقدامهم عند
 ما اشتد الساق بالساق وطابت ضمائرهم وصفت سرائرهم يوم
 الاشرار واستقاموا ولم يتزلزلوا حينما وقعت المصيبة الكبرى
 وقامت قيامة الامايق واشتدت المحسرات وسالت العبرات
 وصعدت الزفرات في يوم الفراق رب اجعلهم اشجاراً باسقة

فی ریاض محبتک والسنا ناطقةً بذكرك وانجماً بازغةً من افق رحمتک
 واشعةً ساطعةً من کوکب فردانیتک وازهاراً مؤنقةً فی حلیقة
 رحمانیتک واحفظهم فی کھف حفظک وکلاشتک واحرسهم بعین
 رحمانیتک انک انت الکریم وانک انت الرحمن الرحیم ع ع

هو الابهی

ای امة الله جناب میرزا حسین علیه بهاء الله الابهی ذکرت را
 در آستان جمال مبارک مینماید که آن ورقه طیبه الحمد لله بنفحاً
 قدس مهتر است و از اریاح طیبه ریاض احدیت چون اشجار
 متمایل و متحرک خدایا این کنیزان را در درگاه مقدست مقرب
 فرما و این ورقات را بر سدره منتهایت مقوی عنایت کن این طیبوز
 بحدیقه توحیدت رالت نما و این منجذبات را در نار تجلیات پر حرقت
 فرما از کاس ایقان مدهوش کن و از خمر تبیان مخمور گردان ^{علیک} ^ع ^ع

هو الابهی

یا امیمة الله چه خوش بخت بودی و بلند طالع که از نسل وجودی

موجود شدی که بحیات ابدی دلش زنده است و بنعمت سرمدی
در ملکوت باقی موعود و تروتازه مجمر نار محبت الله است و مظهر
آیات موزت احباء الله چون از معدن پاک بوجود آمدی انشاء الله
در این کور عظمی بین اماء الله آیت کبری گودی و مطلع انوار انجذاب
بنفحات الله والبهاء عليك وعلى كل امیمة ولدت فی ایام الله ع

هو الله

ای کنیز الهی مکتوبیکه بخط انگلیسی مرقوم نموده بودی بسیار
مقبول افتار چه که دلالت بر آن می نمود که همتی نمودی و بقدر
امکان این لسان را تحصیل کردی البته سعی بلیغ نما که این زبان را
در نهایت فصاحت و بلاغت تحصیل نمائی بلکه وقتی که اماء
الرحمن از امریکه بجهت زیارت مشاهد مقدسه بایران آیند
بتوانی با آنان بدون کلفت مکالمه و مؤانست نمائی نساء در این
نشئه جدیده منظور نظر عنایتند و مظهر تأیید حضرت احدیت
چه بسیار از نساء که گوی سبقت و پیشی را از رجال بر بایند پس تو
بجان و دل بکوش تا مورد الطاف حضرت رحمانیت گودی و

عليك التحية والثناء ع ع

هو الالهی

ای مؤمنان موقنان وای مؤمنات موقنات الحمد لله آن خانوادۀ
آزاده از بدایت طلوع صبح احدیت دل دادره حق و آماره خدمت
بوده اند جناب حاجی متصاعد الی الله در عراق بشرف مشول در
ساحت حضور نیر آفاق موفق گشت و مؤید شد و از آن وقت تبلیغ
همیشه بخدمت حق مشغول بوده و هستند حضرت اسم الله علیه
بهاء الله الالهی نهایت ستایش را از خدمات آن خانواده فرموده
و از فضل ابدی الهی سائلیم که این منقبت سرمدیه یوما فیوما
مرداد گردد و ابواب خیر بوجوهشان مفتوح شود و البهائم علیهم اجمعین
ع ع

هو الالهی

ای ورقه طیبه مطمئنه امة الله المهیمن القیوم شکر کن خدایا
که در تحت عصمت بنده از بندگان حق داخل شدی که روح
مجسم است و شمع منور اوقاتش شب و روز مصروف تبلیغ امر الله

وایامش موقوف اعلاء کلمة الله لسانش ناطق بشنای الهی است
 و قدمش ساعی در سبیل رحمانی رویش بنضرة رحمن منور است
 و مشامش بنفحات حضرت یزدان معطر حمد کن خدا را که بچنین
 فضلی موقفی و بچنین رأفتی مختص اگر چه از یوم انتساب احتی
 نموری و آسایش نیافتی و در بستر خوشی نیارمیدی اما چون
 این زحمات در راه خداست البتہ نتیجہ موهبت کبری است و رحمت
 عظمی فاشکری الله علی هذا الفضل العظیم ع ع

اللّٰهُ اَجْبٰی

ای ورقه موقنه در تحت عصمت نفس زکیه هستی که شب و روز
 مقصدش روشنی عالم و پرورش و تربیت اولاد آدم، نیتش چون
 آفتاب روشن خدمتش در آستان مبارک واضح و مبرهن، تو نیز
 معاونت او نما و اعانت او خواه معاونت و اعانت او ایست که او
 بر جبال پرداخته تو بنسأ، بپرداز و با خلق بخوی او بساز ع ع

هُوَ اللّٰهُ

ای ورقه زکیه منجذبہ علیک بهاء الله الایلی و ثناء الله العلی

الاعلیٰ شکر کن حضرت احدیت را که در تحت عصمت بنده
 از بندگان الهی در آمدی که بانوار محبت الله رخی چون شمع روشن
 دارد و بی چون گلزار و گلشن قلبی ملهم دارد و صدری چون وادی
 ایمن چشم بینا دارد و زبانی چون طوطی گویا گوشه باز دارد و روحی
 باسروش همراز مؤید بجنود ملکوت است و موقوف بعنایت رب
 و دود از فضل مخصوص حضرت مقصود امید وارم که مجامع اماء
 الرحمن را گرم نمائی و بوجد و وله آری ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای کنیز مقرب الهی جناب فاضل خدماتت را بصبایای حضرت
 صدر الصدور مرقوم نموده اند از این خبر قلوب را اثر حاصل گشت
 که الحمد لله اماء مقربیه حضرت کبریا باعظم خدمات و اکرم مبرات
 موقند بالآخر تربیت بنات اعظم الآیات و اشهر الزاریات این
 مواظبت سبب قربیت حضرت احدیت است پس شاربش و شاد
 باش و از غم و اندوه آزاد باش که بچنین خدمتی قاشی و بچنین ^{طبع}
 دائم آن کودکان اطفال مسند و ذریه این عبد ممتحن لهذا از خدا

شما ممنونم خوشنورم شکر نمائید که مورر چنین خطابید وعلیک

البهاء الابهی ع ع

هو الابهی

ای بندگان الهی وکنیزان رحمانی صبح هدی ظاهر است وشمع

موهبت کبری باهر نور منتشر است و فیض موفور مشتهر شعاع

شمس حقیقت از افق غیب محیط بر آفاقت و فیوضات دور مبارک

متابع بر مغارب و مشارق وقت تقدیس است دم تنزیه است

زمان جانبازی است و اوان پاکی و آزارگی هر یک از احبای الهی

باید بتقدیسی مبعوث شود که جهان را طیب و طاهر نماید چون

نور منزّه و مقدس گردند و چون ماء طهور مزیل هر آلودگی و

البهاء علیکم ع ع

هو اللہ

ای ورقه منجذبه در گاه کبریاء الحمد لله مؤمنه ثی و موقنه و با آتش

مجتب الله افروخته و جان و دل سوخته و قرین مقبول آستان

مقدس جناب آقا محمد حسینی هرکس بچنین موهبتی فائز البتّه
 مقرب درگا، کبریا گردد خاندان حاجی عمّه خانم بلکه در دمان
 آنان در درگا، احدیت مقربند و بنفحات قدس منجذب عبدالبهاء
 نهایت محبت و مهربانیرا بآن خاندان و منتسبین آنخاندان دارد
 و در جمیع اوقات مذکور در حضورند و ممدوح و محمود نزد جمهور
 از خدا خواهم همواره مظهر الطاف موفور گردند و عليك البهاء الابن
 ع

هو الله

ای سقی حضرت مقصود گمان منما که این زندانی یاران ربانیرا
 فراموش نماید اگر در صد و در نامه قصور گردد این از حصول موانع
 مجبره موفور است و الاعد البهارا آرزو چنان که بیاران مردم
 نامه نگار و بیاد روی و خویشان پردازد اما دل و جان شب و
 روز بانهایت عجز و نیاز بدرگا، احدیت در مناجات که ای دلبر
 مهربان عاشقان را پر تو جمال بنما و مشتاقان را بنسیم جان پرور
 زنده نما تشنگان را ماء معین ره و منجذبان را موهبت مخصوص
 مبدول دار علی الخصوص آن خاندان که رجال قدما یاران

و نساء سر حلقه اماء رحمن در بدایت اشراق پرتو نیر آفاق گرفتند
 و بهدایت کبری موقوف شد ند همواره پر نشئه از جام سرشار بودند
 و زنده برائحه طیبه آن زلف مشکبار خدام امین بودند و اماء نور
 مبین پروردگار آن در درمان را بنواز و مظاهر موهبت ابدی ساز
 تا ترا بستایند و محفل محبت الله بیارایند و قوت ید بیضا بنمایند
 و علیهم و علیهن البهاء الالهی ع ع

هُوَ اللهُ

۲۴ شعبان ۱۳۳۷

ای خاندان و در درمان ورقه ثابتة راسخه الّتی رفعها الله الی المقعد
 صدق عند ملک مقتدر حضرت عمه علیها بهاء الله الالهی
 آن ورقه طیبه نورانیّه بثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق چنین
 عائله فی تشکیل نمود که الحمد لله جمیع در نهایت ثبوت بر ایمان
 و ایقان متوجه الی اللّهند آن متصاعده الی الله چنین شجره طیبه
 بود که برکت عظیمه یافت و ثمراتش الی الابدی پایان فی الحقیقه
 چون نامهای مبارک آنمخا نواده را عموماً در نامه قرائت نمودم
 بی نهایت مسرت حاصل شد و شکر بدرگاه احدیت نمودم تا این

خاندان و در درمان ثابت را سخ را الی الابد در صون حمايت
 خویش محافظه نماید و رویها ایشان را بنور محبت الله چنان
 روشن فرماید که مانند سراج در زجاج آفاق بدرخشند و چنین
 خواهد شد زیرا ثابت و راستخند و نفسی از آن جمع مضطرب نه
 عموم این خاندان محفوظ و مصون از شبهاتند و این فضلی است
 عظیم حال عظمت این موهبت مجهولست ولی در مستقبل واضح
 و مشهور گردد از خدا خواهم که سلاله عمه و در درمان آن ورقة
 طیبه نورانی الی الابد خادم میثاق باشند و از اهل شفاق در کنار
 رب رب ان هذه العائلة الکریمه والعصبة الشریفه اخلصوا
 وجوههم لوجهک الکریم و وجهوا قلوبهم الی ملکوتک العظیم
 سالکین فی صراطک المستقیم و خادمین لنباک العظیم رب
 ایدهم بشدید القوی و اشلهم بلحاظ عین رحمانیتک بین الوری
 و قدر لهم کل خیر فی الآخرة والاولی و انصرهم بجنود من الملائکة
 واحفظهم فی صون حمايتک الکریمی حتی ینصروا عبدک المظلوم
 الذی ینسبکی علیه عیون المقربین فی ملکوت الالهی انک انت المقتدر
 العزیز الغفار و علیهم و علیهم البهاء الالهی عبد البهاء عباس

هُوَ الْإِلَهِيُّ

ای امة الله شکر کن خدا را که پسری داری که در آستان الهی بخدمت موقوف گشته و در عتبه رحمانی کمر بندگی بسته شب و روز در مهمانخانه حق بد لجوئی و خدمات مسافران مشغول صبح و شام در درگاه رحمانی بجانفشانی موصوف خدماتش مقبول و زحماتش معروف از خدا بخواه که این تاج را بر سر او بپوشاند و این طوق را در گردن او گوهر فروزند. اگر بدانی بچه عنایتی موقوف گشته و بچه موهبتی مؤید البتّه پُر باز نموده پرواز نمائی عنقریب آثار باهروه این مواهب چون شمس از افق وجود طالع و باهر گردد و این عنایت چون شمع نورانی زجاچه آن خانواده راروشن نماید عنقریب با آنچه سبب سرور تو گردد از خدمت موقوف شود و تورا نیز از مشاهده او محظوظ و مسرور خواهیم نمود ع اخوی جناب نصر الله را از قبل این عبد تکبیر ابدع الاهی ابلاغ نماید

هُوَ اللَّهُ

الهی الاهی ان محمدًا سرع الی ساحة قدسک ورحاب رحمانیتک

حتى يدرك لقائك وينظر الى جمالك ويستظل في ظلك رب
 قدر له كل خير في ملكوتك واسعه بالطاق اختصت بها المقر^{بين}
 من عبادك وجزعه كأس الغفران حتى يترخ بصهباء الفضل
 والأحسان أنك انت العفو الغفور العزيز الرحمن وأنت انت الواسع
 المقدر العزيز التواب اى امة الله والدة راضيه خانم چه بسیار
 عابدات زاهدات مشتاق طلوع رب الآيات البينات بودند
 ولی بعد از ظهور در حجبات افتادند و بشبهات مبتلا گشتند اما
 شما الحمد لله محرم عهد الست شدید و فریاد بلی بر آوردید و لبیک
 گویان حول حرم کبریا طواف نمودید و عليك البهاء الالهی
 اى شعبان على حمد کن خدا را که پرده از دیده بر انداخت و بصیرت
 حقیقی بخشید و بمشاهده آیات کبری فائز فرمود و نداى حضرت
 کبریا بگوش هوش در آمد این فضل مشهور را قدر بدان و بشکرانه
 قیام نما اى امة الله راضیه در حق تو عجز و نیاز ب حضرت بی نیاز ما یم
 تا مرضیه گردی و در بارگاه قدس راه یابی و فریاد طوبی
 ثم طوبی بلی بر آری و سبب سرور و فرح اماء جهان
 گردی و عليك التحية والثناء ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای بندگان و کنیزان الهی نامه شمارا حضرت محسن ارسال فرمودند ملاحظه گردید با وجود آنکه ابدأ فرصت تحریر نیست باز جواب مرقوم میشود اسرائیل در این ظهور اعظم مظهر الطاف رب جلیل گردید لهذا در جمیع آفاق روز بروز عزیز میشود نظر عنایت مخصوصی بآن مظلومان شده تا از ذلت کبریٰ نجات یافته عزت ابدیه یابند و ارض مقدّس ویران راد و باره عمران و آباد نمایند و این بیقین مبین حاصل خواهد شد زیرا وعده‌ها که خدا بلسان انبیا باین قوم پراکنده و پریشان داده در این دوره اعظم تحقق خواهد یافت لهذا باید مسرور باشید مستبشربا^{شید} و از فرح و طرب پرواز کنید و بشکرانه جمال الهی قیام نمائید و علیکم وعلیکن البهآء الالهی عبد البهآء عبّاس

هُوَ اللَّهُ

ای مقبلان و مقبولان در گه کبریآء جناب امین مکتوب شمارا

ارسال نمودند و استدعای تحریری از این اسیر کردند نهایت
 ستایش را از شما نموده اند که آن خانواده اشخاص ستوده اند و
 مانند طیور شکور در ریاض ملکوت الهی لانه و آشیانه نموده اند
 سرباستان مقدّس سوره و در میدان عبودیت گوی سبقت
 و پیشی ربوده اند لهذا مستحقّ عنایتند و شایان موهبت ای در^{ست}
 اگر بداند قلب عبد البهاء بشما چه قدر مهربان است البتّه
 بی نهایت مسرور و شادمان گردید ربّ و جانی آن اخت هذا
 المشتعل بنار محبتك كانت تحت عصمة نبيلك الجليل ونقيبك
 النجيب وكانت منقطعة عن دنوك ومنجذبة اليك ومشتعلة
 بنار محبتك قد خدمت قرينها الكريم حبا بجمالك وطلباً لرضائك
 وشغفاً بحبك وتحملت كل مشقة في سبيلك وكل تعب في حبك
 الى ان تجردت عن قميص الاشباح تجرعت من راح الصعور الى
 الملاء الأعلى في عالم الأرواح ربّ انت الغفور وانت العفو وانت
 التواب انى ابتهل اليك ان تغفر لي ولها وتغفرو عني وعنهما كل جريرة
 وسيئة كانت مبعثة عن الحقيقة الامكانية ومقتضيات البشريّة
 وازرقها لقائك في عالم عمائك انك انت الكريم الغفور التواب الوهاب

هُوَ اللَّهُ

ای یاران عبدالبهاء امة الله روحانی مکتوبی از لسان شما
 انشانموده و ارسال داشته اند مضمون آه و این است و ناله
 و حنین شکایت اربعد و هجرانست و ناله و فغان از شدت حرمان
 این عبد بمحض تلاوت بدرگاه احدیت لابه و زاری می نماید
 که شاید الطاف رحمانی جلوه نماید و سرور و حبور برای قلوب
 حاصل گردد ای یاران الهی مقناطیس فرح آسمانی رضایت جمالی
 الهی است تا توانید طلب رضا نمائید و بوقایم کنید از خدا ^{هدیه} بخوانید
 که اخلاق الهی جلوه در عالم انسانی فرماید تا جمیع آمال میسر گردد
 و نهایت قربیت بدرگاه احدیت حاصل شود زیرا بجز اعتراف
 بوجدانیت الهیه مقصود بالتمام حاصل نشود و قتی مجمع انسانی
 معرض فیوضات رحمانی گردد که نصایح الهی در قلوب تأثیر کند و
 هر یک از بندگان حق در میان ام و ملل مانند شمع روشن گردد
 این روشنائی صدق است و انصاف و امانت است و ریانت و
 وفا است و صفا و انقطاع از ما سوی الله و خضوع و خشوع و

تذلل وانکسار و تنبّه و اشتعال و بیان و تبیان بالاختصار
 جمیع فضایل روحانیّه عالم انسانیت انوار است و صفات بهیمیّه
 از حسد و غضب و حرص و تعلق باین عالم و سائر شئون عالم
 حیوان ظلمات فوق ظلمات حال اگر نفسی بصورت انسانی
 درآید و لکن از شئون رحمانی غافل گردد آن نفس بحقیقت از
 بها تم است بلکه نادانتر از هر حیوان صامت پس ای یاران الهی
 نظر با اعتراف لسانی نمائید بلکه تعمق و امعان در صفات انسانی
 نمائید راحه طیبه انقطاع را از هر گیاهی استشمام نمائید آن گل
 صد برگ رحمانیست و در میان گلشن ربانی و الا هر چند سبز و خرم
 ولی بی نکهت صمد چه ثمری و چه اثری و چه نفعی و چه فائده از
 فضل جمال الهی امید چنانست که جمیع احباب این موهبت کبری
 موفق و مؤید گردند ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای احبابی عزیز الهی و ای اماء محترمه ربانی این بنده آستان بها
 چندی است با قلم مصر و وارد و در این کشور ایامی بسر میبردند

چهل سال در زندان ظلم و اعتساف در نهایت مشقت و عذاب
 بود و در زیر شکنجه و عقاب و حکومت استبداد هر دم بهانه
 می نمودند و باهانتی می پرداختند و ازیتی مجرئی میداشتند کسی را
 گمان نبود که عبدالبهاء دقیقه امان یابد همواره در زیر شمشیر بود
 و در تحت تهدید عبد الحمید با وجود این الحمد لله بعون و عنایت
 جمال مبارک فتور نمود و مقاوم اهل شرور بود و متضرع بدرگاه
 رب غفور و مقرر و معترف بقصورتا آنکه آوازه ملکوت راز
 جهانگیر گشت وصیت حضرت مقصود در آفاق وجود منتشر شد
 ارکان امکان باهتزاز درآمد و کوب درخشنده لامکان بر جمع
 اقالیم روشن و تابان شد صریقلم اعلی گوشزد اقالیم قصوی
 گردید و هدیر حمامه و فانوره غیر اراجان بخشید خیمه وحدت
 عالم انسان در قطب امکان بلند شد علم توحید بین امم در اوج
 اعظم موج زد و نفحات قدس منتشر شد مشام اهل انس معطر
 گشت جنت الهی تزیین یافت و اسرار الهی تلقین گشت بلب معانی
 گلبانگ رحمانی زد و اسرار معنوی بیان نمود نسیم جان بخش حب ^{عمیوم}
 وزید و پرتو شمس حقیقت آفاق عالم را منور کرد حال وقت آنست

که یاران بترویج خلق رحمان پردازند و بموجب وصایای جمال
 مبارک بحبت جمهور مشهور گردند و به تمشیت تعالیم الهی برخیزند
 و بموجب نصایح جمال مبارک عمل نمایند تا احکام رحمانی و تعالیم
 ربانی و فرائض ایمانی از حیز ستور مجتبی ظهور آید و حصول پذیرد و
 این شجر ثمر بخشد و این کشت آبیاری گردد جمیع اعمال و اخلاق را
 باید تطبیق بآیات کتاب نمود و بموجب تعالیم الهی حرکت کرد و
 سبب نورانیت جهان و ظهور رحمانیت در عالم انسان شد
 ای یاران و ای اماء رحمان ید عنایت احبار اردائی از مواهب
 آسمانی در بر کرد و تاجی از فیض نامتناهی بر سر نهاد تا در این ستیز
 عالم انسانی جلوه ربانی نمایند و چهره نورانی بنمایند و به تنزیه
 و تقدیس عالم فانی بیارایند پس باید کل بجان و دل متفق شویم
 تا باین الطاف و فیوضات متحقق گردیم عالم بشر را رهبر شویم
 و نوع انسان را مونس دل و جان گردیم قلبی گلشن جوئیم و جانی
 بجانان رسانیم روش دلبر مهربان گیریم و این راه را بپایان رسانیم
 ملاحظه نمائید که طلعت مقصور و حضرت موعود در آیام نامحدود
 چه صدمه و بلائی و مشقت و ابتلائی و حبس و زندانی و تاراج

وتالانی و آوارگی و بیسرو سامانی و نفی و سرگونی پی در پی ^{تحمیل}
 فرمودند تا آنکه تاسیس وحدت عالم انسانی گردد و بنیان بیگانگی
 برافتد و دلبریگانگی جلوه نماید اهل عالم تربیت گردند و
 بنورانیت الهیه فائز شوند و موهبت آسمانی جویند و سعادت
 دوجہانی طلبند پس ملاحظہ فرمائید کہ ما باید چگونه بشکرانہ
 پردازیم و روش و حرکت نمائیم وقت را از دست ندهیم ایام را
 غنیمت شمیریم بھدایت خلق پردازیم و نفوس را بیدار کنیم و غافلانرا
 ہشیار نمائیم و علیکم و علیکن البہاء الالہی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای یاران و اماء رحمن این واضح و عیان است کہ عبدالبہاء
 بی نہایت بشما مہربان زیر اشب و روز آرام ندارد و دقیقہ فی رحمت
 بخوید یا بگوید و یا بنگارد و بذکوا برابر و اماء رحمن پردازد و در بعضی
 شبہا بدرگاہ جمال الہی بزارد و بگرید و جمیع دوستان و اماء رحمن را
 تأیید و توفیق از ملکوت اللہ بطلبد این حال استمرار دارد ہر
 صبح عجز و لایہ کند و ہر شام جزع و گریہ نماید کہ پروردگارا ابرار را

انوار بخش و ورقات را آیات ملکوت اسرار فرما رو حانی کن نورانی
 فرما سبحانی کن ربانی نما و حیات جاوردانی بخش و بقای سرمدی
 ده سراجهای نورانی نما و آیات رحمانی کن امواج بحر تقدیس نما
 وافواج ملکوت الهی کن طیور حدیقه معانی نما و ماهیان دریای
 سرمدی کن ازهر آفتی محفوظ نما و ازهر حوادثی محروس و مصون
 کن در سبیل رضا سالک فرما و در اقلیم و فانا سک کن هر دم روحی
 جدید بدم و در هر نفس از نفس رحمانی زنده نما در جمیع مراتب
 ترقی بخش و جمیع شئون رهنمون فرما توئی مقتدر و توانا و توئی
 واقف اسرار و بینا و علیهم و علیهن البهاء الاهی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای دوستان حقیقی و کنیزان عزیزان الهی نامه ئیکه بواسطه
 امة الله دکتور کلوک مرقوم نموده بورید ملاحظه گردید و از مضمون
 نهایت سرور و خوشنوری حاصل شد زیرا دلیل بر توجه بملکوت
 الله و انجذاب بمحبت الله و تبطل و دعا می نمود یاران و اماء رحمن
 باید خدمت بوحدت عالم انسانی و محبت و الفت بین جمیع بشر نما
 یند

جميع طوائف و اديان و مذاهب را بنهايت خلوص و خير خواهی
 و محبت و مهربانی معامله کنند و در فکر آن باشند که ثمره از شجره
 وجود آنها حاصل گردد و هيچ ثمری اعظم از محبت و الفت بجمع
 بشريت حضرت بهاء الله خطاب بعالم انسانی میفرماید
 که جميع برگ یکدارید و شریکشاخسار در اینصورت روابط قرابت
 و اخوت و اموت و ابوت در میان جميع بشر ثابت و محقق گشت پس
 بجان و دل بکوشید که بموجب این تعالیم حضرت بهاء الله روش
 و سلوک نمائید هر مظلومی را ملجأ و پناه باشید و هر مغلوبی را
 دستگیر و مجیر توانا هر مرضی را طبیب حازق باشید و هر مجروحی را
 مرهم فائق شوید هر خائفی را پناه امین گردید و هر مضطربی را
 سبب راحت و تسکین هر مغمومی را مسرور نمائید و هر گریانی را
 خندان کنید هر تشنه را آب گوارا شوید و هر گرسنه را مانده آسمان
 گردید هر ذلیلی را سبب عزت شوید و هر فقیری را سبب نعمت
 گردید زینهار زینهار از اینکه قلبی را برنجانید زینهار زینهار که نفسی را
 بیازارید زینهار زینهار از اینکه با نفسی بخلاف محبت حرکت و سلوک
 کنید زینهار زینهار از اینکه انسانی را مأیوس کنید هر نفسی که سبب

حزن جانی و نومیدی دلی گردد اگر در طبقات زمین مأوی جوید
 بهتر از آنستکه بر روی زمین سیر و حرکت نماید و هر انسانی
 که راضی بذلت نوع خویش شود البته نابور شود بهتر است زیرا
 عدم او بهتر از وجود است و موت بهتر از حیات پس من شمارا
 نصیحت مینمایم تا توانید در خیر عموم کوشید و محبت و الفت در
 کمال خلوص بجمیع افراد بشر نمائید تعصب جنسی و وطنی و دینی
 و مذهبی و سیاسی و تجاری و صناعی و زراعی جمیع را از میان بردارید
 تا آزاد از جمیع جهات باشید و مشید بنیان وحدت عالم انسان
 جمیع اقالیم اقلیم واحد است و تمام ملل سلاله ابوالبشر این تنازع
 بقادر بین گرگان درنده سبب این نزاع و حال آنکه عرصه زمین
 وسیع است و خوان نعمت پروردگار مدو در جمیع اقالیم و علیکم
 البهاء الالهی ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای یاران ای اماء رحمن چه خوش محفلی آراستید حُسن
 خدمت خواستید و بر نشر نجات الله برخاستید حَقَّاکه مؤید

بجنود ملاً اعلیستید و موفق بتأیید عالم بالاستید و چون تأیید
 روح القدس رسد قطره نیستید دریاستید و نجوم افق هُداستید
 آن انجمن اگر ثابت گردد ثابت شود اگر استقامت کند موهبت
 یابد اگر مد اومت نماید آثار عجیب بنماید زیرا جنود ملکوت
 الهی در اوج اعلی صف بسته و آراسته و منتظر آن است که انجمنی
 بمیدان آیند و نیت خدمت بنمایند تا جنود نصرت کنند و انجمن را
 منصور و مظفر نمایند ای پروردگارا این یاران و اماء رحمان را
 تأیید فرما توفیق بخش درهای بسته باز کن و بنفحات قدس
 در مساز نما تا بایکدیگر همراز گردند و بنغمه و آواز آیند شهنازی
 زنند که اقلیم غرب را بوجد و طرب آرد و جذب و وله بخشد
 و مغناطیس محبت کن تا قلوب را منجذب نمایند توئی مقتدر و توانا
 و توئی بخشنده و بینا و شنوا لا اله الا انت المعطى الکریم ع ع

هو الالهی

ای مبتهله الی الله نساء در این عالم هزاران هزار و گذشتگان
 بجد و شمار کل عاقبتشان خسران مبین بوده و هست نه شری

و نه اثری نه میوه‌ئی نه برگی کل معدوم صرف و مفقود بخت
 گشته و خواهند شد مگر آنجا و اهرت تقدیس یک در فجر ابداع چون
 ستاره سحری درخشیدند یعنی نسائیکه مطلع آیات و فابورند
 و با قلبی پاک و بارخی تابناک توجه بمظهر لولاک کردند آن نفوس
 مطالع آیات توحید شدند و مرکز آیات تعجید و بانوار حقیقت
 ساطع گشتند و بنفحات قدس مؤانس جان را یگان در سبیل
 جانان فدا نمودند و هیکل عنصری را در قربانگاه عشق الهی محو
 و مضمحل کردند اگر صفت اماء رحمن جوئی اینست و اگر صفت
 کنیزان مقرب درگاه کبریا جوئی اینست عليك بها و عليك بها
 و عليك بها ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای امة الله ای ورقه نورا در درگاه حضرت رحمانیت مقبول
 و مقرب و در عتبه مقدسه ممدوح و مذکور و مؤید شایب از
 منخرت عظمی در برداری و نشانی از موهبت کبری بر سر عجز
 و نیازت در آستان بی نیاز مقبول افتاد و آرزوی دل و جانت

انشاء الله ميتر ميگرده مغموم مباش محزون مباش اسير
 اندوه مباش اين ايام بسرايد وبعالمي پرشهد وشكرد رانيم ودر
 سايه نخل اميد بيارميم ومحفل لاهوتي بيارانيم جناب شيخ احمد
 عليه بهاء الله الالهى را تكبير ابدع الهى ابلاغ نما وبگو بفضل
 جمال قدم مطهين ومسرور باش والبهاء عليه ع ع جناب
 ميرزا منير را تكبير ابدع الهى ابلاغ نمايد وبگو تيد محزون مباح
 انشاء الله در وقتش بزيارت تربت پاك فائز خواهى شد والبهاء عليه
 ع ع

هُوَ الْاَلَهِيُّ

اى ورقه مهتره بنفحات الله ذكرت مذكور وقلوب اماء الله
 در روضه مقدسه بيارت مألوف در حين زيارت چون ذكر
 ورقات بخاطر آرند چون توامه الله قديمى و بجان حليم وسليم
 جمله يارت كنند و بخاطرت آرند حمد كن محبوب عالميان را
 كه در مطاف اهل ملا اعلى مذكورى و در محفل اماء الرحمن
 مشهور در ظل ظليل سلطان وجود موجودى و در بين ورقات
 معدود از اهل سجود اليوم احب امور عند الله ثبوت و رسوخ

بر امر الله است و تثبت و توصل بعهد و پیمان پروردگار
 اماء حقیقی و ورقات فرروس الهی طلعاتی هستند که الیوم
 بایمان و پیمان الهی حق قیام دارند و در نشر نجات الله میگردند
 تا الله یتبرک بوجوههن ملائكة الفردوس ثم ملا المقربین
 والبهاء علیک ع ع

هُوَ اللهُ

ای امة الله آیت محبت الله شو و نفعه از گلشن ابھی بمشام آر
 تا حیات ابدیه یابی و فرح و نشاط سرمدی جوئی چون ستاره
 بدرخشی و مانند شمع بر افروزی مظهر موهبت گردی و جوهر
 تقدیس و تنزیه و طهارت کبری آیت عصمت تعلیم دهی و در
 دبستان اماء درس عفت بی منتهی تدریس کنی و علیک التحیة
 والثناء ع ع

هُوَ اللهُ

ای کنیزان الهی در این ایام در اقالیم فرنگ و امریکا بین رجال

و نساء نزاع وجدال است مردان گویند چون زنان در قوی
 ضعیفند و ناتوان و رجال مرد میدان لهدار و وجود مانند رجال
 معدودنه ولی نساء ادعا نمایند که مادر جمیع قوی و مشاعر و ادراک
 مانند رجالیم و تفاوتی در میان نه عموم بشریم و از نوع انسان
 این امتیاز را چه دلیل و چه برهان بلکه این فکر ظلم است و طفیاً
 و کل نساء حاضر میدان امتحان تا واضح گردد که قوییم و قدیر
 و عظیمیم و جلیل باری هنوز این مسئله منحل نگردیده بمذاکره
 و مجال مشغولند ولی آنچه یقین است این است که نساء مؤمننا
 مؤتیدند بتأیید رب الآیات و موفقند بآیات باهرات و ممتاز
 از رجال که ساقط در حقیض حجات چون امتیاز بایمان است و
 ایقان هر یک منجد بتر و مشتعلتر سبقت بر دیگر دارد خواه از رجال
 و خواه از نساء مابه الامتیاز این است و مابه الاعتزاز از این و در
 این دور بدیع نسائی از مرقد غفلت منبعث گشتند و چنان در
 این میدان جولان نمودند که گوی سبقت و پیشی از مردان بودند
 و عنقریب در این زنان مرد میدان بسیار ظهور خواهد یافت که بلسانی
 ناطق و قلبی فارغ و بیانی فائق و برهانی ساطع در عالم انسان جلوه

نمایند و بعصمت کبری و عفت عظمی ظاهر و باهر گردند
 و علیهن البهاء الالهی و علیهن التحیه و الشاء ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای اماء جمال الهی ملاحظه نمائید که شمارا بچه عنوانی
 خطاب مینمایم و کنیزان عزیزان در که جمال الهی می شمارم قسم
 برت وجود و نجات قلوب اهل سجد که این عنوان فخر و مباحث
 حوریات قدس در ملاء علی و فردوس الهی است دیگر معلوم است
 که باید چگونه باشید و چه قسم منجذب و مشتعل گردید و هر یک
 پاکیزه کنیزان عزیز شوید و جام لبریز محبت را بردست گرفته شور
 و ولهی انگیزید که قلوب جمیع نساء باهتر از آید و بنفحات جنت الهی
 آن اقلیم را مشکبیز نمائید ای اماء رحمن محفل به محبت الله آرایش
 دهید و در آن محفل بکمال حکمت در اوقات مخصوصه مجتمع
 شوید و بذکر آن یار مهربان مشغول گردید و مذاکره در آله و
 براهین ظهور جمال مبین فرمائید تا هر یک از اماء رحمن نطقی
 بلیغ یا بند و لسانی فصیح بگشایند و سبب هدایت اماء کثیره گردند

امروز اعظم امور تبلیغ امر الله لهذا الماء رحمن باید فکر را حصر
 در آن کنند شب و روز به تتبع در راهین و حجج الهمی مألوف گردند
 و در حین اجتماع باید یکدیگر بیان حجج و دلائل الهمی نمایند و بشارت
 بیوم ظهور دهند و علیکم التحیة والثناء ع ع

فهرست مطالع
الواح مبارکه

مطالع الواح مبارکه

صفحہ

الہی الہی انت الرحمن انت الرحیم ہب لی من لبتک	۱
هو اللہ نامہ ات رسید و سبب سرور گردید	۲
هو اللہ الہی الہی ہذہ امتک الموقنۃ بآیاتک	۲
هو الابن اللہم ہذہ امتک التی آمنت	۴
هو الابن ای اخوات حقیقی جناب زائر	۴
هو اللہ ای اماء الرحمن از الطاف و عنایت جمال قدم	۵
هو الابن ای امۃ اللہ توجہ بملکوت صدق ابھی نما	۷
هو اللہ ای اماء الرحمن الحمد لله درگاہ احدیت را	۸
هو اللہ ای اماء الرحمن الحمد لله و رقات سدرہ رحمانیتید	۸
هو اللہ ای اماء الرحمن تلاوت آیات و مناجات مورثہ انجذابست	۹
هو اللہ ای اماء الرحمن چون و رقات طیبات ثابتات راسخات	۱۰
هو اللہ ای اماء الرحمن در این دم کہ عبد البہاء	۱۱
هو الابن ای ورقہ موقنہ غفران مادر خواہی	۱۲
هو الابن ای اماء الرحمن دست عجز و نیاز بدرگاہ	۱۳
هو اللہ ای اماء الرحمن شکر کنید حضرت حتی قیوم را	۱۳

مطالع الواح مبارکه

صفحه

هوآلله ای اماء رحمن فضل و موهبت حضرت یزدان	۱۳
هوآلله ای اماء رحمن محفل رحمانی که در آن مدینه تأسیس نمودید	۱۴
هوآلله ای همدم عزیز مکاتیب جوف را برسانید و بفرستید	۱۶
هوآلله ای اماء رحمن و ورقات سدره عرفان	۱۶
هوآلله ای اماء جمال الهی کنیزان آن یار مهربان عزیزانید	۱۸
هوآلله ای اماء جمال الهی ملاحظه نمائید که مورچه عنایتی شدید	۱۹
هوآلله ای امة البهآ اسم و لقبی اعظم و اشرف از این نیافتم	۲۰
هوآلله ای امة البهآ این عنوان فخر هر عنوانیست	۲۱
هوآلله ای امة البهآ این عنوان مفحوت درقات رحمانیه است	۲۳
هوآلله ای امة البهآ دمبدم بیاد توأم و از حق میطلبم	۲۳
هوآلله ای امة البهآ مکتوب مرسل و اصل گشت	۲۴
هوآلله ای امة البهآ هر چند مدتی است که خبر و اثر انجذاب	۲۶
هوآلله ای امة موقنه در ظل جمال قدیم و نبأ عظیم	۲۷
هوآلله ای امة موقنه فضل جمال قدم بمشابه بحر پر موجست	۲۸
هوآلله ای امة المقربه نامه خواندم و بر معانی اطلاع یافتم	۲۸

مطالع الواح مبارکه

صفحه

هوآلله ای امة الله از الطاف جمال قدم امید است	۲۹
هوآلله ای امة الله اگر بدانی این خطاب چه قدر مبارک است	۲۹
هوآلله ای امة الله اگر چه بظاهر در این آستان حاضر نشدی	۳۰
هو الاهی ای امة الله اگر ظل ظلیل جوئی در سایه شجره انیساً ^{در آئی}	۳۰
هو الاهی ای امة الله اگر نفسی فی سبیل الله نفسی برآرد	۳۱
هو الاهی ای امة الله افق عالم بانوار عنایت اسم اعظم روشن	۳۱
هو الاهی ای امة الله الآن در کاشانه جناب زین حاضر	۳۲
هوآلله ای امة الله المبارکه اشعار بدیع ملاحظه گرید	۳۲
هوآلله ای امة الله المقربه از الطاف حضرت مقصود امید ^{ولرم}	۳۳
هو الاهی ای امة الله المقربه در این یوم ولادت اسم اعظم	۳۴
هوآلله ای امة الله المقربه در گاه احدیت را کنیز عزیز می	۳۴
هوآلله ای امة الله المقربه نامه فی مرقوم نموده بودید که بیکروز ^{اقتلا}	۳۴
هو الاهی ای امة الله المنتسبه الی من شرفه الله بجواره فی الملکو ^ت	۳۷
هوآلله ای امة الله الناطقه جوهر محامد و نعوت و ستایش	۳۸
هوآلله ای امة الله الورقة النورانیة هر چند تا بحال نامه های ^{متعدد}	۳۹

صفحه	مطالع الواح مبارکه
۴۱	هو الاهی ای امة الله اليوم اما نئ در ملکوت الھی مذکورند
۴۱	الله الھی ای امة الله ای ورقة موقنه در این قرن عظیم وعصر بیدار
۴۲	هو الاهی ای امة الله ای ورقة موقنه فضل وجود سلطان وجود را
۴۲	هو الله ای امة الله بلطف قدیم رب کریم امید و ارباش
۴۳	هو الله ای امة الله بملیک سر بر ملکوت با جی بدہ
۴۳	هو الاهی ای امة الله توجه بملکوت الھی کن
۴۳	هو الاهی ای امة الله چند روز پیش محرمی بشما مرقوم شد
۴۴	هو الله ای امة الله چون افواج نساء عالم نگری
۴۴	هو الله ای امة الله حضرت اسم الله نہایت نعت وستایش
۴۵	هو الله ای امة الله حمد کن جمال قدم را کہ در ظل سدره ^{منتهی}
۴۶	هو الاهی ای امة الله حمد کن خدا را کہ بر شریعة بقا و ارشدی
۴۷	هو الاهی ای امة الله خدمات آستان الھی بیبا و لی اعظم خدمات
۴۷	الله الھی ای امة الله خدماتت در درگاہ احدیت مقبول و محبوب
۴۸	هو الله ای امة الله خدماتت در درگاہ الھی واضح و مشہود
۴۸	هو الاهی ای امة الله خدماتت در عتبه مقدسه مقبول افتاد

مطالع الواح مبارکه	صفحہ
ای امۃ اللہ خوش باش کہ ہدایت یافتی	۴۹
ای امۃ اللہ در امر حضرت پروردگار استقامت	۴۹
ای امۃ اللہ در این دور کہ منتہا آمال عبار مخلصین	۵۰
ای امۃ اللہ در این کور بدیع کہ جمال قدیم و نور مبین	۵۰
ای امۃ اللہ در این کور اعظم و دور و قرن ملک ^{قدم}	۵۱
ای امۃ اللہ در این کور عظیم و دور بدیع اما مبعوث شد ^{ند}	۵۲
ای امۃ اللہ در این کور عظیم و دور کریم حضرات نساء	۵۳
ای امۃ اللہ در حضور نور الانوار در ملکوت اسرار	۵۳
ای امۃ اللہ در سبیل جمال قدم فدای جان و خود ^{قربان}	۵۴
ای امۃ اللہ در یوم اشراق اما فی مجذب انوار	۵۴
ای امۃ اللہ دست عجز و نیاز باستان مقدس حضرت ^{نی نیاز}	۵۵
ای امۃ اللہ راضی بقضا باش و هر نوع تقدیر	۵۵
ای امۃ اللہ ربا بہ را آہنگی روحانی لازم	۵۶
ای امۃ اللہ رقیمہ خواندم و از خزنت متأثر ماندم	۵۶
ای امۃ اللہ شکر ایند تعالی را کہ در این کور کریم	۵۷

مطالع الواح مبارکه	صفحہ
هو اللہ ای امة اللہ شکر کن حضرت احدیت را که باین یاغض ضوان پی بردی	۵۷
هو اللہ ای امة اللہ شکر کن حضرت احدیت را که موفق باینماگشتی	۵۸
هو الاهی ای امة اللہ شکر کن حضرت روست را که در حلقه	۵۸
هو الاهی ای امة اللہ شکر کن حی قیومی را که ترا از بین ربّات جمال	۵۹
هو الاهی ای امة اللہ شکر کن خدا را که بمحبت جمال الاهی رخ بر آفود ختم	۵۹
هو اللہ ای امة اللہ شکر کن خدا را که در دنیا آنقوم اول مؤمنی	۶۰
هو الاهی ای امة اللہ شکر کن خدا را که از ورقات سدره فردوسی	۶۱
هو الاهی الاهی ای امة اللہ شکر بزدان پاک را که از عنصر	۶۲
هو اللہ ای امة اللہ صد هزار ملکه های عالم آرزوی آنرا داشته	۶۳
هو الاهی ای امة اللہ علیک بهاء اللہ شکر کن حی قدیم را	۶۳
هو الاهی ای امة اللہ فیض ملکوت از حد دور و قیور ناسوت منزله و برآست	۶۴
هو اللہ ای امة اللہ مظهر موهبتی و منظور نظر عنایت	۶۴
هو الاهی ای امة اللہ منسوب خادم درگاه الاهی حد کن خدا را	۶۵
هو الاهی ای امة اللہ نامه ات در این مقام وارد و ملاحظه گرید	۶۵
هو الاهی ای امة اللہ والورقة الروح اچه شد که آن طیر	۶۷

مطالع الواح مبارکه	صفحه
هو الایہی ای امة الله وامّ امة نام تو شمس جهان است	۶۷
هو الایہی ای امة الله ورقه زکیه عليك بهاء الله عطر الله مشامک	۶۸
هو الایہی ای امة الله ورقه زکیه لحاظ عین الله الناظره شامل آنورقه	۶۹
هو الاقدس الاعلی ای امة الله ورقه موقنه روحا خانة که وقف مسافر خانة ^{نور}	۷۰
هو الله ای امة الله ورقه موقنه زائرہ نہایت ستایش	۷۰
هو الله ای امة الله ورقه موقنه متضرعه الی الله زکوت در این بساط ^{گذشت}	۷۱
هو الله ای امة الله هدايت الله گوهر گرانہا نیست	۷۱
هو الایہی ای امة الله هر چند بجسم در این آستان حاضر نشدی	۷۲
هو الله ای امة الله هر چند در جامه نسائی و برسرمقعه داری	۷۲
هو الایہی ای امة الله هر چند مصائب و رزایا و متاعب و بلايا	۷۳
هو الله ای امة الله هر صبح و مساء بمناجات رب الآيات پرداز	۷۴
هو الایہی ای امة الله همیشه در این ساحت مذکور بوده و هستی	۷۵
هو الله ای بنات ملکوت الله الحمد لله بتحصیل کمال مشغولید	۷۵
هو الایہی ای بنات منادی میثاق شمع آفاق بنور عبودیت	۷۶
هو الایہی ای پروردگار آمرزگار در این کورا عظمت چه خوان نعمتی بگستری	۷۷

سطالع الواح مبارک

صفحہ

۷۸	هو اللہ	ای پریزاد زادہ خلیلی و آزارہ رب جلیلی
۷۹	هو اللہ	ایتھا الاماء المجذبة بنفحات اللہ تا بحال میان اماء رحمن
۸۱	هو اللہ	ایتھا السئات المؤمنات انی بكل زل وانکسار
۸۲	هو اللہ	ایتھا المنقطعة عن الدنیا طوبی لک بما اقبلت
۸۲	هو الابی	ایتھا الورقة الطیبة الزکیة المطمئنة بفضل ربها
۸۴	هو الابی	ایتھا الورقات المبارکات فی الشجرة الرحمانیة
۸۴	هو الابی	ایتھا الورقة المبهلة الی اللہ نامہ شمارسید
۸۵	هو الابی	ایتھا الورقة المهتزة من نسیم هذه الریاض اگر بظاہر
۸۶	هو اللہ	ایتھا المشتعلة بحبب اللہ آنچه مر قوم نموده بوردی ملاحظہ کرید
۸۷	هو الابی	ایتھا الورقة الناطقة بذکر اللہ آنچه از حجره روحانی
۸۸	هو الابی	ایتھا الورقة الناطقة بثناء اللہ شکر کن حضرت موقو حقیقی
۸۹	هو اللہ	ایتھا الورقة الناطقة المجذبة بنفحات اللہ المهتزة من نسیم
۹۰	هو الابی	ای دو کنیز حق شرط کنیزی جمال مبارک
۹۱	هو اللہ	ای دو کنیز در گاہ الہی حرم شہید شفاعت شما نمود
۹۱	هو اللہ	ای دو کنیز عزیز الہی الیوم اعظم خدمت بملکوت الہی
۹۲	هو اللہ	ای دو کنیز عزیز الہی پروردگار مہربان کنیزان پرہیزکار خوا

مطالع الواح مبارکه

صفحه

هوآلله ای دوکنیز عزیزالهی درگاه احدیت رادوامة مقربید	۹۲
هوآلله ای دوکنیز عزیزالهی جناب آمیرزاجیب الله درنامه خویش	۹۳
هوآلله ای دوکنیز عزیزجمال الہی هرچند در دور قدیم	۹۴
هوآلله ای دوکنیز عزیزجمال مبارک این چه گمانست و این چه تصور ^ل	۹۵
هوآلله ای دو مشتاق دیدار در نهایت سرور بیاد آن دو شمع پر نورم	۹۶
هوآلله ای دو ورقه طیبه و دو کنیز جمال قدم جناب ابن ابهر	۹۷
هوآلله ای دو ورقه مقبله موقنه از بدو وجود تا یوم موعود	۹۸
هوآلله ای ربابه صدحزار شکر نما که در این عهد مبارک	۹۹
هوآلله ای خالک در کبریا رجولیت و انوثیت بجان است نه بجم	۱۰۰
هوآلله ای شمع افروخته روشنی حقیقت نور محبت الله است	۱۰۱
هوآلله ای صابره ای مقربه ای مطمئنہ فی الحقیقه در خدمت	۱۰۱
هوآلله ای فدائیان حضرت یزدان چون صبح میثاق رحمن رسید	۱۰۲
هوآلله ای قبه مشتعلہ ملتہبه بنا رحمت سدرہ ربانیہ شکر کن خدا را	۱۰۳
هوآلله ای کنیزان الہی موهبت رحمانی را ملاحظه نمائید	۱۰۳
هوآلله ای کنیزان جمال الہی نامه شمار سید و از قرائت آن سطور	۱۰۴

صفحه	مطالع الواح مبارکه
۱۰۵	هو الله ای کنیزان عزیزان حق الحمد لله در راه هدی
۱۰۶	هو الله ای کنیزان عزیزان درگاه احدیت عبدالبهاء بدرگاه کبریا
۱۰۷	هو الله ای کنیزان عزیز الهی نامه هفتم محرم درسته گذشته
۱۰۹	هو الله ای کنیزان عزیز جمال الهی نامه فی ازان امه الله منیره
۱۱۰	هو الله ای کنیزها بین چه قدر عزیز می
۱۱۱	هو الله ای کنیز حق بانوهای عالم آرزوی این روزگار میفوردند
۱۱۱	هو الله ای کنیزت جنود چه بسیار زوجات و بنات انبیا
۱۱۲	هو الله ای کنیز عزیز الهی اگر چه بنام کوچکی
۱۱۲	هو الله ای کنیز عزیز الهی حمد خدا را که در یوم ندا
۱۱۴	هو الله ای کنیز عزیز الهی شکر کن خدا را که عاقبت محمود بود
۱۱۵	هو الله ای کنیز عزیز الهی گمان نمآید که فراموش شدی
۱۱۶	هو الله ای کنیز عزیز الهی مطمئن باش که در آستان مقدس مقرب ^ه
۱۱۶	هو الله ای کنیز عزیز الهی نامه رسید و فریاد و فغان
۱۱۷	هو الله ای کنیز عزیز جمال الهی ملاحظه نما که چه موهبت کبریا
۱۱۹	هو الله ای کنیز عزیز درگاه کبریا یدر بزگوار در انبار

مطالع الواح مبارکه	صفحه
هوآلله ای کنیز مبارک بهاء الله بلیقیس قدیمراخت و تاجی	۱۲۰
هوآلله ای کنیز مقربۀ درگاه کبریا	۱۲۰
هوآلله ای گوهرکان محبت الله هرگوهر بر اکانیست	۱۲۲
هوآلله ای متضرعۀ الی الله جناب خلیل جلیل	۱۲۲
هوآلله ای مشتعلۀ بنار محبت الله در ملکوت ابهار ختر عزیزی	۱۲۳
هوآلله ای امآء رحمان درگاه احدیت را کنیزان عزیزید	۱۲۴
هوآلله ای معلمه های مدرسه تربیت بنات نامہ شمارسید	۱۲۴
هوآلله ای منادی ملکوت در سفریکه با طراف رفتی تنها نبودی	۱۲۵
هوآلله ای منجذبه بنفحات الله امیدوار بصون و عون و حمای	۱۲۶
هوآلله ای ناظر بملکوت مکتوبت رسید مضمون مفهوم گردید	۱۲۷
هوآلله ای ورفات رحمانیہ امآء رحمان نامہ های شمانفخہ	۱۲۷
مشکبار بود	
هوآلله ای ورفات سدرۀ نورانیہ درین صبحگاهی که نورالهی	۱۲۹
هوآلله ای امۀ الله با مدار است و هرکس بخیاالی	۱۳۰
هوآلله ای منجذبه دلبر آفاق نامہ شمارسید بلا یای وارده	۱۳۱
هوآلله ای ورفات مبارکه و امآء رحمان و احببا حضرت بزردان	۱۳۲

مطالع الواح مبارکه

صفحه	مطالع الواح مبارکه
۱۳۳	هو الاهی ای ورقات مهترات مجذبات در این قیامت کبری
۱۳۴	هو الله ای ورقات مبتهلات در صبح ابداع و شفق اختراع
۱۳۴	هو الله ای ورقات مطهرة محترمة مقربة درگاه کبریا خوشا
۱۳۶	هو الاهی الاهی ای ورقات نورانیة و اما رحمانیة از ریاض ملکوت الاهی
۱۳۷	هو الله ای ورقات نورانیة نامه شمارسید الحمد لله دلیل بر نورانیت
۱۳۸	هو الاهی ای ورقه ثابتة راسخه بر عهد و پیمان الهی الیوم ورقه ای
۱۳۹	هو الله ای ورقه رحمانیة اهل سرادق میثاق کل شتاق دیدار تواند
۱۴۰	هو الله ای ورقه رحمانیة نامه تورسید و عجز و نیازت در آستان
۱۴۰	هو الله ای ورقه روحانیة چشم بگشا و بملکوت الاهی توجه کن
۱۴۱	هو الله ای ورقه زکیه رجال در جمیع ادوار مرر میدان بورند
۱۴۲	هو الاهی ای ورقه طیبه از آثار باهره یوم الله آنکه
۱۴۲	هو القیوم ای ورقه طیبه از الطاف حضرت ورود دم بزن
۱۴۳	هو الاهی ای ورقه طیبه از لطف حق امید وارشو
۱۴۳	هو الاهی ای ورقه طیبه ثابتة راسخه صابره در این کور اعظم
۱۴۴	هو الله ای ورقه طیبه جهان عرفان تا بحال میدان مردان بود
۱۴۵	هو الله ای ورقه طیبه در سلك کنیزان رب عزیز در آمدی

صفحه	مطالع الواح مبارکه
۱۴۵	هو الله ایورقه طیبه دست تضرع بدرگاه احدیت درازکن
۱۴۶	هو الاهی الاهی ایورقه طیبه زکیه اگر بالطاف جمال قدم درحق اماء ^{بی بی} حمن
۱۴۶	هو الاهی ایورقه طیبه زکیه الطاف حق چون دریای بی پایان
۱۴۷	هو الاهی ایورقه طیبه زکیه حضرت محبوب عالمیان بعضی از اما ^{حمن} الز
۱۴۷	الله الاهی ایورقه طیبه مبلغه حال وقت نطق و بیانست
۱۴۸	هو الله ایورقه طیبه مطمئه درچین عهدی که ارباب امتحان
۱۴۹	هو الاهی ایورقه طیبه مطمئه راضیه مرضیه آن امه الله درسبیل الھی
۱۵۰	هو الاهی ایورقه طیبه منجذبه بنفحات الله آنچه بلسان گفتی
۱۵۱	هو الاهی ایورقه طیبه موقنه دراین کور جدید بموهبتی اختصاص یافته
۱۵۱	هو الاهی ایورقه مبارکه آتش اشتیاق شعله و اشراق نموده
۱۵۲	هو الله ایورقه مبتهله دریوم نداء نقطه اولی علم بلی
۱۵۲	هو الاهی ایورقه مبتهله مطمئه شکر کن حتی قدیم را
۱۵۳	هو الاهی ایورقه متضرعه الی الله دراین عالم نسائی بجد و حساب
۱۵۵	هو الله ایورقه محترمه از اماء الله سابقی که در ایمان سبقت یافتی
۱۵۶	هو الله ایورقه محترمه از صعورد من ادرك لقاء ربه محزوز و پریشان ^{مباش}

مطالع الواح مبارکه	صفحہ
ایورقہ محترمه الحمد لله از دست ساقی عنایت	۱۵۸
ایورقہ محترمه امة الله المطمئنه در مجامع اماء ^{کن} رحما چنان تر تری	۱۵۸
ایورقہ مطرزہ صد ہزار اماء کہ سالہا بشمار	۱۵۹
ایورقہ مطمئنه جام صفارا از بارہ و فالبریز نما	۱۵۹
ایورقہ مطمئنه چون در جہان حوارث و اخبار	۱۶۰
ایورقہ مطمئنه در این کور الہی و دورہ رحمانی	۱۶۱
ایورقہ مطمئنه زکرت در آستان مبارک مذکور و معروف	۱۶۱
ایورقہ مطمئنه راضیہ مرضیہ شکر کن حضرت یزدانزا	۱۶۲
ایورقہ مطمئنه شکر حضرت رب جلیل را	۱۶۳
ایورقہ مطمئنه قدسیہ الحمد لله آنخانمان در پناہ حضرت ^{یزراند}	۱۶۳
ایورقہ مطمئنه منجذبہ تحریر بلبل و مسطور فصیح رسید	۱۶۴
ایورقہ مطمئنه نجات جنت الہی در ہبوب و مرور است	۱۶۵
ایورقہ مطہرہ آنچه نکاشتی ملاحظہ گرید	۱۶۵
ایورقہ مقربہ نہ بگلی با جی رہ و نہ هیچ سلطانی خراجی	۱۶۷
ایورقہ منتسبہ گوہر را جوہر باید	۱۶۷

صفحه	مطالع الواح مبارکه
۱۶۸	هو الاهی امة البهاء علویہ خانم حرم شهید مجیدرا
۱۶۸	هو اللہ ایورقہ موقنہ الحمد لله از بدایت حیات هدایت یا فقہ
۱۶۹	هو الاهی ایورقہ موقنہ بآیات اللہ حمد کن خدارا
۱۷۰	هو اللہ ایورقہ موقنہ تمنائی کہ از امة اللہ ورقہ طیبہ مجاویز
۱۷۱	هو الاهی ایورقہ موقنہ حلاوت و شیرینی حقیقی در هدایت
۱۷۱	هو الاهی ایورقہ موقنہ در این بساط امانی مقرب
۱۷۲	هو الاهی ایورقہ موقنہ در ظل کلمہ بجزیہ مبعوث گرد
۱۷۲	هو اللہ ایورقہ موقنہ در کور مسیحائی و دور عیسوی
۱۷۳	هو اللہ ایورقہ موقنہ در هر صبحگاهی فیوضات نامتناهی طلب
۱۷۴	هو اللہ ایورقہ موقنہ شاخ و برگ هر شجری
۱۷۴	هو الاهی ایورقہ موقنہ شمع اگر جمع را روشن نماید
۱۷۵	هو اللہ ایورقہ موقنہ مکتوب شمار سید مضمون مفهوم و مطاب
۱۷۵	هو الاهی ایورقہ موقنہ نعمت الہیہ متنوع جسمانی و روحانی
۱۷۶	هو اللہ ایورقہ موقنہ نظر عنایت متوجہ امان رحمن است
۱۷۶	هو الاهی ایورقہ موقنہ اگر از الطاف خفیہ الہیہ کہ در ملکوت الہی

مطالع الواح مبارکه

صفحه

ایورقه موقنه الطاف جمال قدم در این کور	هو الاهی	۱۷۷
ایورقه منجذبه اقتران جدید سبب سرور شدید گرید	هو الله	۱۷۷
ایورقه منجذبه اینقدر بدان که در حیز وجود از غیب شهود	هو الاهی	۱۷۸
ایورقه منجذبه بنفحات الله نامه ات قرائت گرید	هو الله	۱۷۹
ایورقه منجذبه روحانیه چون بلبل گلشن ملکوت اعلی	هو الاهی	۱۸۰
ایورقه منجذبه در هر نفسی صد هزار شکر بدرگاہ احدیت نما	هو الاهی	۱۸۱
ایورقه منجذبه گمان منما که فراموش گرید	هو الله	۱۸۲
ایورقه مهتدیة امة البهائم قوم نضوره که از کاش ^{هدی} ^{مسند} ^{سور}	هو الله	۱۸۲
ایورقه مهتره از نفحات ریاض آنچه مرقوم نموده بودی ملاحظه ^{گرید}	هو الاهی	۱۸۳
ایورقه مهتره بنسائم محبت محبوب عالمیان	هو الاهی	۱۸۴
ایورقه مهتره بنسیم محبت الله در این صبح که صباح فیوضا	هو الاهی	۱۸۵
ایورقه مهتره بنفحات الله شکر حضرت رب قیوم را	هو الله	۱۸۶
ایورقه ناطقه حضرت نیرُ سینا در مرغ خوش الحان	الله الاهی	۱۸۶
ایورقه ناطقه حمد خدا را که قدرت الهیه را	هو الله	۱۸۷
ایورقه نضرة زکیه در این عصر جدید و قرن بدیع	هو الاهی	۱۸۸

مطالع الواح مبارکه

صفحه

ایورقه نورآء الحمد لله از سدره مقدسه روئیدی	هوآلله	۱۸۸
تربیت نسوان اهم از تربیت رجال است	هوآلله	۱۸۹
یا ماء الرحمن علیکن البهآء ولكن العزة الابدیه	هوآلله	۱۹۰
یا امة البهآء در مکاتبه اگر چنانچه فتوری حاصل	هوآلله	۱۹۱
یا امة البهآء عنوانی اشرف از این نیام	هوآلله	۱۹۲
یا امة البهآء مدتی است از شما خبری نمیرسد	هوآلله	۱۹۳
یا امة البهآء نامه شمار سید الحمد لله از گلشن معانی	هوآلله	۱۹۴
یا امة الله المعین القیوم فی الحقیقه چنان نار ^{شیا}	هوآلله	۱۹۶
یا امة الله المعین القیوم مکتوب شما وصول یافت	هوآلله	۱۹۷
هو الاهی یا امة الله الورقة الطیبة الزکیة قد ذكرت اخاک	هو الاهی	۱۹۸
هو البر الرؤف الرحیم ای امة الله ای امة البهآء صبح هدی	هو الاهی	۱۹۹
هو الاهی ای امة الله نامهات در این مقام دارد و ملاحظه ^{گردید}	هو الاهی	۲۰۰
ایورقه مطمئنه الیوم شرف و منقبتی و میمنت و سعادت ^{تخ}	هوآلله	۲۰۱
ایورقه موقنة منجذبه حد کن حی قیوم را که در یوم	هوآلله	۲۰۱
ای امة البهآء زبان بثنای جمال قدم روحی لاجبائه ^{الفدا}	هو الاهی	۲۰۲

مطالع الواح مبارکه	صفحه
الله ابھی ایورقہ موقنہ ذکر خیر الیوم ثبوت و رسوخست	۲۰۲
هو الله ای کنیز خدا الحمد لله نیر اشراق پر توی افکند	۲۰۳
هو الله ایورقہ موقنہ ستاره نفسیت که نور محبت الله	۲۰۳
هو الله ای امة الله در آستان جمال قدم کنیز با تمیزی	۲۰۴
الله ابھی ایورقہ مطمئنہ بسار روزها گذشت و شبها پیاپی ^{سید}	۲۰۴
هو الله ای امة الله از فضل آن حی مجید صد هزار امید ^{ست}	۲۰۵
هو الله ای یار عزیز در خصوص محفل تبلیغ نساء مرقوم ^{بورید}	۲۰۵
هو الاهی ای امة الله سر قدرت را مشاهده کن	۲۰۶
هو الله ای کنیز درگاه احدیت شکر کن خدا را که نور ^{بیت}	۲۰۷
هو الله ای کنیز عزیز الهی ستاره را درخشندگی باید	۲۰۸
هو الله ای امة الله عصمت و عفت الیوم استقامت	۲۰۸
الله ابھی ایورقہ موقنہ جناب میرزا عبد العلی قطع ^{فنا}	۲۰۹
الله ابھی ای امة الله خوشا خوشا ورقا تیکه در این اوقا ^ت	۲۱۰
هو الله یا امة الله نهایت ستایش از ایمان و ایقان	۲۱۰
هو الاهی ای امة الله جناب آقا محمد حسن الحمد لله محفوظا	۲۱۱

مطالع الواح مبارکه	صفحه
هوآلله ای امة الله هیچ دانی که کنیزی جمال مبارک راجه ^{است} مفا	۲۱۲
هوآلله ایورقه مبتهله شمع روشن است و شهد مکرر	۲۱۲
هو الاهی ای دو بندة الهی وای اماء آستان ربانی عبد البهاری	۲۱۲
الله ابھی ای امة البهآء علیک البهآء وعلیک الشآء	۲۱۴
هو الاهی ایورقه مقدسه مبارکه صد هزار ملکه های آفاق	۲۱۵
هو الاهی ای اماء رحمن وورقات طیبه موقنه مطمته بفضل ^ن زیاد	۲۱۵
هوآلله ای اماء رحمن در هر کوری از مطالع مقدسه چند نسا	۲۱۶
هوآلله یا اماء الرحمن از قرار مسموع محفلی آراستید و بخدمت	۲۱۸
هوآلله ای ورقه مبتهله سهراب در این مدت بچنگ افراسیا	۲۱۹
هوآلله یا امة الله من الدوحة المبارکه اگرچه سالهای چند ^{است}	۲۲۰
هوآلله ای امة الله جناب آقا سهراب مدتی بود	۲۲۱
هو الاهی ایورقه طیبه روحانیه تا توانی بکمال قوت بسدره ^{الغیه}	۲۲۱
هوآلله ای رخشنده بنور محبت الله تا بنده باش	۲۲۲
هوآلله ای اماء رحمن شکر کنید خدا را که در چنین عصر ^{مهمیت}	۲۲۲
هوآلله ای کنیز عزیز آلهی نامه تورسید بسیار خوش فهمون بود	۲۲۲

مطالع الواح مبارکه	صفحه
هو الاهی ایورقه طیبہ اماء الہی وکنیزان حریم رحمانی	۲۲۳
هو اللہ ایورقه مبارکہ حمد کن خدارا کہ از سدرہ مبارکہ روئیدی	۲۲۳
هو اللہ ای امة الله ملاحظہ نما کہ پرتو عنایت چگونه بر تو درخشید	۲۲۴
هو الاهی ای اماء رحمن نامه شمار سیدرل و جان شادمان شد	۲۲۴
هو اللہ ای ورقه مبتہلہ موقنہ قومی بر آنند کہ رجال افضل از نساء	۲۲۵
هو اللہ ای یاران حقیقی عبد البہاء و اماء رحمن در ایندم کہ در پوستان	۲۲۶
هو الاهی ای امة الله جناب میرزا حسین علیہ بہاء الله الاهی	۲۲۶
هو الاهی یا امیمہ الله چہ خوش بخت بوری و بلند طالع	۲۲۶
هو اللہ ای کنیز الہی مکتوبیکہ بخط انگلیسی مرقوم نمودہ بوری	۲۳۰
هو الاهی ای مؤمنان موقنان و ای مؤمنات موقنات	۲۳۱
هو الاهی ای ورقه طیبہ مطمئنہ امة الله المہمیز القیوم شکر کن خدارا	۲۳۱
اللہ الاهی ای ورقه موقنہ در تخت عصمت نفس زکیہ هستی	۲۳۲
هو اللہ ای ورقه زکیہ منجذبہ علیک بہاء الله الاهی وثناء الله	۲۳۲
هو اللہ ای کنیز مقرب الہی جناب فاضل خدما تترابصیایای	۲۳۳
هو الاهی ای بندگان الہی وکنیزان رحمانی صبح ہنگ ظاہر است	۲۳۴

مطالع الواح مبارکه

صفحہ

۲۳۴	هو اللہ	ای ورقہ منجذبہ درگاہ کبریآ، الحمد لله مؤمنی و موافقہ
۲۳۵	هو اللہ	ای ستمی حضرت مقصودرگان منما کہ این زندانی
۲۳۶	هو اللہ	ایمانندان و درودمان ورقہ ثابتہ راسخہ الی رفعہا ^{اللہ}
۲۳۸	هو الالہی	ای امة الله شکر کن خدا را کہ پسری داری کہ درستان
۲۳۸	هو اللہ	الہی الہی ان محمد اسرع الی ساحة قدسک و رحاب
۲۴۰	هو اللہ	ای بندگان و کنیزان الہی نامہ شمارا حضرت محسن ارسلنا
۲۴۰	هو اللہ	ای مقبلان و مقبولان درگاہ کبریآ جناب امین
۲۴۲	هو اللہ	ای یاران عبدالبہاء، امة الله روحانی مکتوبی از لسان
۲۴۳	هو اللہ	ای احبای عزیز الہی و ای اماء محترمه ربانی این بندہ
۲۴۶	هو اللہ	ای یاران و اماء رحمن این واضح و عیان است
۲۴۷	هو اللہ	ای دوستان حقیقی و کنیزان عزیز الہی نامہ شیکہ
۲۴۹	هو اللہ	ای یاران ای اماء رحمن چہ خوش محفل آراستید
۲۵۰	هو الالہی	ای مبتہلہ الی اللہ نساء در این عالم
۲۵۱	هو اللہ	ای امة الله ای ورقہ نورآء در درگاہ حضرت رحمان ^{نیت}
۲۵۲	هو الالہی	ای ورقہ مہترہ بنفحات اللہ زکرت مذکور

مطالع الواح مبارکه

صفحہ

۲۵۳ هو اللہ ای امة الله آیت محبت الله شو

۲۵۳ هو اللہ ای کنیزان الہی در این آیام در اقالیم فرنگ

۲۵۵ هو اللہ ای اماء جمال الہی ملاحظہ نمائید کہ شمارا ^{عنوان} بچہ